

انفجار مهیب در نجف محمدباقر حکیم کشته شد

در صفحه ۳

قوه قضائیه و وزارت اطلاعات

متقابلا یکدیگر را مسئول قتل زیبا کاظمی دانستند

♦ دولت کانادا اعلام کرد از نحوه رسیدگی به پرونده زیبا (زهر) کاظمی توسط دولت ایران خشمگین است

می شوند که مباحث را به گونه‌ای دیگر مطرح نمایند. بعداً هم این شهود را به جاهای دیگر منتقل می‌کنند. آنها ابراز می‌کردند دفتر زندان که کلیه وقایع زندان در آن ثبت می‌شود مسخودش و دست‌کاری شده است.

در این میان وزیر خارجه کانادا گفته است که کشورش از نحوه رسیدگی به پرونده قتل زهر کاظمی «خشمگین» است و کانادا همچنان برای افزایش فشارهای بین‌المللی بر ایران تلاش می‌کند. گراهام گفت: احتمال این که دو مامور وزارت اطلاعات که توسط قوه قضائیه ایران به عنوان مسئولان قتل خانم کاظمی معرفی شده‌اند، واقعا مسئولان قتل وی باشند، بسیار کم است. هر چند این موضوع «قدم مثبتی» است. وی گفت که احتمال دارد سعید مرتضوی خودش در مرگ کاظمی دست داشته باشد. وی افزود که ملاقات دیپلمات‌ها با دادستان تهران به همین دلیل انجام می‌شود.

در زمینه افشا حقایق مربوط به نحوه قتل زیبا کاظمی محسن آرمین اظهارات بسیار روشنگری داشت که در همین شماره کار به چاپ رسیده است.

رهبری نظام برخوردارند از حساسیت بیشتر برخوردار است و نباید مورد تعرض قرار گیرند. حمله را قوه قضائیه شروع کرد. دادسرای جنایی تهران دو مامور وزارت اطلاعات را به نقش داشتن در قتل زیبا کاظمی کرد. به دنبال آن وزارت اطلاعات اطلاعاتی دادسرای تهران را شیدا تکذیب کرد. در اطلاعیه وزارت اطلاعات آمده است این وزارت‌خانه اطلاعات کافی در مورد مرگ خانم کاظمی که «طی دوره بازداشت به طرز مشکوکی جان خود را از دست داده، در اختیار دادگستری گذاشته است».

و تهدید کرده است که «چنانچه دادگستری تهران اطلاعات صحیح را در مورد نحوه کشته‌شدن خانم کاظمی منتشر نکند، این وزارت‌خانه رسماً اقدام به انتشار اطلاعات مربوط به این مسأله خواهد کرد».

خسانم جمیله کدیور مخیر کمیسیون اصل نود نیز گفت «مسئولان وزارت اطلاعات بیان می‌کردند شاهدان که خود ۲۵ نفر از پرسنل زندان بوده‌اند، علیرغم توضیحات اولیه‌ای که ارائه کرده‌اند، پس از دو روز که به اصطلاح در قرنطینه بوده‌اند (توسط قوه قضائیه) توجیه

هواره مقامات و ارگان‌های مختلف جمهوری اسلامی برای حفظ مصالح نظام بر هر جنایت و اقدام غیرقابل دفاع و ایستگان حکومت سرپوش گذاشته و کوشیده‌اند عاملین و آمرین آنها را از زیر ضرب خارج سازند. آخرین نمونه آن دستگیری سلیمانپور سفیر سابق جمهوری اسلامی در آرژانتین است که به خاطر شرکت در بمب‌گذاری مرکز پسنودیان بوتنیوس آیرس، دستگیر شد. همه مقامات جمهوری اسلامی از جمله خاتمی به دفاع از وی پرداخته و کوشیدند پای نظام را از این معرکه بیرون بکشند. اما قتل زیبا (زهر) کاظمی که در زندان و زمانی که در اختیار دادستانی، وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی قرار داشت صورت گرفته است، دیگر بیش از آن رسوایی برانگیز و برملا شده است که بتوان بر آن سرپوش گذاشت. اکنون مسأله مقامات این است که آن «مخلف خودسر» و آن افراد و مهره‌هایی که باید به عنوان مقصر معرفی شوند از میان کدام یک از ارگان‌ها انتخاب شوند. طبعاً قوه قضائیه و دادستانی وابسته به آن که از عسائات و پشتیبانی مستقیم

آمریکایی لس آنجلس تایمز به تاریخ ۴ اوت منتشر شد، ذکر شده است که «آزمایش به روی نمونه‌های اورانیومی که در ماه ژوئن توسط بازرسان سازمان ملل از ایران خارج شد نشان می‌دهد که سطح غنی‌سازی آن‌ها در حدی است که می‌تواند نشانه تلاش برای ساخت سلاح اتمی باشد».

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، این گزارش‌ها را گمراه‌کننده خواند و اعلام داشت که مسئلتا تشعشعات اورانیوم مورد اشاره به خاطر آلودگی ماشین‌آلاتی بوده است که توسط ایران خریداری شده است.

البرادی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی ابراز داشت که ایران از بازار سیاه مواد هسته‌ای تهیه کرده است و ما می‌توانیم حدس بزنیم که چه کشور یا کشورهایی این مواد را در اختیار ایران قرار داده‌اند. وی گفت ما ایران را کماکان تحت فشار قرار خواهیم داد، اما این وضعیت نمی‌تواند برای همیشه ادامه در صفحه ۲

افزایش فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی

در زمینه برنامه‌های هسته‌ای

♦ البرادی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

ایران در باره مقاصد هسته‌ای خود شفافیت ندارد و از بازار سیاه مواد هسته‌ای تهیه کرده است

♦ خاویر سولانا:

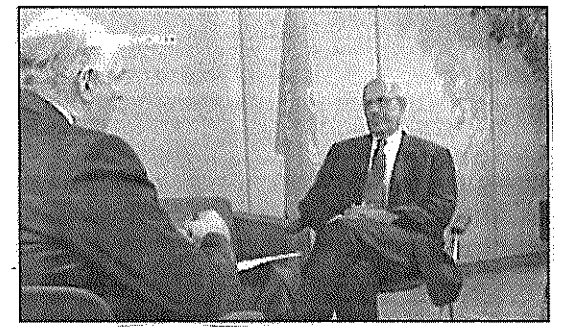
اگر شما بروکتل الحاقی را امضا نکنید، شما و ما خبرهای بدی خواهیم شنید

پس از بازرسی‌هایی که در ماه گذشته توسط تیم‌های حقوقی و بازرسی آژانس بین‌المللی از برخی تاسیسات در ایران صورت گرفت مقامات آژانس بین‌المللی ناراضی خود را از همکاری مقامات جمهوری اسلامی در این بازدیدها اعلام کردند و نسبت به افزایش نگرانی بین‌المللی در مورد برنامه‌های هسته‌ای حکومت ایران هشدار دادند.

برخی موسسات از جمله کارخانه‌ای در اطراف تهران که رسماً به عنوان یک کارخانه ساعت‌سازی و با نام «کالای الکتریک» فعالیت می‌کند، از جمله مراکزی است که در دور قلی بازرسان آژانس بین‌المللی اجازه بازدید از آن‌ها را نیافتند. در مقاله‌ای که در روزنامه

و گسترش سلاح‌های هسته‌ای مصوب ۱۹۷۰ افزایش یافت بر اساس پروتکل الحاقی که بر پروتکل ۹۲+۲ معروف است، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌توانند ظرف ۲۴ ساعت پس از اطلاع به کشور امضاکننده، از تاسیسات هسته‌ای مورد نظر خود بازدید کنند.

در آستانه تشکیل نشست ۳۵ عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در ۸ سپتامبر برگزار خواهد شد، و با انتشار اطلاعات جدیدی در باره اقدامات حکومت ایران در زمینه تهیه مخفیانه مواد هسته‌ای، فشار بر جمهوری اسلامی برای اعضا پروتکل الحاقی پیمان منع تولید



سرمقاله

آزرا که حساب پاک است...

این که با یک دیپلمات سابق ایران یا یک شخصیت یا یک شهروند ایران، با یک ادعای واهی این طور برخورد کنند، تاسف‌آور است و قابل قبول نیست. جمهوری اسلامی ایران نسبت به تمام شهروندانش به خصوص آنهایی که مسئولیت داشته‌اند، حساس است و در این زمینه با گذشت و تسامح برخورد نخواهد کرد... معتقدم که آنچه که پیش آمده، بیشتر صیغه سیاسی دارد و پشت قضیه، جریان‌ها و لابی‌هایی هستند برای اینکه با اتهامات واهی و ادعای دروغ، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند؛ ما از این نمونه‌ها داشته‌ایم و در برابرش ایستاده‌ایم... وزارت خارجه با آرژانتین برخورد شدیدی خواهد داشت و کاردار سفارت انگلستان احضار شده و باز هم احضار خواهد شد... ما از همین جا اعلام می‌کنیم که دولت انگلستان در مدت کوتاهی از این عمل نادرستی که انجام داده، دست بردارد و معذرت‌خواهی هم بکند؛ ما با تمام وجودمان در پی این هستیم که نگذاریم این توطئه زشت علیه جمهوری اسلامی جا بیفتد... وزارت خارجه کاملاً فعال است و همین الان وزیر خارجه و همکارانشان موضوع را در دست بررسی دارند و احتمالاً برای دومین بار نیز کاردار سفارت انگلیس را احضار و نظر قاطع جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌کنند؛ انشاءالله خداوند توفیق دهد که آنچه مصلحت جمهوری اسلامی است، انجام بگیرد».

(از سخنان محمد خاتمی در واکنش به دستگیری هادی سلیمانپور سفیر پیشین جمهوری اسلامی در آرژانتین که در درام انگلیس بازداشت شده است)

حتماً نام «مادران میدان مایو» را شنیده‌اید. اینان، زانی هستند که سالهاست در یکی از میادین اصلی بونوس آیرس پایتخت آرژانتین، اجتماع می‌کنند تا خواهان رسیدگی به پرونده ناپدید شدن یا به قتل رسیدن عزیزانشان به دست عوامل دیکتاتوری نظامی در این کشور طی دهه‌های گذشته شوند. عکسهای این زنان شجاع که با روسری‌های سفید خود، به یکی از مظاهر مقاومت در برابر ستمگران تبدیل شده‌اند، برای هر کس که تحولات دهه‌های اخیر آمریکای لاتین را دنبال کرده است، صحنه‌های آشنایی است.

چند روز پیش، این مادران به پیروزی بزرگی دست یافتند. پارلمان آرژانتین، قانون عفو عمومی عوامل جنایات دیکتاتوری نظامی را تصویب کرد. مردم آرژانتین، پس از آنکه دولت‌های جانشین ادامه در صفحه ۲

اعلامیه‌های هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت یازدهمین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی
۱۵ سال سکوت حکومتگران؛

اما این فاجعه هرگز فراموش نخواهد شد

در باره اعتراضات مردم سمیرم
خشونت، پاسخ حکومت به هر اعتراض

یکسال از بازداشت دکتر زرافشان گذشت
برای آزادی او و دیگر زندانیان سیاسی به پا خیزیم!

در باره رد سه لایحه مصوب مجلس توسط شورای نگهبان

در صفحات داخل

در این شماره

اسناد مصوب و پیشنهادی کمیسیون تدوین اسناد کنگره

و اسناد پیشنهادی دیگر

در صفحات ۶، ۷ و ۸

آی معلومات!
«من درد مشترکم مرا فریاد کن»

فریور رئیس‌دانا
در صفحه ۱۰

نگاهی به تحولات جاری در عراق

سیامک - تی
در صفحه ۱۲



آیا عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور آشکار خواهد شد

پس از تغییر دولت در آرژانتین این پرونده بار دیگر به جریان انداخته شد و قاضی مسئول پرونده خواستار دستگیری متهمان این پرونده شد. آرژانتین از تمام دولت‌های جهان خواستار دستگیری هشت تن متهم این پرونده شد. ماه مارس گذشته نیز چهار تن از مقامهای ایرانی از سوی مراجع قضایی آرژانتین به خود را از این کشور فراخوانده است.

که یکی از این هشت تن هادی سلیمانپور می‌باشد. حکم دستگیری او بر اساس حکم دادگاه آرژانتین صادر شده است. هادی سلیمانپور در شهر درهام واقع در شمال شرق انگلستان به دست پلیس بریتانیا بازداشت شد. دولت ایران مکرراً هرگونه دست داشتن در انفجار در آرژانتین را انکار کرده و سفیر خود را از این کشور فراخوانده است.

هادی سلیمانپور سفیر سابق جمهوری اسلامی در آرژانتین دستگیر شد. در زمان سفارت این شخص در آرژانتین در سه سال پیش بمب‌گذاری در یکی از مراکز یهودیان در بوتنیوس آیرس پایتخت این کشور انجام می‌شود که بیش از هشتاد تن در این عملیات کشته می‌شوند. مراجع قضایی آرژانتین هشت دیپلمات ایرانی را به طراحی و اجرای این عملیات محکوم کردند

دستور خامنه‌ای به بازگرداندن دست‌اندرکاران

عملیات پرومیزی

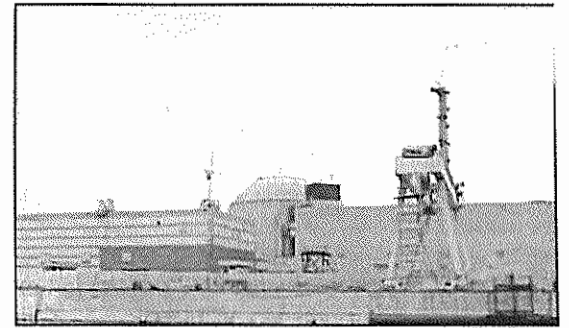
سفارت ایران در آلمان و هم‌سفر پیشین ایران در آرژانتین است بدستور رهبری کمیته‌ای برای بازگرداندن کسانی شدند که پیش از این در عملیات پرومیزی دست داشته‌اند، کسانی که اینک در کشورهای مختلف در خارج از کشور زندگی می‌کنند. در بیت آیت‌الله علی خامنه‌ای

بر طبق پست الکترونیکی که به برخی از سایت‌های اینترنتی رسیده دستگاه ولایت فقیه برای نجات عوامل تروریستی خود در خارج از کشور به تکاپو افتاده است. متن این گزارش چنین است: امضاء محفوظ پس از دستگیری هادی سلیمانپور که ابتدا کارمند سابق

بر طبق پست الکترونیکی که به برخی از سایت‌های اینترنتی رسیده دستگاه ولایت فقیه برای نجات عوامل تروریستی خود در خارج از کشور به تکاپو افتاده است. متن این گزارش چنین است: امضاء محفوظ پس از دستگیری هادی سلیمانپور که ابتدا کارمند سابق

افزایش فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی در زمینه برنامه‌های هسته‌ای

ادامه از صفحه اول



ادامه داشته باشد. محمد البرای گفت این ساله که آیا ایران به دنبال یک برنامه مخفی سلاح‌های هسته‌ای است، یک موضوع بسیار جدی برای امنیت منطقه است. محمد البرای همچنین تاکید کرده برنامه هسته‌ای ایران بیش از حدی که این ژانسی در جریان است، پیش رفته است.

در این میان دولت فرانسه اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران از این کشور برخی تجهیزات و مواد هسته‌ای تهیه کرده است. بحث و اختلاف نظر بر سر امضا پروتکل الحاقی پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای در حکومت جمهوری اسلامی حاد است. محافظه کاران حاکم با این امر

مخالفتند. علی خامنه‌ای اعلام فشار آمریکا و اروپا برای دست‌کشیدن از فناوری هسته‌ای را «بی‌سجا، ظالمانه و ناحق» دانست و گفت جمهوری اسلامی ایران این درخواست‌ها را نخواهد پذیرفت. وی در جمع دست‌اندرکاران سیاست خارجی اعلام کرد هرگونه ضعف و تسلیم بزرگترین «خطای استراتژیک» است. محافل و نشریات وابسته به محافظه کاران معتقدند امضا پروتکل الحاقی با «بازشدن پای جاسوسان و اشراف کشورهای غربی و به ویژه دشمنان بر اسرار استراتژیک جمهوری اسلامی مساوی خواهد بود» و آن را «اعطای حق جاسوسی» به دشمنان خواندند. و خواهان پیروی از نمونه کرد شمالی و

خروج از معاهده منع تکثیر و گسترش سلاح‌های انهدام جمعی (NPT) هستند. در این زمینه اصلاح‌طلبان درون حکومت مواضع دیگری دارند. پیژاد نبوی در این زمینه می‌گوید «ممکن است کار به مرحله‌ای برسد که به سود کشور، ملت و نظام نباشد و حتی برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای دچار مشکلات جدی شویم.

در باره نیروگاه‌های اتمی

ایران دارای دو نیروگاه تحقیقات اتمی کوچک در اصفهان و تهران می‌باشد. در بوشهر دو نیروگاه ۱۳۰۰ مگاواتی در دست ساخت است. این دو نیروگاه با آب معمولی سرد می‌شوند و از این رو نیروگاه‌های آبی نام گرفته‌اند. اشکال و یا به عبارت بهتر مزیت این نیروگاه‌ها آن است که برای برداشت پلوتونیوم از اجزای زباله‌های اتمی است و عنصری است که برای ساخت سلاح‌های اتمی به کار می‌رود. بازرسان سازمان جهانی انرژی اتمی به راحتی می‌توانند تعیین کنند که آیا یک نیروگاه هسته‌ای مخفیانه خاموش شده است یا نه.

یکی دیگر از راه‌های دستیابی به پب اتمی استفاده از اورانیوم است. اورانیوم خالص طبیعی برای استفاده در نیروگاه‌های اتمی مناسب نیست، زیرا فقط ۷٪ از آن نوع شکافت‌پذیر با جرم اتمی ۲۳۵ و بقیه دارای وزن اتمی ۲۳۸ می‌باشد. در روش سانتریفوژ نیز مانند سایر روش‌های جداسازی (غنی‌سازی) نخست اورانیوم با کمک فلورور به گاز هگزافلوراید اورانیوم (UF6) تبدیل می‌شود و با چرخشی معادل چندین هزار دور در دقیقه گاز حاوی اورانیوم سنگین‌تر به سمت دیواره‌های دستگاه رانده می‌شود به نحوی که تمرکز گاز دارای اورانیوم قابل استفاده ۲۳۵ در مرکز دستگاه افزایش می‌یابد. چنین دستگاهی می‌تواند علاوه بر سوخت هسته‌ای برای نیروگاه‌ها، اورانیوم ۲۳۵ لازم برای ساخت بمب اتمی را هم تولید کند.

آترکه حساب پاک است...

ادامه از صفحه اول
نظامیان در طول بیش از یک دهه، نهایت تلاش خود را برای به فراموشی سپردن فجایع زمان دیکتاتوری به کار بردند، سال گذشته در نتیجه یک بحران اقتصادی بی‌سابقه برخاستند و به دوره «مابعد دیکتاتوری» پایان دادند. از مشخصات دوره «مابعد دیکتاتوری» در آرژانتین، همکاری و همدستی رهبران غیرنظامی جدید و به ویژه کارلوس منعم رئیس جمهور سوریه الاصل با دیکتاتورهای پیشین و پیوسته بی حد و حصر بود. حاصل این دوره، فلاکت اقتصادی بی‌مانند در آرژانتین، دومین کشور بزرگ آمریکای لاتین بود که بالاخره کاسه صبر مردم را لبریز کرد و آنان را به خیابانها کشاند.

لغو قانون عفو دیکتاتورها و عواملشان، بخشی از یک روند گسترده‌تر جاری در آرژانتین است. سیاهکاری‌های دوران دیکتاتوری و پس از آن، اکنون یکی پس از دیگری در دستور رسیدگی قرار می‌گیرد.

یکی از این سیاهکاری‌ها، نافرجام گذاشتن تحقیق و رسیدگی به پرونده انفجار مرکز فرهنگی یهودیان در بوننوس آیرس در سال ۱۹۹۴ بود. گفته می‌شود شخص کارلوس منعم رئیس جمهور وقت، میلیونها دلار از سران جمهوری اسلامی ایران رشوه گرفت تا نگذارد به این پرونده رسیدگی دقیق بشود. ۹ سال پیش، آرژانتین که با ۲۲۰ هزار یهودی، پس از ایالات متحده، اسرائیل، فرانسه، کانادا، روسیه و بریتانیا بیشترین جمعیت یهودی جهان را دارد، شاهد بزرگترین حادثه کشتار یهودیان در جهان پس از جنگ جهانی دوم بود. بمبی قوی که چند روز قبل در یک اتومبیل در جوار ساختمان مرکز فرهنگی یهودیان بوننوس آیرس کار گذاشته شده بود، منفجر شد و ۸۵ قربانی گرفت. دوپست نفر نیز مجروح شدند. ساختمان مرکز فرهنگی یهودیان، به ویرانه‌های تبدیل شد که خارج کردن اجساد از آن تا چند روز بعد ادامه داشت.

تحقیقات مقامات قضایی آرژانتینی بر اساس مدارک به دست آمده از محل فاجعه، سر نخ را به کسانی رساند که اتومبیل حاوی بمب را تهیه کرده بودند، و پای جمعی از وابستگان به پلیس و محافظ تیهکار آرژانتین به میان کشیده شد. باز پرسها از این طریق به شماری از اعضای نمایندگی دیپلماتیک جمهوری اسلامی در بوننوس آیرس رسیدند. همان زمان، نام برخی چهره‌های وابسته به رژیم ایران، از جمله اکبر پوروش از رهبران متفلسل اسلامی در ارتباط با انفجار بوننوس آیرس در رسانه‌ها مطرح شد اما به تدریج این پرونده به فراموشی سپرده شد. بعدا خبری منتشر شد که حاکی از رشوه گرفتن منعم از رفسنجانی و به دنبال آن، گم شدن سرنخها بود.

اکنون که پرونده‌های آن سالها دوباره بازگشایی شده است، باز پرس به نام گالیانو پرونده‌ای در مورد دخالت وابستگان به حکومت ایران در انفجار مرکز یهودیان تشکیل داده است که می‌گویند حجم آن به ۴۰۰ صفحه می‌رسد. مقامات قضایی آرژانتین بر اساس این پرونده، از پلیس بین‌الملل و کشورهایی که آرژانتین با آنها قرارداد استرداد دارد، خواهان همکاری برای دستگیری شماری از عوامل جمهوری اسلامی شده‌اند. گزارشها حاکی است سرشناسترین این افراد، علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت و اکبر پوروش‌اند.

تقدیر چنان خواست که قرعه، این بار نیز مانند مورد پینوشه که یک باز پرس اسپانیایی در تعقیب او بود، به نام انگلیس بیافتد. هادی سلیمانپور سفیر وقت جمهوری اسلامی در آرژانتین که متهم است امکانات سفارتخانه تحت مسئولیت خود را در اختیار طراحان انفجار گذاشته است، چندی است که در هام انگلیس به تحصیل اشتغال دارد. او در هفته‌های اخیر سه بار برای پاسخ‌دادن به پرسشهایی از سوی مقامات انگلیسی احضار و عقابت به درخواست آرژانتینی‌ها بازداشت

اعلامیه‌های هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت پانزدهمین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی

۱۵ سال سکوت حکومتگران؛ اما این فاجعه هرگز فراموش نخواهد شد

۱۵ سال از ماههای شوم مرداد و شهریور ۱۳۶۷ می‌گذرد. در آن ماهها هزاران زندانی سیاسی در بند جمهوری اسلامی، هزاران تن از زمره عالیترین نمونه‌های فرهنگ، دانش و سیاست میهنمان به فرمان مستقیم خمینی قتل عام شدند.

سران جمهوری اسلامی، که با تداوم جنگ ۸ ساله با عراق بزرگترین فاجعه تاریخ معاصر ما را بر کشورمان تحمیل کرده بودند، در نخستین اوقات پس از خاتمه بی‌افتخار این جنگ و در هراس از عواقب سیاست ورشکسته جنگی‌شان، به کشتار تماما بی‌سابقه‌ای از زندانیان سیاسی آستین بالا زدند و آن فاجعه را با بزرگترین جنایت تاریخ معاصر ما همراه کردند. آنان طی چند هفته و با «محاکمات مجددی» که به طرح سه ستوال پیرامون باورهای سیاسی عقیدتی زندانیان محدود بود، هزاران تن از آنان را به مرگ محکوم کرده و در پایانه تابستان ۱۶۷ احکامشان را به اجرا گذاشتند.

شمار قطعی قربانیان این جنایت هنوز هم روشن نیست، اما رقمی نزدیک به ۵ هزار، شمار حداقل تاکنون ثبت شده است. قریب به اتفاق این جانباختگان در زمان آن «محاکمات» دوره محکومیت زندانشان را می‌گذراندند و یا گذرانده بودند.

فرمان این کشتار مستقیما توسط خمینی صادر شد و هم او بود که منتظری، یگانه کس در میان حکومتگران وقت را، که وجدان و شهامت پرشی و اعتراض نشان داده بود، درست به همین دلیل از چاشینی خود عزل کرد. خمینی دیگر نیست تا پاسخگوی این جنایت و دیگر جنایاتش باشد. اما حکومتگران آن روز، با تغییراتی، همان حکومتگران امروزند. بسیاری از اینان، از جمله خامنه‌ای و رفسنجانی، خود در آن جنایت دست داشته‌اند و از آن پس نیز جز به راه جنایت سازمانیافته علیه دگراندیشان و مخالفان نرفته‌اند. کارنامه اینان از ترور مخالفان در داخل و خارج از کشور، قتلهای زنجیرهای و دهها مورد دیگر مشحون است. روشن است که این کسان نه بخواهند و نه شهامت کنند سکوت گورستانی حکومتگران را، که خود بر فاجعه تابستان ۶۷ حاکم کرده‌اند. بشکنند. دیگران اما، اگرچه در کشتار همدستی نکرده باشند، با سکوتشان با جنایتکاران همدستی می‌کنند و شرایط را تنها برای تداوم جنایات اینان تسهیل می‌کنند. از انتخاب بین شکستن سکوت و اعتراف به کشتاری چنین بزرگ ابعاد در جمهوری اسلامی و به فرمان سران آن، یا تداوم سکوت و دم‌زدن از رافت نظام و تطهیر آن گریزی نیست. آن‌ها که انتخاب دوم را کرده‌اند شریک کشتارگراند و مسئول این مشارکت. خانواده‌های قربانیان فاجعه ۶۷ و دیگر قربانیان دستگاه ترور و کشتار جمهوری اسلامی در نامه‌ای به رئیس جمهور، در روزهای اخیر انتشار یافته است. خواستار «اعلام آسانی، زمان فوت و محل دفن» عزیزانشان شده‌اند. آنها تصریح کرده‌اند که «این نامه قبلا به مسئولان ذریبط ارائه شده ولی، از آن جا که پاسخی دریافت نشده، جهت پیگیری به اطلاع رئیس جمهوری رسانده می‌شود». در نامه همچنین خواسته شده است که «از دفن اموات دیگر بر خاک جانباختگان ما جلوگیری نمایند... و مانع نشانه گذاری و گلکاری در مزار و محل خاکسپاری عزیزان ما نشوند». این نامه، که در آن بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق انسانی مطالبه می‌شود، سند تک‌اندیشه‌ای از رفتاری است که مقامات جمهوری اسلامی حتی نسبت به سرورهای قربانیان ستم و سرکوب خود دارند: آنها در تقالی عظیمی برای نابودکردن هر نشانه و از یادبردن هر یادمان از آن زندیادان‌اند. اما این تقلاهی پیهوده است. تلاش خانواده‌های قربانیان، و تمامی نیروهای انساندوست و دادخواه در داخل و خارج کشور برای شکستن دیوار سکوت حکومت، گشودن پرونده این جنایات، و محاکمه آمران و عاملان آنها ادامه خواهد یافت و بیگسار به نمر هم خواهد نشست.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) عمیقترین دروهای خود را به یاد جانباختگان فاجعه ملی تابستان ۶۷ و عموم قربانیان دستگاه ترور و سرکوب جمهوری اسلامی تثار می‌کند. از خواسته‌ها و تلاشهای خانواده‌های آنان برای گرفتن دانشان از بیدادگران این حکومت و دادخواهی‌شان نزد سازمانهای بین‌المللی حقوق بشر با همه توان حمایت می‌کند و وظیفه انسانی و مبارزاتی خود و تمام نیروهای دمکرات می‌داند تا مبارزهای راسخ و هماهنگ تا تحقق دادگاه آمران و عاملان این جنایات از پای نمانند.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۵ شهریور ۱۳۸۲ - ۲۶ اوت ۲۰۰۳

یکسال از بازداشت دکتر زرافشان گذشت

برای آزادی او و دیگر زندانیان سیاسی به پا خیزیم!

یکسال از بازداشت دکتر زرافشان گذشت. دکتر زرافشان به اتهام «افشای اسرار دولتی» در ارتباط با پرونده قتل‌های زنجیرهای بازداشت شد، اما بخوبی روشن است که هراس بازداشت‌کنندگان او از علنی شدن حقایق پرونده قتل‌های زنجیرهای و خاصه از معرفی آمران باند جنایت‌پیشه‌ای در درون حکومت است، که دستپاچشان تا مرفق با خون بسیاری از فرزندان شریف میهن ما رنگین است. دکتر زرافشان، وکیل شجاع و پایداری که وکالت خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیرهای را به عهده گرفت، در کشف حقایق این پرونده و آمران و عاملان اصلی قتل‌ها، در راس دستگاه ولایی و قضایی، گام‌های بلندی برداشته بود.

علیرغم آن جنایات سنگین و علیرغم تعهد آقای خاتمی به مردم برای ریشه کن‌کردن این «عده سرطانی» - سوای مسئولیتی که به عنوان رئیس‌جمهور به عهده داشته و دارد - باند مذکور نه تنها ریشه کن نشده، بلکه همچنان فعال مانده و در همین فتنه‌های اخیر به کشتار سیهانه خانم زهراکاظمی نیز دست یازیده است. تداوم حیات این باند تنها با حمایت حکومتگرانی از یکسو و بی‌عملی به تعهد و مسئولیت از سوی دیگر میسر بوده است، اما اکنون، به قیمت خون‌های بسیار، موقعیت مساعدی در جامعه و در سطح بین‌المللی برای خاتمه‌دادن به این جنایات‌افشای عاملان و آمران اصلی آن فراهم آمده است. این موقعیت رانابیداز دست‌نیاد. هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به دکتر زرافشان درود می‌فرستد و خواهان آزادی فوری او و تمامی زندانیان سیاسی است. ما نیروهای آزادی‌خواه کشورمان را به تشدید مبارزات و همکاری‌ها برای آزادی زندانیان سیاسی و بازگشایی دادوران پرونده قتل‌های زنجیرهای فرا می‌خوانیم.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۱۶ مرداد ۱۳۸۲ - ۱۷ اوت ۲۰۰۳

در باره اعتراضات مردم سمیرم

خشونت، پاسخ حکومت به هر اعتراض

اکنون یک هفته است که شهر سمیرم دستخوش فضای خون و خشونت‌باری است که توسط مقامات و نیروهای ضدشورش جمهوری اسلامی بر این شهر و مردم آن تحمیل شده است. حرکت مردم و خاصه جوانان سمیرم، که روز جمعه گذشته در اعتراض به تقسیمات جدید استانی اصفهان آغاز شد، علیرغم اقدام خونبار نیروهای ویژه ضدشورش و گارد حفاظت رعبری علیه آن، هنوز ادامه دارد. برآمد این نیروها علیه مردم و مقابله مردم با آنان تاکنون قریب ده کشته و صدها زخمی از مردم و نیروهای انتظامی بجای گذاشته است. بسیاری از معترضین بازداشت شده و هنوز در بازداشت‌اند. مقامات جمهوری اسلامی در اصفهان، اگرچه از اجرای طرح تقسیم استانی مورد نظرشان اعلام انصراف کرده‌اند، اما هنوز از تحویل اجساد همه قربانیان درگیری‌ها به بازماندگان آنها و آزادکردن بازداشت‌شدگان طفره می‌روند و بر آتش درد و خشم مردم دامن می‌زنند.

برخورد خونبار جمهوری اسلامی به اعتراض مردم سمیرم نه یک استثنا، بلکه قاعده‌ای بی‌استثناست. خشونت، پاسخ جمهوری اسلامی به هر اعتراض است. اما این خشونت دیگر مردم به تنگ آمده هر گوشه و کنار کشور ما را خاموش نخواهد کرد بلکه اعتراض بیشتر می‌زاید و تنها می‌تواند کشور را به چنبره بی‌انتهایی از خشونت سوق دهد.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سرکوب مردم سمیرم را قویا محکوم و از مطالبات برحق آنان حمایت کرده و با بازماندگان قربانیان حوادث هفته جاری در این شهر ابراز همدردی می‌کند. ما خواهان آزادی فوری بازداشت‌شدگان هستیم.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۳۰ مرداد ۱۳۸۲ - ۲۱ اوت ۲۰۰۳
ادامه در صفحه ۳

از ۲۸ مرداد تا ۱۱ سپتامبر



«دور از ذهن نیست اگر از عملیات آواکس و رژیم سرتیگر شاه تا انقلاب اسلامی و آتشی که مرکز تجارت جهانی در نیویورک را بلعید، خطی ترسیم کنیم».

این جمله از استیون کینزر، نویسنده کتاب «همه مردان شاه» است که انتشار آن در آمریکا این روزها بازتاب گسترده‌ای دارد. کینزر، نظر خود در باره ارتباط میان کودتای ۲۸ مرداد و دخالت اژانس اطلاعاتی مرکزی ایالات متحده (سیا) در آن و ۱۱ سپتامبر را چنین توضیح می‌دهد که اگر کودتای ۲۸ مرداد نبود، احتمال قوام گرفتن دیکراسی در ایران بسیار بود و معلوم نیست با ۵۰ سال دیکراسی در ایران، اصلا کسار به گسترش این چنینی بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه می‌کشید یا نه. سوتیر کتاب کینزر، این است: «یک کودتای آمریکایی و ریشه‌های تروریسم در خاورمیانه».

کینزر مدعی است کسانی که در سال ۱۳۵۸، کارکنان سفارت آمریکا در تهران را به گروگان گرفتند، از جمله نگران آن بودند که آمریکا مانند سال ۱۳۳۲، شاه را به قدرت بازگرداند. تگز کینزر در آمریکا مخالفتی را برانگیخته است. برخی از استدلالهای مستندان از این قرات است:

اولا تبدیل حکومت شاه به یک استبداد فاجعه‌بار، حتی پس از کوتای ۲۸ مرداد، اجتناب‌پذیر بود.

ثانیا اگر چه بنیادگرایان شیعه ایرانی الهام‌بخش بسیاری از افراطیون سنی عرب شدند، اما منشا پیدایش اسامه بن لادن و طالبان، انقلاب ایران نبود. جمهوری اسلامی و طالبان، نه متحد، که رقیب هم بودند و نزدیک بود در سال ۱۳۷۷ کار میان آنها به جنگ بکشد (پس از قتل نمایندگان ایران در هرات به دست طالبان).

ثالثا اسدداختن کل گناه شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران به گردن دولت آیزنهاور که مصدق را سرنگون کرد، این نکته را ناگفته می‌گذارد که همه روسای جمهور آمریکا در دوران جنگ سرد، به طور یکجانبه از شاه به مثابه تضمین‌کننده ثبات در خلیج فارس حمایت می‌کردند و این استثنای کندی، برای انجام اصلاحات فشار چندانی به شاه نمی‌آوردند.

و ما می‌افزاییم اشغال سفارت آمریکا در تهران، قبل از هر چیز ترفندی بود که «خط امام» به اجرا گذاشت تا نیروهای مملی مذهبی را از حاکمیت بیرون کند و قدرت را به انحصار خود درآورد. ممکن است تصور کنیم برخی عوامل اجرای این طرح، انگیزه جلوگیری از بازگشت شاه را داشته‌اند، اما در پاییز ۵۸ کمتر ناظر جدی بود که احتمال بازگشت شاه از بستر مرگ به قدرت در ایران را جدی انگازد (مرگ شاه که سالها بود از سلطان غند نلفاوی رنج می‌برد، در مرداد ۵۹ یعنی حدود ۹ ماه پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران روی داد). از تگز کینزر (گزارشگر نیویورک تایمز) در مورد ارتباط ۲۸ مرداد با تروریسم که بگذریم، کتاب او گزارشی در باره خود «عملیات آواکس» است.

کینزر می‌نویسد آمریکا در زمان ریاست جمهوری ترومن، نظر مساعدی نسبت به مصدق

داشت. دولت ترومن از شرکت نفت ایران و انگلیس خواسته بود سهم بیشتری از درآمد نفت به ایران بدهد (درآمد شرکت از محل فروش نفت ایران تنها در سال ۱۹۵۰، بیش از کل مبلغی بود که ایران از آغاز استخراج نفت در سال ۱۹۰۱ تا آن هنگام دریافت کرده بود). اما دولت ترومن از رئیس انگلیسی این شرکت (که ۵۱ درصد سهام آن به دولت بریتانیا تعلق داشت) پاسخ شنیده بود که «اگر یک پتی دیگر بدیم شرکت از خم می‌پاشد». این قبل از آن بود که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، دولت مصدق و مجلس شورای ملی، نفت ایران را ملی اعلام کنند. اقدام مصدق، بریتانیا را خشمگین کرد و بر آن داشت که پالایشگاه آبادان، بزرگترین پالایشگاه جهان در آن زمان و بزرگترین پروژه خارجی بریتانیا را تعطیل و طرح اشغال جنوب ایران را بررسی کند. اما دین اسپن وزیر خارجه ترومن به لندن هشدار داد سیاست «فایت‌های تودار» در قبال ایران، به غرب در مبارزه‌اش علیه مسکو آسیب می‌رساند. سیاست ترومن در قبال بحران ایران و انگلیس، دوگانه بود. از یک سو آمریکایی‌ها مایل بودند دولت ایران از نفت خود سهم بیشتری ببرد و با هزینه کردن این درآمد در داخل کشور، به ثباتی که بتواند مانعی در برابر نفوذ کمونیسم ایجاد کند، دست یابد. از سوی دیگر، اگر نهضت ملی‌شدن نفت در ایران به سرمستی در خاورمیانه تبدیل می‌شد، منافع همه شرکت‌های نفتی غربی در این منطقه مهم به خطر می‌افتاد. از این رو، دولت ترومن، تحریم نفت ایران را که به ابتکار انگلیس آغاز شد، پذیرفت. با این حال دولت ترومن مخالف انجام کودتا برای برکناری مصدق بود.

به دنبال انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ۱۹۵۲ (پاییز ۱۳۳۱) ترومن و اسپن از حزب دمکرات، جای خود را به آیزنهاور و جان فاستر دالسی از حزب جمهوریخواه دادند. رهبران جدید آمریکا، ملی‌گرایان جهان سومی را «گرگهای کمونیست در لباس میش‌های بی‌طرف» می‌دانستند، در حالی که تا آنکلی پیش از آن، نیویورک‌تایمز مصدق را به جفرسن از رهبران انقلاب آمریکا تشبیه کرده و مجله تایم، مصدق را به عنوان «مرد سال» ۱۹۵۱ برگزیده بود (در همان زمانی که روزنامه‌های انگلیسی به مصدق القاب «مرد رومیسیر یا هیولای فرانکشتاین می‌دادند).

جان فاستر دالسی، وزیر خارجه کابینه آیزنهاور، از برادرش آلن دالسی که به عنوان رئیس سیا سرگرم سازماندهی این نهاد جدیدالتاسیس بود، خواست تا انجام آنچه را کینزر «بخش کثیف کار» نامیده است، بر عهده گیرد. مسئولیت هدایت طرح در تهران بر عهده کریمیت روزولت قرار گرفت که نوه تئودور روزولت رئیس جمهور آمریکا در آغاز قرن بیستم بود و به نوشته کینزر، ماجراجویی را از پدر بزرگش به ارث برده بود. تنها یک ماه پس از روی کار آمدن جمهورخواهان در آمریکا، در بهمن ۱۳۳۱، طراحی مشترک سرویسهای جاسوسی آمریکا و انگلیس برای انجام کودتا در ایران آغاز شد. در روز چهارم تیر ۱۳۳۲، کریمیت روزولت در دفتر کار جان فاستر دالسی طرح خود برای تغییر حکومت در ایران را ارائه داد. قرار شد سیا به فعالیتهای مخالفان دولت مصدق در ایران کمک کند. سرلشکر فضل‌الله زاهدی به عنوان نخست‌وزیر جدید برگزیده شد. مهمتر از همه این بود که محمدرضا پهلوی متقاعد شود که فرمان برکناری مصدق و گسارندن زاهدی به نخست‌وزیری را صادر نماید. طراحان کودتا بیش از همه، نگران این بخش از طرح خود بودند، چرا که شاه ۳۳ ساله تا آن زمان، به عنوان فردی که از تصمیم‌گیری‌های سخت می‌گریزد شناخته شده بود.

روز ۲۸ تیر ۱۳۳۲، کریمیت روزولت با نام مستعار وارد تهران شد. وی بارها مخفیانه به کاخ شاه رفت تا در دیدارهایی محرمانه و بدون حضور شخصی دیگر، حمایت شاه از طرح خود را به دست آورد. شاه بالاخره به این شرط موافقت کرد که آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا و جرجیولت نخست‌وزیر انگلیس، از او پشتیبانی کامل به عمل آورند، و در ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ فرامین مورد نظر روزولت را امضا نمود. کینزر می‌نویسد در شب ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، گروهی از ماموران سیا در خانه امنی در تهران، نگران بودند که طرحشان برای براندازی مصدق موفق خواهد شد یا نه. کودتای نخست، توسط نیروهای وفادار به مصدق خشی و شاه مجبور به فرار به عراق شد. زاهدی نیز به یک مخفیگاه سیا در تهران پناه آورد. در این شرایط بود که کریمیت روزولت دستور داد فرامین شاه انتشار علقی یابند. این اقدام، نخست نتیجه مورد نظر روزولت را به بار نیاورد، بلکه بر عکس به بسیج مردم علیه شاه و پایین کشیدن مجسمه‌های او انجامید.

حامیان القاعده

در جمهوری اسلامی

چه کسانی هستند

واشنگتن پست: ایران در استرداد اعضای القاعده تعلل می‌کند

در سایت بازتاب وابسته به محافل محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران و دبیر فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام مقاله‌ای تحت عنوان «دست‌های پنهان القاعده در ایران»، به حمایت‌هایی که از این گروه در ایران می‌شود، اشاره می‌کند. بازتاب ادعا می‌کند که این حمایت بر خلاف نظر رهبری و دستگاه‌های وابسته به آن و سپاه پاسداران است ولی شواهدی که از حمایت‌ها می‌آورد نشان می‌دهد که این حامیان فقط می‌توانند در بالاترین رده‌ها باشند.

بازتاب در مقاله خود نوشته است: برخی آگاهان سیاسی بر این باورند که بحران «القاعده» در ساداهای آینده به مساله اول روابط خارجی جمهوری اسلامی تبدیل خواهد شد. این گروه‌ها برای تقویت پیش‌بینی خود، علاوه بر استناد به جریان سازماندهی شده و گسترده تبلیغاتی در آمریکا و اروپا در پاره القاعده و ارتباطات احتمالی آن با ایران، به شواهد و قراینی از وجود برخی حمایت‌های مرموز در ایران از القاعده اشاره دارند. آنان بر این نکته تاکید می‌کنند که القاعده در ایران، همه این علایم و شواهد به عنوان مستندات احتمالی علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته خواهد شد.

علاوه بر موارد امنیتی و اطلاعاتی موجود در پرونده القاعده، رویکرد رساندهای موجود در ایران، نیز این ذهنیت را تقویت می‌کند. در حالی که شعارگفته بن لادن و دیگر سران القاعده و عملیات‌های تروریستی آن، حجم گسترده‌ای از خروجی رسانه ملی و برخی مطبوعات ایران را با رویکرد مثبت از آن خود می‌کرد، انقلاب در نفی القاعده و تاکید بر جداسازی جمهوری اسلامی از تفکر وهابی و مرجع این گروه از سوی این رسانه‌ها مورد توجه

قرار نگرفت. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان خود در ۱۴ خرداد ماه سال جاری با تاکید بر عدم حمایت از این گروه گفت: «با ایجاد تعصبات تند و شدید ضدایرانی و ضدنظام اسلامی، عده‌ای را به کارهای تروریستی وادار کردند، اما امروز خودشان اسیر آن شده‌اند. ایران طرفدار تروریست‌ها نیست و به هیچ تروریستی هم پناه نمی‌دهد و نداده است». اما این اظهارات کاملا صریح و شفاف از سوی دو گروه جامه عمل نپوشید؛ گروه نخست که تصادفا شعار تابعیت مطلق از رهبری را سر می‌دادند، اما پس ضدامریکایی القاعده را برای منافع سیاسی خود، مهم‌تر از الزام به سیاست‌های رهبر انقلاب می‌دانستند و گروه دوم، جریان مرموزی در دستگاه‌های مسئول است که در پی تکرار ماجراجویی‌های دهه گذشته بوده‌اند. واقعیت آن است که از سال‌های آغازین دهه هفتاد، جریان مرموزی در دستگاه‌های ایران پدید آمده که مهم‌ترین نقش آن، تخریب تلاش‌های جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل است. در سال‌های آغازین دهه هفتاد، زمانی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر «تبعیض روابط با اتحادیه اروپا شکل گرفته بود و رهبر انقلاب و ریاست جمهوری وقت بر این استراتژی تاکید داشتند، انجام برخی اقدامات شامل برانگیز، اندوخته‌های دیپلماتیک ایران را به چالش می‌کشید.

اکنون نیز همین روند در حالی که به نظر می‌رسد، مبارزه با القاعده نقشی تعیین‌کننده در روابط جمهوری اسلامی با غرب به ویژه آمریکا پیدا کرده، در حال تکرار است. بنا به گزارش منابع موثق، عملیات تحویل عناصر کلیدی القاعده تاکنون سه بار بنا بر توافقات از پیش انجام شده و در طرفه صورت گرفته، اما در حین استرداد، به صورت مرموز فسخ شده است.

کریمیت روزولت به این نتیجه رسید که خود باید دست به کار شود. در ۲۸ مرداد، ماموران سیا به کمک اوباشی مانند «شعبان بی‌مخ» توانستند تظاهراتی در تهران سازمان دهند. نظامیان طرفدار زاهدی به این تظاهرات پیوستند و رادیو را اشغال کردند. زاهدی سوار بر تانک به سوی خانه مصدق به راه افتاد. اوباش، خانه مصدق را غارت کردند. طرحی که سه روز قبل ناکام مانده بود، به انجام رسید. پس از آنکه کریمیت روزولت مأموریت خود را با موفقیت به انجام رساند و شاه به تهران باز گشت، محمدرضا پهلوی طی ملاقاتی با کریمیت روزولت به او گفت: «من تاج و تخت خود را مدیون خدا، ملت، ارتشم و شما هستم». عملیات آواکس، نخستین مورد از کارهای این چنینی سیا بود که بعدا در گواتمالا، کوبا

اعلامیه هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر)

در باره رده سه لایحه مصوب مجلس توسط شورای نگهبان

در روزهای گذشته شورای نگهبان قانون اساسی سه لایحه مصوب مجلس شورای اسلامی، لایحه اصلاح قانون انتخابات، لایحه الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان و لایحه الحاق به کنوانسیون منع شکنجه را مغایر شرع و قانون اساسی تشخیص داد و آنها را رد کرد. لایحه اصلاح قانون انتخابات برای دومین بار است که توسط این شورای نگهبان، این دیگر مجمع تشخیص مصلحت نظام است که باید در پاره آن تصمیم بگیرد.

اقدام شورای نگهبان عمق ضدمدمکراتیک و ضدبشری آن را آشکار می‌کند. این اقدام حکایت روشنی از خواست شورای نگهبان برای تداوم بی‌حقوقی و تبعیض علیه زنان، برای دست گشوده بازجویان و ماموران زندان‌های جمهوری اسلامی در شکنجه زندانیان و بازداشت‌شدگان در کنار انواع «قساوت‌های شرعی»، و نیز برای یکد تازی مطلق جریان ولایت فقیهی هم‌مسلك این شورا در میدان انتخابات است.

اما این حکایت روشن ایدا حکایت تازه‌ای نیست. اهمیت اقدام شورای نگهبان اساسا در آشکارکردن مواضع آن نسبت به رفع تبعیض از زنان، منع شکنجه و امکان رقابت درون حکومتی در انتخابات نیست. مواضع شورای نگهبان در این موارد به همین روشنی بوده است. این اقدام بلحاظ وضع سیاسی لحظه، چه در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی و چه در مناسبات درون حکومت، دارای اهمیت بر مراتب بیشتری است.

در شرایطی که مناسبات جمهوری اسلامی با دول اروپایی و حتی روسیه به سردی می‌گراید، اقدامی تا به این پایه ضدمدمکراتیک و موهن نسبت به حقوق بشر، در کنار پرهیز مجدد جمهوری اسلامی از پیوستن به پروتکل الحاقی پیمان منع تولید سلاح‌های هسته‌ای، پیام صریحی دایر بر آمادگی برای تنش‌الودکردن کل مناسبات خارجی و ورود به میدان برای بازی‌های خطرناک است. میدانی که تواسا اصلاح‌طلبان حکومتی نیز از آن رانده خواهند شد.

مردم و نیروهای آزادی‌خواه ایران تعرضات شورای نگهبان و هم‌مسلكان آن علیه حقوق زنان و حقوق بشری بطور کلی و بازی با سرنوشت کشور را نخواهند پذیرفت و با تشدید مبارزه برای آزادی و حقوق انسانی این تعرضات را دردم خواهند شکست.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) ۲۳ مرداد ۱۳۸۲ - ۱۱۴ اوت ۲۰۰۳

فرار کادر اصلی القاعده در مسیر زندان تا فرودگاه، ناپدیدشدن فرد استردادی در هواپیما در حین پرواز و حضور نداشتن طرف ایرانی بر سر قرار به لحاظ امنیتی توجیحات قانع‌کننده‌ای به شمار نمی‌روند. زمانی که به این ابهامات، تمرکز پرونده القاعده در یکی از نهادها و عدم دسترسی سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به وضعیت این پرونده پس از مرحله شناسایی و دستگیری افزوده می‌شود، این نگرانی تشدید می‌شود که آیا مشکلات دهه گذشته اطلاعات که در جریاناتی چون قتل‌های زنجیره‌ای نمود پیدا کرد، بار دیگر خود را به پرونده القاعده نشان نخواهد داد؟

اظهارات ۴ مقام دولتی در باره این پرونده که شامل وزرای خارجه و اطلاعات و سخنگوی دولت و وزارت خارجه می‌باشد، که سخنانی متفاوت و بعضا متناقض در این موضوع بیان کرده‌اند، بر ابهام ناشی از موضوع القاعده می‌افزاید. حدود دو سال است که به چند سوال مهم در رابطه با القاعده و ایران پاسخ شفافی داده نشده است. سوال‌هایی مانند آیا اعضای القاعده در ایران هستند؟ اگر هستند تحت حمایت و امنیت دولت هستند یا اشرار قبیله‌ای و غیره‌ای؟ سطح و تعداد اعضای القاعده در ایران چگونه است؟ موضع جمهوری اسلامی در قبال القاعده چیست؟ آیا اقدامات ضد آمریکایی القاعده، موجب خرسندی مسئولان جمهوری اسلامی است یا خیر؟ موضع القاعده و سران آن در باره سیاست آمریکائیزی ایران چیست و آیا این همسویی صوری می‌تواند، به همکاری‌هایی منجر شود؟

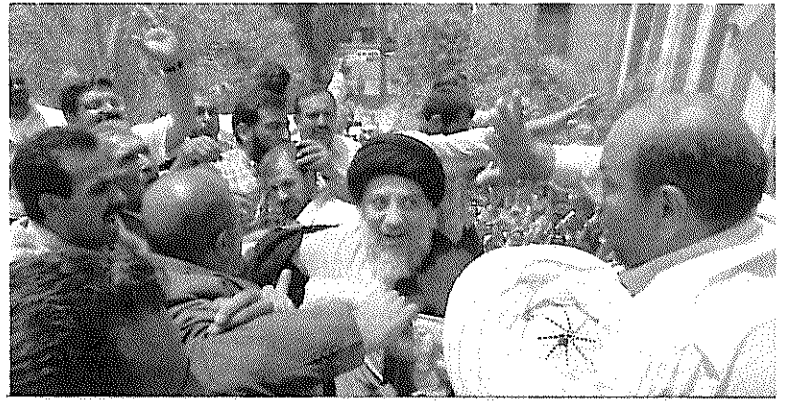
ارایه‌نشدن پاسخ‌های روشن و شفاف به این پرسش‌ها، موجب شده که فضای تبلیغاتی آمریکا با محوریت القاعده به سمت ایران چرخیده و به نظر برخی از تحلیلگران در ماه‌های آینده به صورت همجمله‌های تبلیغاتی و دیسپلماتیک ظاهراً شود. موضوع‌گیری اخیر دونالد رامسفلد، وزیر جنگ آمریکا سدی بر این ادعاست. او در جمع خبرنگاران با گله و شکایت از تهران برای اینکه اعضای القاعده را به آمریکا یا طرف سومی تحویل نمی‌دهد گفت: «زمان انتظار به پایان رسیده و ایران همچنان بر تصمیم خود مصمم است و در باره تحویل عناصر القاعده به واشنگتن، هیچ تصمیمی ندارد».

صورت همجمله‌های تبلیغاتی و دیسپلماتیک ظاهراً شود. موضوع‌گیری اخیر دونالد رامسفلد، وزیر جنگ آمریکا سدی بر این ادعاست. او در جمع خبرنگاران با گله و شکایت از تهران برای اینکه اعضای القاعده را به آمریکا یا طرف سومی تحویل نمی‌دهد گفت: «زمان انتظار به پایان رسیده و ایران همچنان بر تصمیم خود مصمم است و در باره تحویل عناصر القاعده به واشنگتن، هیچ تصمیمی ندارد».

وی در این مصاحبه حتی نامه چهار عضو القاعده را به زبان آورد، یعنی سیف‌العدل، سعد بن لادن، یعنی الظواهری و سلیمان ابوغیث؛ کسانی که به گفته رامسفلد، دستگیری آنان برای آمریکا بسیار ارزشمند است.

هرچند کمال خرازی چند بار در تالار آینه وزارت امور خارجه از تحویل حدود ۴۰۰ عضو القاعده به کشورهای متوعشان (عربستان و مصر) خبر داد و حتی رییس جمهور خاتمی در مقابل ساختمان سفید ریاست جمهوری به طور ضمنی، حضور برخی آنان را در ایران تایید کرد، ولی وعده‌های فراوانی، نه تنها برای آمریکایی‌ها بلکه برای بسیاری از ناظران تحولات سیاسی - عقیدتی ایران و جهان اسلام باقی مانده که تاکید خاتمی بر اینکه دشمنی القاعده با ما کمتر از دشمنی آمریکا نیست، تنها گوشه‌ای از آن رفع کرد. عاملی که این دغدغه‌ها و نگرانی را به شدت افزایش می‌دهد، رفتارهای مبتنی بر جعل برخی از مسئولان، مطبوعات و فعالان سیاسی است که در قبال جریان انحرافی، ضداسلامی و دردمساز القاعده، یا سکوت اختیار کرده‌اند یا از آن نگران‌کننده‌تر، تلویحا موضوع حساسیتی در پیش گرفته‌اند. توجه افراطی برخی روزنامه‌های به اصطلاح اصول‌گرا به اخبار مربوط به القاعده و آب و تاب دادن به آن، گواهی بر این ادعاست.

پیرامون انفجار هولناک در شهر نجف



انفجار هولناک مراسم پس از نماز جمعه ۷ شهریور ۱۳۸۲ در شهر نجف عراق علاوه بر آیت‌الله حکیم رئیس مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق، تاکنون بنا بر برخی آمار ۱۳۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر مجروح به جای گذاشته است. ترویر چه در ابعاد کوچک آن و چه در ابعاد بزرگ آن، با هر انگیزه و هدفی که باشد، عملی است ضد بشری، ضد انسانی. از این رو فاجعه نامبرده نیز مثل سایر جنایات از این دست، با محکومیت وسیع جهانی روبرو شده است. جز این نیز انتظار نمی‌رفت.

گرچه هنوز هیچ جریانی مسئولیت این عمل را به عهده گرفته است، اما گمانه‌زنی‌ها در مورد عاملین انفجار همچنان ادامه دارد.

خامی رئیس جمهور ایران در این ارتباط پشتت آمریکا را مورد انتقاد قرار داده و لذا

آمریکا خواست که متوجه مسئولیت خویش در ایجاد امنیت در عراق باشد. سید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی طی پیام مسوسطی انگشت اتهام به سوی آمریکا و صهیونیسم نشانه گرفت. در قسمتی از این پیام چنین آمده است: «دشمنان عراق مستقل و مسلمان بدانند که با این شهادت مظلومانه، عزم و مقاومت ملت عراق در برابر نقشه‌ها و هدف‌های استکبار و صهیونیسم و وفاداری انسان به خط اسلام و رهبری دین ضعیف نمی‌گردد و برعکس خواسته آنان پایدار خواهد گشت».

علی خامنه‌ای در پایان ضمن تسلیت و تبریک به خانواده حکیم و ملت عراق و ایران، در ایران سه روز عزای عمومی اعلام کرد. سید محسن حکیم (برادرزاده حکیم) تلویحا بعضی‌ها را عامل انفجار معرفی نمود.

مقتدی صدر که دعوی رهبری شیعیان عراق را دارد و در عین حال در ترور عبدالمجید خونی نیز گویا دست داشته است، در مظان اتهام قرار دارد. وی به شدت دست داشتن در این انفجار را تکذیب کرده و مانند سید علی خامنه‌ای در عراق سه روز عزای عمومی اعلام کرده است.

روزنامه جمهوری اسلامی نیز در سرمقاله خود به تبعیت ولی فقیه، اما صریح تر از وی، کاخ سفید را متهم کرده نوشت: «در پشت پرده جنایت دیروز نجف و جنایات مشابه آن دست جنایتکاران حاکم بر کاخ سفید به شدت فعال است».

در عین حال سایت اینترنتی بازتاب که زیر نفوذ محسن رضائی و در خط ولی فقیه است، خبر از بازداشت ۴ نفر از اعضای «القاعده» توسط مقامات امنیتی عراق داده است که گویا به دست داشتن خویش در این انفجار اعتراف کرده‌اند. بخش آخر این ادعا توسط منابع دیگری تایید نشده است.

برخی مقامات آمریکایی انفجار نجف را ناشی از اختلاف درونی شیعیان عراق اعلام کرده‌اند.

گرچه هنوز اطلاعات لازم در جهت رد یا تایید هر کدام از گمانه‌زنی‌های فوق وجود ندارد و به لحاظ کمبود اطلاعات سمت‌گیری مشخص را دشوار می‌کند، ما با استفاده از اطلاعات و تجربیات تکنونی می‌توان روی گمانه‌زنی‌های فوق مکت کرد. این ادعای جمهوری اسلامی و برخی تحلیل‌گران سیاسی که گویا آمریکا این انفجار را انجام داده است تا با آشفته نشان دادن اوضاع عراق، تداوم حضور نظامی خویش را توجیه کند، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا گرچه حکیم با حضور نظامی آمریکا در عراق مخالف بود، اما چه پیش از جنگ و چه بعد از جنگ ارتباط تنگاتنگی با نیروهای آمریکایی داشت و مجلس اعلی انقلاب اسلامی در شورای حاکم بر عراق که مورد حمایت آمریکا نیز سهم جدی دارد.

علاوه بر این ایجاد ثبات و آرامش در عراق نه تنها هدف سیاسی، نظامی استراتژیک، بلکه یک موضوع حیثیتی نیز هست. از این رو انفجار، در درجه اول به اتوریتت آمریکا در عراق ضربه وارد می‌کند. بنابراین از هر طرف قضیه که نگاه کنیم، چنین حادثه‌ای هرگز به نفع آمریکا نیست. اگر از این احتمال بالا صرف نظر

آیا عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور آشکار خواهد شد

ادامه از صفحه اول

انگلیس و براساس درخواست قاضی آرژانتینی ارنتسو آلوارز، کاردار آرژانتین به وزارت امور خارجه احضار و مراتب اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران به وی ابلاغ شد. در این دیدار مهدی محتشمی، مدیرکل آمریکای وزارت امور خارجه ضمن اعلام مراتب اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران به این اقدام مقامات قضایی آرژانتین اظهار داشت: کلیه تبعات حقوقی و سیاسی احکام صادره بر روابط دوجانبه، بر عهده دولت آرژانتین خواهد بود.

محتشمی با اشاره به بی‌توجهی دولت آرژانتین به اعلام آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای همکاری قضایی در این زمینه و عدم حسن نیت و همکاری دولت آرژانتین، تصمیم جمهوری اسلامی ایران مبنی بر توقف همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی‌اش با آرژانتین را به کاردار این کشور ابلاغ نمود. در همین راستا کاردار انگلیس در غیاب سفیر این کشور نیز از سوی مدیرکل غرب اروپا وزارت امور خارجه احضار و مراتب اعتراض کشورمان به نامبرده ابلاغ شد.

لندن: دستگیری سفیر سابق ایران هیچ ارتباطی با انگیزه‌های سیاسی ندارد

دولت انگلیس بعد از درخواست تهران به عذرخواهی انگلیس در قبال دستگیری سفیر سابق ایران اعلام کرد که هیچ انگیزه سیاسی پشت این اقدام وجود ندارد، بلکه در چارچوب اقدامات قضایی بوده است.

دولت آرژانتین موضع تهران را «غیر قابل درک» توصیف کرد

در بیانیه‌ای که دولت آرژانتین انتشار داد از اظهارات سیاسی ایران که به دور از طبیعت قضایی پرونده انفجار بمب است، ابراز تأسف کرده است. دولت بوئنوس آیرس در ارتباط با این مساله موضع تهران مبنی بر متوقف کردن روابط اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور را نیز «غیر قابل درک» توصیف کرد.

اسامی ۱۱ ایرانی که اینترپل موقوف به دستگیری آنها است

سایت امروز می‌نویسد: به گزارش یک سایت اینترنتی پلیس بین‌المللی علی باغان یک دیپلمات جمهوری اسلامی را در بروکسل دستگیر کرد. ساعاتی پس از دستگیری باغان، دادسرای بروکسل تصمیم به آزادی وی گرفت و اعلام کرد که او دارای مصونیت دیپلماتیک است. با این حال باغان به سرعت بلژیک را به قصد ایران ترک کرد.

وی جزو ۱۲ نفری است که متهم به انفجار مرکز امیا هستند. به جز هادی سلیمان‌پور که اکنون در انگلستان در زندان به سر می‌برد و سعید باغان که دیروز دستگیر و سپس آزاد شد. دستگیر کنند که عبارتند از: علی فلاحیان، محسن ربانی، علی‌اکبر پرورش، احمدرضا اصغرعی، حسین‌علی تبریزی، مسعود امیری، یوسف عربی، احمد علم‌الهدی، محمود مسزوی‌زاده برات، علی بالاش آبادی، عماد مفتی.

داشتن در آن متهم شد که این اتهام را قاطعانه تکذیب کرد. در ففدهم مارس ۱۹۹۲ نیز در نتیجه بمب‌گذاری در سفارت اسرائیل در این کشور ۲۹ نفر کشته شدند که عوامل آن هیچگاه مشخص نشدند. آرژانتین با سبب هزار یهودی دارای بزرگترین جامعه یهودیان در آمریکای لاتین است.

ایرنا: دستگیری سلیمان‌پور به درخواست اینترپول صورت گرفت

لندن، ایرنا گزارش می‌دهد که بر اساس نقل قول از یک منبع آگاه دستگیری سفیر سابق ایران در آرژانتین به درخواست پلیس بین‌المللی (اینترپول) صورت گرفته است. وی افزود: البته بر اساس رویه موجود، احتمالاً دادگاه به طرف آرژانتینی ۶ روز مهلت خواهد داد تا مدارک خود را که اثبات‌کننده ادعای دست‌داشتن سلیمان‌پور در انفجار مرکز یهودی در آن کشور باشد، تحویل دادگاه انگلیس نماید. این منبع گفت: در واقع دادگاه بر اساس مدارکی که دریافت می‌کند، تصمیم خود را اعلام خواهد کرد. وی با اظهار این‌که با پایان یافتن دادگاه امروز، دو گزینه برای سلیمان‌پور متصور است، یکی آزاد شدن وی به قید ضمانت و گزینه دیگر نگهداری وی به بازداشت پلیس تا صدور رای نهایی پس از دریافت مدارک از سوی دولت آرژانتین خواهد بود.

ایرنا می‌افزاید که وکیل هادی سلیمان‌پور یک تبعه ایران در انگلیس، روز جمعه فاش ساخت که پلیس این کشور تاکنون سه بار از این دیپلمات سابق ایرانی بازجویی کرده است.

«میشل مسیح» در نشست نیم‌ساعته دادگاه سلیمان‌پور که عصر امروز به وقت محلی در لندن برگزار شد، زمان بازجویی‌های صورت گرفته از موکل خود را از فوری سه سال جاری میلادی تا پیش از دستگیری وی ذکر کرد. وی زمان دقیق این بازجویی‌ها را اعلام نکرد ولی گفت که در هر سه بار پلیس انگلیس در ارتباط با انفجار آرژانتین از سلیمان‌پور بازجویی کرده است. به گفته مسیح، بازجویی‌ها از سلیمان‌پور در منزل وی صورت می‌گرفت و هر بار نیز به مدت یک تا یک و نیم ساعت به طول می‌انجامید.

«کیث ریچاردسون» بازرس واحد استرداد در پلیس مرکزی انگلیس نیز که در نشست دادگاه حضور داشت، بازجویی از سلیمان‌پور در سه مرحله تا پیش از بازداشت وی را تایید کرد. با این وصف وی مدعی شد که در این بازجویی‌ها پلیس سلیمان‌پور را متهم به انفجار مرکز یهودیان در آرژانتین نکرده و فقط از وی خواسته بود که تا چنانچه اطلاعاتی در این زمینه دارد به پلیس ارائه نماید. انصاری‌راد رئیس کمیسیون اصل‌نود مجلس نیز گفت: کشوری که الوده به مسائل تروریستی نیست، نباید ترس از این اقدامات داشته باشد و باید از موضع قدرت تمام از حیثت مملکت دفاع کرد و باید با شفافیت و قدرت در خصوص این مسئله موضع گرفت و تحت تاثیر این خبرها نباشیم. وی در یادداشت‌های سلیمان‌پور، سفیر سابق ایران در بوئنوس آیرس از سوی پلیس

دست‌داشتن در بسگذاری متهم شدند که یکی از آنها علی فلاحیان وزیر پیشین اطلاعات ایران بود. هادی سلیمان‌پور نخستین فرد از این گروه است که بازداشت شده است. او در دانشگاه درهام انگلستان به تحصیل اشتغال دارد دادگاهی که در پی آن در لندن تشکیل شد تا در باره استرداد هادی سلیمان‌پور، سفیر پیشین ایران در آرژانتین تصمیم‌گیری کند. رای به ادامه بازداشت این مقام پیشین ایران داد و از قوه قضائیه آرژانتین نیز خواست تا مدارکی که مدعی است این دیپلمات سابق، در انفجار سال ۱۹۹۴ بوئنوس آیرس دست داشته را ظرف یک هفته به این دادگاه ارائه کند.

سلیمان‌پور به همراه دو مامور محافظ وارد دادگاه شد، و در طول دادگاه غیر از اینکه تنها نام و مشخصات شخصی خود را تایید کرد، سخن دیگری به زبان نیاورد و وظیفه دفاع از خود را به وکلایش سپرد. وکلا در جریان دفاع خود، ادعای قاضی آرژانتینی را که درخواست بازداشت سلیمان‌پور را به اتهام نقش داشتن در انفجار سال ۱۹۹۴ صادر کرده، بی‌اساس خواندند و آن را تلاشی برای مخدوش کردن روابط ایران و آرژانتین معرفی کردند. میراسکندری و تیمی که وکالت هادی سلیمان‌پور را بر عهده گرفته‌اند، حاضر نشدند به این سؤال خبرنگاران که آیا دولت ایران آنها را مامور این کار کرده یا نه، پاسخ بدهند.

وکلا در ادامه جلسه دادگاه از قاضی تقاضا کردند که سلیمان‌پور را در قبال پرداخت وثیقه و تا جلسه بعدی دادگاه که جمعه ۲۹ اوت بود آزاد کند اما قاضی با این مساله موافقت نکرد و سلیمان‌پور بار دیگر راهی بازداشتگاه شد.

هادی سلیمان‌پور فوری ۲۰۰۲ برای تحصیل در دانشگاهی در بریتانیا با ویزای تحصیلی و گذرنامه عادی (غیر دیپلماتیک) وارد این کشور شد و با همسر و دو فرزند خود در شهر درهام (شمال شرق انگلستان) ساکن بود.

ایران اقدام پلیس انگلیس در بازداشت هادی سلیمان‌پور را محکوم کرد و آن را دارای انگیزه سیاسی خواند. حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران گفته است این اقدام با انگیزه و اهداف سیاسی و تحت تاثیر اسرائیل انجام شده است. آصفی گفت ایران از تمامی امکانات خود برای آزاد ساختن این تبعه‌اش استفاده می‌کند و خواستار توضیح بریتانیا در این باره خواهد شد. ایران تاکنون بارها هر گونه دست‌داشتن در این انفجار را رد کرده است.

سفارت ایران در آرژانتین نیز طی بیانیه‌ای این حکم را دارای انگیزه سیاسی و نتیجه تلاش اسرائیل برای دستکاری در تحقیقات دانست. هادی سلیمان‌پور نخستین فرد از این گروه است که بازداشت می‌شود. دستور کربیشتر، رئیس جمهوری آرژانتین ماه ژوئن گذشته دستور پیگیری پرونده انفجار مرکز یهودیان را صادر کرد. این دستور، ناقض دستور ادواردو دوخاله، رئیس جمهوری سابق آرژانتین بود که پرونده را با یگانگی کرده بود. ابتدا حزب‌الله لبنان که از گروه‌های مورد حمایت ایران است در این انفجار مقصر خوانده شد و ایران نیز به دست

دستور خامنه‌ای به بازگرداندن دست‌اندرکاران عملیات برونمرزی

ادامه از صفحه اول

و خصوصا در وزارت پست و تلگراف و تلفن و علوم و آموزش عالی در اروپا برنامه‌های تروریستی را رهبری می‌کرد و بطور مقتضیانهای در سفارت ایران پناهنده و سپس فرار کرد(، و چند نفر دیگری تشکیل شده بود، رهبری درخواست کرد که تدبیری اندیشیده شود تا بقول خود ایشان، با اتفاق ناگواری که برای این جوان (هادی سلیمان‌پور) افتاد باید بدون سر و صدا تمامی کسانی که از دور یا نزدیک در عملی در راستای منافع نظام و اسلام شرکت کرده‌اند به ایران بازگردانده شوند. رهبری گفتند که اگر جایی‌هایی هم در این امور شرکت داشته‌اند که حتمی‌داشته‌اند این‌ها نیز به ایران بیاورید... رهبری گفتند: نگویید نمی‌شود، هر کاری اگر خواسته شود و نیت هم خیر باشد خداوند هم کمک خواهد کرد و شدنی است. امکانات هم بحمدالله والتوفیق هست. اینجا مسئله فقط آبروی من نیست، آبروی شما هم نیست، آبروی کل نظام مقدس ماست که در خطر است. باید بسرور و اول از آنهایی که اطلاعات بیشتری دارند شروع کنید آنها را بیاورید به ایران. اگر من از جزئیات کار خبر داشتم اتفاقی که در انگلیس یا بلژیک افتاد

۱۷۰ سایت دیگر

بسته می‌شوند

محل بود بیفتد. در مورد بلژیک خب آقای خرازی خوب عمل کرد نتیجه هم داد. این آقا هم فوری باید به ایران برگردانده شود چون اگر آنجا بماند حتی دوباره او را دستگیر خواهند کرد غفلت نباید کرد، اگر شما کوتاه نیایید و محکم بایستید دشمن کوتاه خواهد آمد. در مورد انگلیس هم آقای خامنه‌ای می‌بایست قاطعتر عمل می‌کرد. اما قاطعیت معنی‌اش این نیست که سر و صدا راه بیندازیم... وحید گرجی برای رهبری توضیح داد که بعضی از آنها سالها پیش با همکاری داشته‌اند آنها امروز دارای شغل و زن و فرزند و یا شوهر و بچه گاهی در مراحل پایانی تحصیلات هستند شاید نشود براحتی آنها را آورد و... رهبری پاسخ داد البته شما در فکر راحت‌ی هستید، منم می‌دانم که کار راحتی نیست... اقا تطمیش‌شان کنید، بحمدالله امکانات هست... آنها را باید به ایران بیاورید، اگر آنها را دستگیر آنها و هر کسی تا اندازه‌ای فشار را تحمل می‌کند. نگویید فلانی مومن است و حرف نخواهد زد. فلانی تا درجدهای مومن است، از آنجا به بعد همه چیز را خواهد گفت، تنها اولیا و معصومین همه چیز را تحمل می‌کنند...

آرمین در نطق پیش از دستور جزئیات تازه‌ای از قتل زهرا کاظمی را فاش کرد:

شاهرودی دستور داد قوه قضائیه زیر سؤال نرود!

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات:

شاهرودی رئیس قوه قضائیه باید استعفا دهد

محسن آرمین نایب رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ششم، در نطق پیش از دستور خود به طرح نظرات خود در خصوص پرونده زهرا کاظمی پرداخت.

متن کامل نطق آرمین به شرح ذیل است: در جریان رسیدگی قضایی به پرونده قتل زهرا کاظمی، علی‌رغم آنکه مقتول در طول بازداشت خود در اختیار سه ارگان دادستانی، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات بوده است و مطابق گزارش هیات تعیین شده از سوی رییس جمهور ضرب و شتم منتهی به ضربه مغزی می‌توانسته در هر یک از این سه ارگان صورت گرفته باشد، فقط ۵ تن از پرسنل وزارت اطلاعات، دو زن نگهبان، یک پزشک زندان و دو بازجو بازداشت شدند.

در همان زمان عرض کردم کلیه افرادی از این سه ارگان که در مدت بازداشت زهرا کاظمی با متهم ارتباط داشته‌اند باید مورد بازجویی قرار گیرند. محدود کردن عرصه تحقیق و بازجویی به پرسنل یکی از این سه ارگان امری نگران‌کننده و موجب انحراف مسیر رسیدگی است و این مسیر به هر نتیجه‌ای برسد افکار عمومی را قانع نخواهد کرد. علی‌رغم اعلام این نگرانی‌ها و هشدارها جریان ادامه یافت تا دو روز قبل دادستانی انقلاب طی اطلاعیه‌ای از اتهام دو تن از بازجویان وزارت اطلاعات خبر داد.

وزارت اطلاعات در واکنش به این اقدام با صدور اطلاعیه‌ای ضمن تکذیب ادعای دادستانی، از تحقیقات و اسناد و مدارکی دال بر حقیقت ماجرا و تلاش عدل‌خواه برای انحراف آن خبر داد.

پیرو صدور این دو اطلاعیه، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی از مسئولان وزارت اطلاعات و قوه قضائیه برای حضور در کمیسیون و بررسی موضوع دعوت به عمل آورد. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز در اقدامی مشابه از مسئولان وزارت اطلاعات جهت ارائه توضیحات لازم در باره این پرونده دعوت به عمل آورد.

این دو جلسه روز گذشته برگزار شد و دادستان عمومی و انقلاب تهران و مسئولان دیگر قضایی از حضور در مجلس و ادای توضیحات خودداری کردند.

هر چند مخبران دو کمیسیون اصل ۹۰ و امنیت ملی و سیاست خارجی، وظیفه اطلاع‌رسانی از مذاکرات جلسات این دو کمیسیون را بر عهده دارند و مخبر کمیسیون اصل ۹۰ نیز روز گذشته طی مصاحبه‌ای گزارش جهانی از جلسه این کمیسیون را ارائه کردند. اما اینجانب در نطق قبل و نیز مصاحبه‌های پس از آن درباره پرونده قتل زهرا کاظمی به ملت شریف و آگاه ایران وعده کردم در صورتی که جریان رسیدگی به این پرونده به انحراف کشیده شود و به جای کشف واقعیت و بیان حقیقت تلاش‌ها مصرف آن شود عاملان و آمران این فضاخت به حاشیه امن برده شوند و آبرو و مصالح کشور هزینه برخی افراد و مقامات گردد، حقایق را خواهم گفت.

آنچه اکنون می‌گویم نه تحلیل سیاسی است و نه فرضیاتی مبتنی بر حدس و گمان، بلکه مستند است به اطلاعات موثقی که مقامات بلندپایه وزارت اطلاعات در جلسات روز گذشته ارائه داده‌اند. ۱- زهرا کاظمی با میزور رسمی وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تهیه عکس از زندگی روزانه مردم وارد ایران می‌شود. وی روز ۲/۴/۸۲ در مقابل درب زندان اوین در مورد متهم بسیار ضعیف می‌داند اعلام می‌کند حال تهیه عکس از تجمع خانواده بازداشت‌شدگان، با ضرب و شتم دستگیر می‌شود. او که خود یک ایرانی تبعه کانادا است پیش از نیز برای تهیه گزارش بارها به ایران سفر کرده و فاقد هر گونه سوء سابقه و یا اتهام جاسوسی بوده است.

۲- وی از زمان دستگیری تا انتقال به بیمارستان سینا در ۲۰ دقیقه بامداد روز ۴/۴/۸۲ در اختیار سه ارگان به شرح زیر قرار گرفته است: روز اول در اختیار دادستانی، از روز ۳/۴/۸۲ تا ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۴/۴/۸۲ در اختیار نیروی انتظامی، روز ۵/۴/۸۲ به مدت ۴ ساعت در اختیار دادستانی، از ساعت ۱۲/۴/۸۲ در اختیار وزارت

اطلاعات. ۳- از آغاز دستگیری بدون هرگونه دلیل و مدرکی از سوی دادستانی، متهم به جاسوسی و نتیجه بازداشت می‌شود. به معاونت ضدجاسوسی وزارت اطلاعات اعلام و درخواست می‌شود متهم را تحویل بگیرند. وزارت اطلاعات که احتمال جاسوسی را در ضرورتی به دستگیری نیست، متهم به محل اقامت خود در تهران راهنمایی شود بازجویی در محل اقامت از وی انجام خواهد شد.

۴- علی‌رغم نظر کارشناسی وزارت اطلاعات، دادستان متهم را به اطلاعات نیروی انتظامی تحویل می‌دهد، مشاور حقوقی وزارت پس از اطلاع از این امر به دادستانی اعتراض می‌کند که متهمان به جاسوسی فقط باید به ضدجاسوسی وزارت تحویل داده شوند و نه هیچ ارگان دیگر. حال که وی دستگیر شده باید به اطلاعات تحویل شود. لذا متهم ساعت ۵ روز ۴/۴/۸۲ به دادستانی عودت و ساعت ۱۲/۴/۸۲ همان روز به وزارت اطلاعات تحویل می‌شود.

۵- در تحقیقات وزارت اطلاعات مشخص می‌شود متهم در دو مرحله مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است. از آغاز دستگیری و در داخل زندان به دلیل مقاومت در برابر ماموران و عدم تحویل وسایل خود از ناحیه راست صورت و سر مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. حالت تعادل خود را از دست می‌دهد بلافاصله به بند ۲۴ منتقل می‌شود. بنا به گزارش وزارت اطلاعات به شهادت شهید متعدد به هنگام انتقال به بند در این مرحله متهم کاملاً بی‌حال بود، به طوری که ماموران زندان او را کشتان کشتان و با گرفتن دستان و پاها به بند مذکور منتقل می‌کنند. شهادت شهید، نگهبانان و ماموران موجود است.

۶- این ضربات به حدی نگران‌کننده بوده که روز بعد وقتی متهم تحویل نیروی انتظامی می‌شود ضارب که هویت وی کاملاً شناسایی شده و پرسنل یکی از سازمان‌های قوه قضائیه است با نیروی انتظامی تماس و جویای حال وی می‌شود. ۷- پس از انتقال به بند، متهم از ساعت ۲۲/۲۵ دقیقه شب تا ۲/۳۰ بامداد روز ۳/۴/۸۲ توسط قاضی مرتضوی، معاون وی قاضی ارجمندی و یک نفر دیگر که برای وزارت اطلاعات شناخته نشده مورد بازجویی قرار می‌گیرد. از چگونگی این بازجویی هیچ اطلاعی در دست نیست.

حضور غیرمترعارف دادستان عمومی و انقلاب تهران و معاون وی به مدت ۴/۳۰ ساعت در بازجویی متهم حکایت از انگیزه، حساسیت و علاقه شدید دادستان به این پرونده دارد.

۸- متهم پس از تحویل به نیروی انتظامی در روز سوم تیرماه مورد بازجویی قرار می‌گیرد و مطابق گزارش مکتوب نیروی انتظامی اعلام می‌کند در دادستانی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از ناحیه بینی، انگشت دست و انگشت پا دچار شکستگی شده است.

۹- در گزارش اولیه بیمارستان به هنگام ورود متهم، آثار ضرب و جرح در بدن بیمار تهیه شده است.

۱۰- پس از انتقال متهم به بیمارستان به علت ضربه مغزی، دادستانی تلاش‌های فراوانی برای پنهان نگاهداشتن ماجرا به کار بسته است.

۱۱- مقامات وزارت اطلاعات می‌گویند قاضی مرتضوی پیش از اعلام نظر کمیته تحقیق منتخب رییس جمهوری گفته است: زهرا کاظمی سکنه مغزی کرده است. اگر به چیز دیگری هم رسیدند به گردن اطلاعات انداخته خواهد شد و از مقامات این وزارت می‌خواهد اعلام کنند متهم جاسوس و خرابکار بوده است.

۱۲- پس از آغاز رسیدگی قضایی به ماجرای قتل زهرا کاظمی و در مرحله تحقیق، قاضی پرونده وزارت اطلاعات را مأمور تحقیق می‌کند. بر اساس تحقیقات وزارت، شهود و ناظران ماجرا شناسایی می‌شوند، مورد سؤال قرار می‌گیرند، مراحل ضرب و شتم، چگونگی آن و ضارب شناسایی می‌شوند، و شهود نزد قاضی شهادت می‌دهند.

۱۳- بلافاصله روند تغییر می‌کند، قاضی دستور توقف و عدم ادامه تحقیق را صادر می‌کند. شهود به مدت دو روز جاسوسی و در قهرنطقه قرار داده می‌شوند. توجیه می‌شوند تا شهادت را پس بگیرند، آنها را قانع می‌کنند، فیلم از آنها می‌گیرند، سپس نزد قاضی هدایت می‌شوند تا اعلام کنند شهادت‌شان دروغ بوده است.

۱۴- آقای پزشکیان برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر درباره زمان وقوع ضربات، کمیته تخصصی پزشکی را مجدداً تشکیل داده و این بار بر اساس گزارش سی سی اسکن بیمارستان و سایر اطلاعات موضوع را بررسی می‌کنند و به نتایج روشن‌تری می‌رسند. من این نتایج را قبلاً طی مصاحبه‌ای اعلام کردم.

۱۵- قاضی پرونده طی نامه‌ای به آقای پزشکیان در مورد ادامه کار کمیته تخصصی پزشکی و اعلام نظر جدید یا دقیق به وی اعتراض می‌کند.

۱۶- به گفته مقامات وزارت اطلاعات به پرسنل متهم و بازداشت‌شده وزارت اطلاعات در طول دوران بازداشت تلنتین می‌شده است که بگویند متهم جاسوس بوده و خود زمین خورده است. قاضی مرتضوی با بازداشت‌شدگان ملاقات و ضمن تعریف از آنها به عنوان افرادی حزب‌اللهی و معتقد به نظام و رهبری از ایشان می‌خواهد که اعلام کنند زهرا کاظمی جاسوس بوده است. ۱۷- نگهبانان زندان که ناظر و شاهد مواقع بوده‌اند در این مرحله به مکان‌های دیگر منتقل می‌شوند و لوح کشیک دفاتر بند مخدوش و دست‌خورده است.

۱۸- به گفته مقامات وزارت اطلاعات، آیت‌الله شاهرودی پس از اطلاع از نتیجه تحقیقات وزارت اطلاعات می‌فرماید صلاح نیست قوه قضائیه زیر سؤال برود. باز همین منابع از ایشان نقل می‌کنند که فرموده‌اند ما و شما هر دو نظام هستیم، چه فرقی می‌کند پرسنل کدام یک متهم شوند؟ ۱۹- مقامات قضایی هم گفته‌اند در شرایط فعلی صلاح نیست مسئولیت متوجه ما شود، چون مخالفان ما در داخل ممکن است سوء استفاده کنند. ۲۰- و بالاخره آن‌که در این ماجرا از آغاز یعنی از زمانی که ابتکار دادستان تهران، مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی ملزم شد اعلام کند زهرا کاظمی سکنه قلبی کرده است، تا امروز که دو تن از پرسنل وزارت اطلاعات به عنوان متهم به قتل زهرا کاظمی از سوی دادستانی معرفی شده است، به مردم حقیقت گفته نشده است. جز در گزارش رییس جمهوری مردم.

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات روند رسیدگی به پرونده زهرا کاظمی، خبرنگار و عکاس و جلب مجدد عیسی سحرخیز، نماینده مدیران مسئول مطبوعات در هیات نظارت و عضو شورای مرکزی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات را امروز بعد از ظهر مورد بررسی قرار داد.

ماشاءالله شمس‌الواعظین، سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در گفتگو با خبرنگار ادب و اندیشه اپلنا در ذکر مفاد این بیانیه گفت: مطابق اعلام رسمی بازپرس دادسرای جنایی تهران مرگ زهرا کاظمی قتل شبه عمد اعلام شده است. اتهام مربوط به عوامل این قتل میان دو دستگاه رسمی کشور صرف قضائیه و وزارت اطلاعات رد و بدل می‌شود. وی افزود: براساس گزارش وزارت اطلاعات به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی قتل زهرا کاظمی توسط عوامل دادستانی تهران صورت گرفته است. شمس‌الواعظین با بیان این مطلب که انجمن دفاع از آزادی مطبوعات صرف نظر از نتایج احتمالی اتهامات متقابل قوه قضائیه و وزارت اطلاعات اعلام می‌کند: دستگاههای انتصابی کشور در برخورد با پرونده‌های مطبوعاتی و سیاسی از محدوده قانونی خود فراتر رفته و به مرحله نقض آشکار حقوق مطرح ملت در قانون اساسی گام گذاشته‌اند.

وی ادامه داد: هنگامی که دستگاه قضایی در پرونده‌ای که در یک سوی آن دستگاه مقتدر اطلاعات کشور قرار دارد، این گونه بی‌پروا با قانون، عدالت و اخلاق بازی می‌کند، می‌توان

سنجید که در مقابل روزنامه‌نگاران بی‌پناه و پرونده‌های مطبوعاتی به چه میزان به قانون پایبند بوده است. از این رو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات با توجه به نطق امروز نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در باره اظهارات تأسف بار رییس قوه قضائیه نسبت به ماجرای قتل زهرا کاظمی و با توجه به سوء تدبیر مستمر رییس قوه قضائیه در هدایت دستگاه قضایی به نقطه‌ای که این دستگاه گوی سبقت را از دیگر نهادهای انتصابی کشور در تجاوز به حقوق ملت و سلب آزادیهای قانونی مردم ربوده، خواهان استغای آیت‌الله سید محمود شاهرودی، رییس قوه قضائیه، از مقام خود است.

شمس‌الواعظین در ادامه گفت: انجمن دفاع از آزادی مطبوعات با توجه به موقعیت پرونده قتل زهرا کاظمی و پیامدهای منفی آن در ارائه تصویر مخدوش از ملت تمدن ایران در میان افکار عمومی، خواهان اعلام رسمی عاملان و محاکمه فوری آنهاست.

وی افزود: انجمن دفاع از آزادی مطبوعات جلب و بازداشت مجدد عیسی سحرخیز را بخشی از اقدامات مشکوک به منظور تحت‌الشعاع قراردادن پرونده قتل زهرا کاظمی و تلاش برای ایجاد تنشهای تازه در عرصه اطلاع‌رسانی کشور ارزیابی می‌کند. از این رو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات خواهان آزادی بی‌قید و شرط عیسی سحرخیز و پایان یافتن سریال برخوردهای اهانت‌آمیز و غیر قانونی با دست‌اندرکاران مطبوعات کشور است.

توقیف یک کشتی حامل سلاح برای ایران

لئونی نیز در این قاچاق اسلحه نقش داشته است اما هنوز هیچکس بازداشت نشده است. کریستیان اسپه، یکی از فرماندهان پلیس لئونی نیز گفته است به نظر می‌رسد این محموله برای یک گروه چریکی ارسال می‌شده است نه نیروهای منظم نظامی ایران. روسیه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که به سقوط حکومت پهلوی (تحت حمایت آمریکا) انجامید، بزرگترین تامین‌کننده تجهیزات نظامی ایران بوده است.

ایالات متحده آمریکا همواره ایران را متهم کرده که گروه‌های چریکی اسلامی در منطقه خاورمیانه را تجهیز می‌کند. ایران قویا این اتهام را تکذیب کرده و می‌گوید از گروه‌های اسلامی فقط حمایت معنوی می‌کند.

پلیس لئونی و افسران گمرک این کشور گفته‌اند یک محموله ۲۸ تنی از تجهیزات نظامی را که تحت عنوان ماشین‌آلات کشاورزی ثبت شده و قرار بود به مقصد ایران حمل شود، توقیف کرده‌اند. یک سخنگوی پلیس لئونی اظهار داشت محموله توقیف‌شده شامل قطعات یدکی تانک، تجهیزات مخصوص دیدن در تاریکی و سیستم‌های ضد هوایی بوده است.

ارزش این محموله ۵۰۰ هزار دلار برآورد شده است. متخصصان تجهیزات نظامی همچنان در حال بازرسی محموله هستند تا دقیقاً محتویات آن را شناسایی کنند.

پلیس لئونی اعلام کرده که محموله توسط یک شرکت روس ارسال شده و یک شرکت

مراسم سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

داشت، مرز بین خود و رژیم آزادی‌کش حاکم بر کشورش را از بین رفته نینگاشت، خود را در کمک به زندانیان سیاسی در ایران و افشای جنایات رژیم خلی ساد، با سادگی خاص خود بدون اما و اگرهای رایج، در حد توانش متعهد می‌دانست و بهای آن را نیز با مرگی در کنار ما و دور از وطن پرداخت.

مراسم پانزدهمین سالگرد فاجعه ملی با قرآنت پیام خمبستگی حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان و نیز دانشجویان دانشگاه کلن در ساعت ۴ بعد از ظهر پایان یافت. جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن ۱۳۸۲ شهریور

پانزدهمین سالگرد فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ در بعد از ظهر روز ۳۰ آگوست در شهر کلن در آلمان با در دست داشتن عکس‌های قربانیان و نیز گل‌های سفید و قرمز در دست برگزار شد. گل‌های قرمز به یاد هزاران قربانی فاجعه ملی و گل‌های سفید به یاد عضو فعال، قدیمی و از دست‌رفته جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن، فرهاد مصلحی که هفته گذشته در سن ۵۲ سالگی و بعد از بیش از ۱۳ سال همکاری با جمعیت، سرانجام مغلوب بیماری سرطان شد و همه دوستان و دوستدارانش را در غمی سنگین فرو برد، «فرهاد ما» که با همه سختی، حرمت یک مجاهد سیاسی بودن را نگاه

تسلیت

فرهاد مصلحی درگذشت

مطلع شدیم فرهاد مصلحی روز سه‌شنبه ۲۶ ماه اوت برابر با ۲ شهریور به دنبال یک بیماری طولانی در شهر کلن آلمان چشم از جهان فرو بست. او مبارز رادسوسیالیسم، مدافع پیگیر حقوق بشر و عضو فعال کانون دفاع از زندانیان سیاسی شهر کلن بود. نشریه کار درگذشت فرهاد را به همسر و فرزندان، اعضای خانواده و همه دوستان وی تسلیت می‌گوید.

رفیق فروزان جهانگیری

همدردی ما را به خاطر از دست‌دادن خواهرتان بپذیرید.

کارکنان نشریه کار

اخراج پناهندگان ایرانی از سوی پلیس ترکیه

پلیس ترکیه در محوطه یو. ان در شهر وان گروهی دیگر از پناهجویان را به منظور اخراج به ایران محاصره کرده است.

گروه کثیری از پناهجویان ایرانی مقیم شهر وان ترکیه از سوی پلیس این کشور به ایران اخراج شده‌اند. پناهجویان دستگیر شده را با چند اتوبوس با محافظت پلیس به ایران اخراج کرده‌اند. به گزارش روشنگری در ساعات عصر شنبه همچنین پلیس در محوطه یو. ان در شهر وان گروهی دیگر از پناهجویان را به منظور اخراج به ایران محاصره کرد. مسئول کیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل که پس از تأخیر در جمع پناهجویان محاصره شده حاضر شد، در واکنش به اعتراض شدید پناهجویان اعلام کرد که کاری از دستش ساخته نیست و

حداکثر می‌تواند پناهجویان را به شمال عراق اعزام کند.

به گفته یک پناهجوی گریخته از چنگ محاصره پلیس، خطر استرداد پناهجویان محصور در محوطه یو. ان به ایران جدی است. این پناهجو ضمن تأکید بر اهمیت جلوگیری از اخراج پناهجویان به ایران خواستار کمک فوری و اقدام سریع نهادهای ایرانی و بین‌المللی مدافع حقوق بشر و حقوق پناهندگی برای متوقف کردن این اقدام شد.

گفتنی است غالب پناهجویان ایرانی مقیم ترکیه، به دلایل سیاسی ایران را ترک کرده و در صورت استرداد معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود.

پیرامون حاصل کار

کمیسیون تدوین سند سیاسی

برای کنگره فوق العاده

تا مرحله کنونی

آنچه که در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد، آن قسمت از پیش‌نویس سند سیاسی است که پس از چند دور تبادل نظر در «کمیسیون»، حائز رای اکثریت کمیسیون شده و اینک جهت اطلاع عموم علاقمندان به تدارک سیاسی کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، انتشار علنی می‌یابد. بخش تصویب شده در «کمیسیون»، مربوط به بخش مثنی سیاسی از کل پیش‌نویس است که ماده دوم آن از تصویب «کمیسیون» نگذاشته و همچنان مورد بحث است. بخش «نگاه به صحنه» از پیش‌نویس نیز هم اینک جریان رسیدگی و تصویب را در «کمیسیون» طی می‌کند که پس از تصحیح و تصویب به آگاهی عموم خواهد رسید.

دلیل انتشار بخش مصوب «کمیسیون» در شکل ناکامل آن، تامین حق شرکت‌کنندگان در کنگره فوق‌العاده برای ارائه پیشنهادات تصحیحی یا جایگزین چه در کلیت مصوب و چه در اجزاء آن می‌باشد که «کمیسیون» معترف است تا اینجا هم در ارائه حاصل کار تاثیر داشته است. از این رو از اعضای سازمان دعوت می‌شود که هر پیشنهادی چه در شکل ارائه سند جایگزین و چه در صورت پیشنهادات جزئی دارند در اختیار «کمیسیون» قرار دهند تا اگر مورد موافقت «کمیسیون» قرار گرفت در بازنویسی نهایی سند ملحوظ شود و اگر هم با موافقت «کمیسیون» روبرو نشد در اختیار کنگره قرار بگیرد. از دیگر علاقمندان به روند تدارک کنگره نیز دعوت می‌کنیم که با ارائه نقد و نقطه نظرات خود در قبال آنچه که تا کنون از تصویب «کمیسیون» گذشته است، مباحث پیش‌کنگره‌ای سازمان ما را غنا بخشند.

جهت پربار شدن روند مباحث، در زیر علاوه بر بخش مصوب از پیش‌نویس سند سیاسی کل پیش‌نویس نیز از دید علاقمندان می‌گذرد.

محرر کمیسیون تدوین سند سیاسی برای کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بهزاد کریمی

برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک، لائیک و فدرال بجای جمهوری اسلامی

(سند مصوب کمیسیون تدوین سند سیاسی)

در راستای شکل‌گیری اتحاد جمهوریخواهان، ما برای همسوز کردن ابتکارات جداگانه‌ای که به این منظور صورت می‌گیرند، تلاش خواهیم کرد. ما مطرح کردن این جنبه بشابه ال‌ترناتیو جمهوری اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی را وظیفه خود قرار می‌دهیم.

۹- ما مخالف دخالت احتمالی نظامی دولت آمریکا در ایران هستیم. مخالفت ما با چنین سیاستی، در هر حال از موضع مخالفت با جمهوری اسلامی و از جایگاه ال‌ترناتیو آن خواهد بود.

ما با تقویت بنیادگرایی اسلامی و دست‌افزار آنان تروریسم از سوی جمهوری اسلامی، قاطعانه مخالفیم و علیه مداخلات این حکومت

ایران بجای جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم که گسترده‌ترین طیف جمهوریخواهان دموکرات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی و نیروهای جمهوریخواه و دموکراتی را که در سال‌های اخیر بر بستر چالش بین ولایت فقیه و اصلاح‌طلبان دینی شکل گرفته است، در بر بگیرد.

این جنبه بر جنبش‌های اجتماعی و نیروی مردم متکی است و در برگیرنده همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی، جریان‌ها و احزاب ملی، و فعالین فکری، سیاسی و فرهنگی منفرد خواهد بود که نظام مبتنی بر دموکراسی، جمهوری و لائیسیت را جایگزین جمهوری اسلامی می‌خواهند.

نیروهای جمهوریخواه دموکرات و فشارهای بین‌المللی در خدمت چنین تحولی قرار دارند.

۶- ما با تاکید بر شعارهای رفراوندوم، تشکیل مجلس موسسان، تغییر قانون اساسی و تعیین نوع حکومت جایگزین می‌کوشیم حمایت بین‌المللی را از این شعارها تامین کنیم.

۷- ما از گسترش مبارزات اعتراضی - مطالباتی در میان کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، اقلیت‌های ملی و مذهبی، و دیگر گروهها و اقشار اجتماعی تریقخواه در مبارزه علیه رژیم حاکم دفاع می‌کنیم.

۸- ما برای شکل‌گیری جنبه‌های با هدف استقرار نظامی مبتنی بر دموکراسی، لائیسیت در

۱- هدف راهبردی ما استقرار یک جمهوری دموکراتیک، لائیک و فدرال در ایران است که شرط ضرور برای تحقق آن، برکناری جمهوری اسلامی بشابه مانع اصلی برقراری دموکراسی در کشور است. مثنی و راهکارهای سیاسی ما با این هدف تبیین می‌شود و در خدمت آن قرار دارد.

۲- مبارزه ما برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک، لائیک و فدرال متوجه نفی و نقد مواضع هر جریانی از حکومت خواهد بود که به هر شکل خواهان حفظ حکومت دینی است و از جمله جریانی که بر توهم «مردم‌سالاری دینی» پای می‌فشارد.

۳- ما اصلاح‌طلبان و روشنفکران دینی‌ایی را که در موضع تقابل با ولایت فقیه قرار دارند به تعرض علیه ولایت فقیه و نفی و نقد آن، به پذیرش جدایی دین از دولت و پیوستن به جنبش تحول فرا می‌خوانیم.

۵- ما از نوع تحول سیاسی رادیکال هستیم که بر گذار مسالمت‌آمیز متکی شود. نافرمانی و مقاومت مدنی توده‌ای، اتحاد

در امور دیگر کشورها هستیم.

۱۰- ما ضمن مخالفت با آن سیاست‌های خارجی که از اعمال فشار به جمهوری اسلامی قصد سازش و معامله با این رژیم علیه دموکراسی در ایران و مغایر با منافع کشور ما را دارند، تنها از آن نوع کارزار جهانی علیه جمهوری اسلامی استقبال می‌کنیم که در راستای منافع مردم ایران موثر بیفتد. از اینرو:

الف - از همه نهادهای بین‌المللی و همه دول می‌خواهیم که از مبارزات مردم ایران برای تحقق دموکراسی و استقرار جمهوریت و دموکراسی حمایت کنند.

ب - از تمام نهادهای بین‌المللی و همه دول می‌خواهیم که در مناسبات کنونی خود با جمهوری اسلامی، رعایت حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را مبنایی پایدار در مناسبات با این رژیم قرار دهند.

ج - ما با هر گونه حمایتی که از سطح سیاسی فراتر برود و خصلت اپوزیسیون‌سازی و یا رهبر تراشی از سوی دولت‌های خارجی را به خود بگیرد، مخالفیم.

متن باز نویسی شده پیش‌نویس سند سیاسی

«استقرار جمهوری ایران بجای جمهوری اسلامی»

کمیسیون تدوین سند سیاسی

توان جدیدی در مبارزه برای حقوق دموکراتیک و ملی خود برخوردار می‌شوند.

- در میان نیروهای نظامی و انتظامی رژیم - نشانه‌های همدردی و همبستگی با جنبش‌های اعتراضی مردم قابل تشخیص است. جنبش مدنی هم در شکل مقاومت و هم در سیمای نافرمانی در عرض و عمق پیش می‌رود.

۷- روندها و چشم‌اندازهای سیاسی در کشور ما اینک با تحولات بین‌المللی سخت‌گرفته خورده و در سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت بوش، ایران جایگاه حساسی یافته است. جمهوری اسلامی اکنون از نظر بین‌المللی در موقعیتی متزلزل و تحت فشار سنگین قرار دارد.

در هیئت حاکمه آمریکا سناریوهای سیاسی متنوعی در رابطه با جمهوری اسلامی مد نظر است که طیفی از سیاست‌های اعمال فشار به این حکومت برای مطیع کردن آن تا توسل به زور نظامی علیه جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. اینک کدامیک از سناریوها و در چه مرحله‌ای به اجرا درآید تابعی است از پارامترهای سیاسی در سطح بین‌المللی و منطقه، در هیئت حاکمه آمریکا و در جمهوری اسلامی.

سناریوهایی که تعرض نظامی علیه ایران و یا ساختار سازی سیاسی برای مردم ایران را موجب شوند، مغایر روند دموکراسی در ایران و بر ضد منافع ملی مردم کشور ما هستند. در حالی که سیاست فشار سیاسی و دیپلماتیک بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی، در شرایط حضور و عمل‌کرد اپوزیسیون دموکرات در صحنه سیاسی، می‌توان استقرار دموکراسی در ایران را تسهیل نماید. برای نیروی دموکراسی در ایران، مخالفت با سناریوهای پیش‌گفته و تقویت امکان سوم تنها گزینه مطلوب می‌تواند باشد.

مثنی سیاسی ما

۱- هدف راهبردی ما استقرار جمهوری دموکراتیک، لائیک و فدرال در ایران است که شرط ضرور برای تحقق آن، برکناری جمهوری اسلامی بشابه مانع اصلی برقراری دموکراسی در کشور است. مثنی و راهکارهای سیاسی ما با این هدف راهبردی تبیین می‌شود و در خدمت آن قرار دارد.

۲- ما بسیج‌کننده‌ترین و نافذترین تاکتیک در مبارزه علیه جمهوری اسلامی را نفی ولایت فقیه می‌دانیم که هم اینک مبارزات جاری مردم

هر چه بیشتر حول آن کانونی می‌شود.

۳- مبارزه ما برای استقرار جمهوری دموکراتیک و لائیک متوجه هر جریانی از حکومت خواهد بود که به هر شکل می‌خواهد حکومت دینی حفظ شود و از جمله بر توهم دموکراسی دینی پای می‌فشارد.

۴- ما دین‌باورانی را که در موضع اصلاح‌طلبی رادیکال قرار دارند به خروج از حاکمیت در شکل گروهی، با موضع نقد و نفی ولایت فقیه و پیوستن به جنبش دموکراسی و لائیسیت در ایران فرا می‌خوانیم.

۵- ما خواهان آن نوع تحول سیاسی - اجتماعی رادیکال هستیم که عنصر فقر را نفی نماید و بر اشکال مبارزه مسالمت‌آمیز، نافرمانی و مقاومت مدنی و بسیج توده‌ای در مبارزه علیه رژیم حاکم متکی شود. ما مدافع دامنه گرفتن جنبش‌های اجتماعی در میان نیروهای محرک تحولات سیاسی - اجتماعی یعنی کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، آموزگاران و استادان، نیروهای جنبش‌های خلق‌های تحت ستم ملی در کشور، و اقشار متوسط جامعه هستیم.

۶- ما برای شکل‌گیری جنبه‌های با هدف استقرار دموکراسی و لائیسیت در ایران بجای جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم که گسترده‌ترین طیف جمهوریخواهان دموکرات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی و نیروهای جمهوریخواه و دموکراتی را که در سال‌های اخیر بر بستر چالش بین ولایت فقیه و اصلاح‌طلبان دینی شکل گرفته است، در بر بگیرد.

این جنبه بر جنبش‌های اجتماعی و نیروی مردم متکی است و در برگیرنده همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی، فعالین فکری، سیاسی و فرهنگی منفرد، تشکلهای اجتماعی و صنفی خواهد بود که دموکراسی و جمهوری را جایگزین جمهوری اسلامی می‌خواهند.

این جنبه بر اشکال مبارزه مسالمت‌آمیز تاکید دارد و به شیوه مقاومت و نافرمانی مدنی عمل می‌کند. این جنبه، با شعار رفراوندوم برای تغییر قانون اساسی و تعیین نوع حکومت و جلب حمایت بین‌المللی از این سیاست، می‌خواهد که وسیع‌ترین نیروی توده‌ای را در برابر جمهوری اسلامی متحد کند.

۷- ما در جنبه بین‌المللی مخالفت با

اکثریت عظیم مردم این حکومت را نمی‌خواهند و آن را پس می‌زنند؛ روند گسست در معادله حاکمیت، مردم به فرجام رسیده و حکومت، از مشروعیت افتاده است. اما آنجا که با امر جایگزینی و شیوه تحقق جابجایی قدرت ارتباط می‌گیرد، شعور عام جامعه هنوز در معرض انتخاب و زیر تاثیر القانات سیاسی متفاوت و متاثر قرار دارد. شعور دموکراتیک جامعه اما بر عکس، ولو در حالت بسی‌سازمانی، می‌رود که در کانون اپوزیسیون جمهوریخواه، دمکرات و لائیک جمهوری اسلامی مستمرکز شده؛ با درکی به مراتب ژرفتر از اوایل دهه هفتاد شمسی و با کمیتی بسیار فراتر از مقطع پیش از دوم خرداد.

اشتراک در دیدگاهها و مواضع دمکرات‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی هیجگاه تا بدین حد نبوده است. گر چه اراده برای اتحاد در بین آنها همچنان فاصله زیادی با اقتضای سیاسی روز دارد.

۶- جنبش‌های اجتماعی و تحركات مردمی مدام گسترش می‌یابند.

- جنبش دانشجویی دوره استقلال‌یابی از قدرت را گذر کرده و اینک به یک جنبش نیرومند نقد قدرت فرا روئیده است. جوانی و رادیکال بودن آن جنبش همراه با گستردگی جغرافیایی آن، بر زمینه پتانسیل اعتراضی وسیع در جوانان کشوری با جمعیت سنی جوان، تهدیدی جدی علیه نظام حاکم و امیدی بزرگ برای جنبش تحول‌طلبانه کشور ما است.

- گسترش مقاومت زنان و به ویژه دختران جوان در برابر تحمیلات ارتجاعی حکومت، به حرکت زنان که یک رکن اصلی در جنبش تحول‌طلبانه و دموکراتیک است، ابعاد تازه‌ای داده است.

- بر کمیت اعتراضات صنفی کارگری و توده‌های زحمتکش افزوده می‌شود. در بخش‌های پیشرو کارگری و به ویژه بخش کلیدی این طبقه یعنی کارگران نفت، نشانه‌هایی از تحركات سیاسی به چشم می‌خورد.

- نارضایتی وسیع در استادان دانشگاه‌ها و آموزگاران در حال تکامل و حرکات فراگیر است.

- روحیه ایستادگی و اعتراض در میان روشنفکران و هنرمندان رو به اعتلا دارد.

- جنبش‌های ملی در مناطق مختلف کشور از

نگاه ما به اوضاع سیاسی کنور

۱- با تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی، بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از عمل‌کرد این حکومت، جامعه ایران را در آستانه از هم گسیختگی قرار داده است. راه غلبه بر این بحران‌ها و بازسازی دموکراتیک جامعه، برکناری جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک، لائیک و فدرال در کشور است.

۲- جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد، دیگر به گذشته تعلق دارد. این جنبش در آشکار کردن ضدت ولایت فقیه با جمهوری و دموکراسی و برکناندن این چالش به سطح ملی محدود ماند و همانجا هم پایان یافت. اکنون زمینه تکوین جنبش فراهم آمده که در بیرون از حکومت و علیه حکومت با هدف استقرار دموکراسی و لائیسیت بجای جمهوری اسلامی رو به شکوفایی دارد. این حرکت نوین، خصلت ال‌ترناتیو حکومتی را دارا است و بدیل حکومت دین‌سالار است.

۳- محافظه کاران و نهادهای وابسته به ولایت که سیمای واقعی جمهوری اسلامی ایران را به نمایش می‌گذارند، از نظر پایگاه اجتماعی در ضعیف‌ترین وضعیت خود طی حیات این نظام قرار دارند و در موقعیت شکننده و آسیب‌پذیری بسر می‌برند. این جریان حکومتی که باند‌های ثروت و قدرت چانمایه آن را تشکیل می‌دهند، در عین جان سختی برای حفظ قدرت سیاسی فاقد چشم‌انداز برای برون‌رفت از بن‌بست است. سیاست این جریان، فشار علیه مخالفان است و این در حالی است که کارآیی چنین سیاستی، هم به دلیل هراس محافظه کاران از انفجار خشم عمومی علیه حکومت و هم عامل فشارها و تهدیدات خارجی، محدود است.

۴- از جنبش دوم خرداد، مولفه برون حکومتی این جنبش طی روندی چند ساله و بر بستر آزمون و تجربه، از خاتمی و اصلاح‌طلبان سرخورده و ناامید شد و راه جدایی از آنها را در پیش گرفت. این روند، در دو مقطع دور دوم ریاست جمهوری و دور دوم شوراهای تبارز آشکار سیاسی یافت. در مولفه حکومتی این جنبش، بخش محافظه کار آن به خاطر علایق و وفاداری‌اش به حفظ نظام اسلامی در سرانجام تمکین به ولایت فقیه پیش می‌رود و بخش رادیکال آن زیر فشار دافعه در سمت خروج از حکومت طی مسیر می‌کند. آینده سیاسی این نیرو مشروط به تعیین تکلیف آن با حکومت و اندیشه دین‌سالار شده است.

نیروهایی که در جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد متحد یا همسو شدند، اکنون در مسیر تجزیه به نفع یکی از دو جنبه تحول و ضد تحول قرار گرفته‌اند.

۵- تا آنجا که به رابطه مردم و حکومت بر

استراتژی هژمونی طلبانه ایالات متحده آمریکا که در وجود دولت بوش خصلت نظامی‌گرانه و تجاوز طلبانه به خود گرفته است، قرار داریم. ما از یک جهان متعادل که شرط اولیه توسعه سالم کشور ما در جهان هسته است، دفاع می‌کنیم.

۸- ما بر ضد تعرض نظامی احتمالی دولت آمریکا به ایران هستیم. مخالفت ما با چنین تعرض احتمالی، در هر حال از موضع مخالفت با جمهوری اسلامی و از جایگاه ال‌ترناتیو آن خواهد بود. ما وظیفه مقدم برای خنثی کردن خطر جنگ را همانا فراخواندن طرفین به مذاکره علنی و مستقیم و مخالفت مستمر با سیاست‌های غیر صلح‌آمیز و مغایر با عرف‌های بین‌المللی هر دو طرف می‌دانیم. به این منظور:

الف - ما خواهان جایگزینی امریت آمریکا در منطقه توسط عاملیت سازمان ملل متحد در منطقه هستیم.

ب - ما بر سیاست همیشگی خود مبنی بر ضرورت برقراری مناسبات عادی دیپلماتیک بین ایران و آمریکا پای می‌فشاریم و از مذاکره مستقیم و علنی بین دو دولت حمایت می‌کنیم.

ج - ما خواستار امضای بیدرنگ پروتکل الحاقی به پیمان منع تولید هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی هستیم و از بازرسی غیر محدود زمانی و مکانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از برنامه‌های هسته‌ای ایران پشتیبانی می‌کنیم. ما توقف فوری برنامه‌های جمهوری اسلامی برای رسیدن به تسلیح هسته‌ای را بهیچ وجه مشروط به خلع سلاح دولت‌های منطقه‌ای و جهانی دارنده این سلاح نمی‌کنیم، اگرچه در این خواست عموم بشری و ملی خود همچنان پیکر هستیم.

د - ما با تقویت بنیادگرایی اسلامی و تروریسم جمهوری اسلامی مخالفیم.

۹- ما ضمن مخالفت با آن سیاست‌های خارجی که از اعمال فشار به جمهوری اسلامی قصد سازش و معامله با این رژیم علیه دموکراسی در ایران و مغایر با منافع کشور ما را دارند، تنها از آن نوع کارزار جهانی علیه جمهوری اسلامی استقبال می‌کنیم که در راستای منافع مردم ایران موثر بیفتد از اینرو:

الف - از همه نهادهای بین‌المللی و همه دول می‌خواهیم که از مبارزات مردم ایران برای تحقق دموکراسی از طریق تغییر حکومت و استقرار جمهوری و دموکراسی حمایت کنند.

ب - از تمام نهادهای بین‌المللی و همه دول می‌خواهیم که رعایت حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را مبنایی پایدار در مناسبات خود با جمهوری اسلامی قرار دهند.

ج - ما با هر گونه حمایتی که از سطح سیاسی فراتر برود و خصلت اپوزیسیون‌سازی و یا رهبر تراشی از سوی دولت‌های خارجی را به خود بگیرد، مخالفیم. «مخبر کمیسیون» بهزاد کریمی

کنگره فوق‌العاده

علیه هر گونه سلطه داخلی و مداخله خارجی

در جمهوری خواهی ایران

مهرزاد وطن‌آبادی

مستبد و غیردمکراتیک نظیر رژیم پهلوی مجبور به دفاع از خود بود. اما بعد از فروپاشی شوروی و از رده خارج شدن طرح کمربند سبز، دولتمردان آمریکا و بویژه محافظه‌کاران نو چنین تحلیلی را ارائه که پشتیبانی آمریکا از حکومت‌های مستبد سبب شده بود تا مردم این کشورها، آمریکا را مسئول و بانی وضعیت خود بدانند. بنابر این رشد احساسات ضدآمریکایی از ناحیه چنین سیاستی بوده است. البته در سیاست مزبور، دو رویکرد صورت می‌گیرد، بعنوان نمونه در مورد کشورهای استبدادی و دیکتاتوری که برای ادامه سلطه مستبدانه خود به آمریکا نیازمندند، همچون عربستان، مصر، اردن، با اعمال اندک فشار سیاسی زمینه را برای تبدیل تدریجی آنها به شیوه‌های دمکراتیک آمریکاپسند فراهم می‌سازند اما در رویکرد به کشورهایایی که دوست آمریکا نیستند همچون ایران، لیبی، سوریه در صدد تغییر ساختار سیاسی آنان به اشکال گوناگون و بطور سریع بر می‌آید و از قبل نیز به گذر ششم یک ائتلافی چایگزین مورد پسند خود می‌پردازد. بنابر این در هر دو رویکرد متفاوت نتیجه یکسان است و آن استقرار حاکمیت جدید و نه دمکراتیک می‌باشد. ضمناً بازتاب سیاست خارجی نوین نه تنها جو ضدآمریکایی را کاهش نمی‌دهد بلکه دامنه آنرا افزایش نیز می‌دهد.

دقت در واکنش مردم افغانستان و عراق خود گویای رشد گرایش‌های رادیکالیستی و احساسات ضدآمریکایی است.

۲- نقش سازمان در مقابل نظریه مداخله خارجی آمریکا در ایران

بسیار عسوان داشت که دولتمردان نو محافظه کار واشنگتن و نظامیان پنتاگون در مورد ایران موضع‌گیری‌هایی ضد و تقیض ابراز داشته‌اند و تا کنون از ارائه موضع‌گیری صریح و شفاف خودداری ورزیده‌اند. اما نمی‌توان کتمان کرد که عملکرد دستگاه سیاست خارجی آمریکا جهت تغییر ساختار سیاسی ایران سه عرصه کلی اپوزیسیون، مردم و حاکمیت را مد نظر قرار داده است و در هر سه عرصه، گونه‌های متفاوتی از اظهارات را ابراز داشته‌اند که هر یک ناظر بر مخاطب خاص خود ابراز شده و می‌شود. در زمینه اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی، آمریکا هر سه بخش عمده برانداز، جمهوری خواه و غیرفعال را مد نظر قرار داده است و برابر هر سه بخش، سیاست متفاوتی را برگزیده است. البته در لحظه سیاسی کنونی بر روی بخش نظامی و براندازی یا سازمان مجاهدین خلق موقتاً سرمایه‌گذاری نمی‌کند و به علت مذاکرات ژنو فعالان آنان را از عرصه شطرنج سیاست ایران دور نگهداشته است. بخش دیگر براندازی یا جریان‌های سلطنت طلب نیز در عین حالی که چندان نظر آمریکا را جلب نکرده است، اما در تیررس نگاه قرار دارد. علت چنین جایگاهی ناشی از آن است که این جریان‌ها به لحاظ پیشینه تاریخی به آمریکا و انگلیس، هواداری از نظریه مداخله خارجی در تغییر قدرت می‌کنند و تمایل بسیار زیادی به مداخل مستقیم و حمله نظامی آمریکا به ایران دارند. سلطنت‌طلبان، اعم از پهلوی‌چی‌ها تا لایدهای فاشیست آن هیچ ابایی ندارند که کل ایران را به آمریکای انگلیس واگذار کنند تا شاید سهم خود را در قدرت باز یابند. پرسشی در این رابطه به میان می‌آید که آیا جریان‌ها برانداز و معتقد به نظریه مداخله آمریکا از چه پتانسیلی در داخل کشور برخوردارند؟ باید ابراز دارم اعم از مجاهدین و سلطنت‌طلبان نه در میان نخبگان سیاسی داخل کشور دارای پایگاه هستند و نه در ساخت اجتماعی حامل چنان عقبه اجتماعی یا پایگاه توده‌ای هستند تا این تضمین را به آمریکا دهند که شیوه‌سازی حکومت دینی مجاهدین خلق و یا ظاهرشاه سازی پهلوی از حمایت توده‌ای برخوردار است.

واقعیت حاکی از آن است که آمریکا عمدتاً نگاه خود را متوجه حاکمیت و بخش غیرفعال اپوزیسیون قانونی داخلی و خارج از کشور ادامه در صفحه ۹

شرایط در برهه کنونی، چه از حیث ملی و منطقه‌ای و چه از نظر جهانی با وضعیت دشوار و پیچیده‌ای روبه‌رو شده است. تحولات و دگرسی‌های آشکار در منطقه بویژه کشورهای همسایه، منافع ملی ما را در سطح کلان به چالش فرا خوانده و شرایطی را تامل‌برانگیزی را پیش روی ما قرار داده است. شرایطی که از تحولات نگران‌کننده منطقه آغاز شده و با زرفشی سریع می‌رود تا وضعیت کنونی ایران را نیز از خود متأثر نماید. در این شرایط نگران کننده، خوشبختانه سازمان فدائیان خلق ایران - (اکثریت) خواست اعضا مبنی بر برگزاری کنگره فوق‌العاده را عملی نموده است. کنگره‌ای که بر خلاف کنگره ششم و هفتم باید رسالت تاریخی خود را به طور شایسته نشان دهد. گرچه کنگره ششم بهنگام برگزار نشد و زمان را به بعد از انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی موکول نکرد، تا توانسته باشد ارزیابی واقعی و عینی از رویدادهای جامعه ایران، توازن قوا در ساختار قدرت را در قالب سندی ماندگار تدوین نماید. اما کنگره هفتم نیز متأسفانه بدانجا رسید که نتواند سند مصوب نهایی را ارائه کند و از انجام مسئولیت خطیر خود بشابه عالی‌ترین ارگان تصمیم و تصمیم‌ساز باز ماند. چنین بازماندگی باعث شد در خلاصه برنامه نظری و سیاسی جدی از ارزیابی روزمره از رویدادها، ریزش نیرو در سازمان آغاز شود، آنهم در شرایطی که سازمان امکان جذب نیروی جدید را نداشت. گریز کادرهای قدیمی و اعضاء فعال سازمانی بدانجا رسیده که واژگانی چون غیرعضو متحد شکلی از فعالیت برون‌سازمانی را ایجاد کرده است.

باید تصریح کنم که تا مقطع برگزاری کنگره پنجم، سازمان ما بعنوان جزئی اساسی از جنبش چپ ایران هنوز از شوک ناشی از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم عملاً موجود به رهبری شوروی خارج نشده بود. اما کنگره ششم خود را در اوج اعتدالی انقلاب انفورماتیک و روند جهانی شدن برگزار کرد و در کنگره هفتم حوادث یازده سپتامبر را رویاروی خود یافت. اگر چه سازمان نتوانست به کنگره تحول بزرگ در غرب پی ببرد، اما باید رویکرد جدید سیاست خارجی نوین آمریکا که به یکجانبه‌نگری معروف شده است و معنای واقعی آن چیزی جز زیر پا گذاشتن منشور سازمان ملل متحد نیست را باز شناسد. رویکردی که خود را محافظه‌کاران نوین می‌نامند و فعالیت خود را از چپ آغاز کرده‌اند و برخی از آنها خود را هنوز دمکرات می‌دانند و غالب آنان یهودی هستند و بر آن شده‌اند تا کشورهای را که علیه منافع آمریکا عمل می‌کنند و بنظرشان سرشت ضددمکراتیک نیز دارند را با کاربرد حمله نظامی از قدرت بسزیر کنند.

بنابراین رفقای شرکت‌کننده باید با شناخت دقیق و علمی از رویکرد سیاست خارجی نوین و اهداف محافظه‌کاری نو آمریکا، به کنگره فوق‌العاده وارد شوند تا با دوری از خوشبینی فلاکت‌بار، آمریکا‌گرایی افراطی و پرهیز از نقطه مقابل آن یا هیستری ضدآمریکایی، موضعی اتخاذ نمایند تا به موازات حفظ و تأمین منافع کلان کشورمان نهال تازه روئیده جمهوری خواهی را حراست نموده باشند.

۱- هدف آمریکا، استقرار حکومت جدید است

اما نه حکومت دمکراتیک...
توجیه اصلی آمریکا در پیشبرد سیاست خارجی نوین یا رویکرد یکجانبه‌نگری مقابله با تروریسم، برانداختن رژیم‌های دیکتاتوری و دمکراتیزه کردن روند جوامع استبدادی است. آنان در صدد تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه به سود جریان‌هایی هستند که در خدمت منافع آمریکا باشند. سیاست اعمالی آمریکا نشان داده است در جهت عملی کردن سیاست مورد نظر از جنگ و تجاوزگری تا نقض حاکمیت ملی و دخالت در امور جوامع کوتاهی نمی‌ورزد. البته چنین سیاستی علیرغم تمام داعیه‌هایش بطور گریزناپذیری ضد خود را ایجاد می‌کند. باید خاطر نشان کرد که آمریکا در دوران جنگ سرد برای تأمین و حفظ منافع بیشتر در خاورمیانه از کشورهای دارای حکومت‌های

اجتماعی رادیکال هستیم که عنصر قهر را نفی نسایید و بر اشکال مبارزه مسالمت‌آمیز، نافرمانی و مقاومت مدنی و بسیج توده‌ای در مبارزه علیه رژیم حاکم متکی شود. ما مدافع دامنه گرفتن جنبش‌های اجتماعی در میان نیروهای محرک تحولات سیاسی - اجتماعی یعنی کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، آموزگاران و استادان، نیروهای جنبش‌های خلقی تحت ستم ملی در کشور و اقشار متوسط جامعه هستیم.

۶- ما برای شکل‌گیری جبهه‌های با هدف استقرار نظامی مبتنی بر دمکراسی و لائیسیته در ایران بجای جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم که گسترده‌ترین طیف جمهوری خواهان دمکرات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی و نیروهای جمهوری خواه و دموکراتی را که در سال‌های اخیر بر بستر چالش بین ولایت فقیه و اصلاح‌طلبان دینی شکل گرفته است، در بر بگیرد.

این جبهه بر جنبش‌های اجتماعی و نیروی مردم متکی است و در برگیرنده همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی، فعالین فکری، سیاسی و فرهنگی منفرد و نمایندگان جنبش‌های اجتماعی خواهد بود که نظامی متکی بر دمکراسی، لائیسیته و جمهوریت را جایگزین جمهوری اسلامی می‌خواهند.

این جبهه بر اشکال مبارزه مسالمت‌آمیز تاکید دارد و به شیوه مقاومت و نافرمانی مدنی عمل می‌کند. این جبهه، با شعارهای فریاد، تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی و جلب حمایت بین‌المللی از این سیاست‌ها، می‌خواهد که وسیع‌ترین نیروی توده‌ای را در برابر جمهوری اسلامی متحد کند.

۷- (....)

۸- (....)

ما در عرصه بین‌المللی خواهان تشدید فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق بشر و متوقف کردن سرکوب در کشور هستیم. ما از همه دولت‌ها می‌خواهیم که در مناسبات خود با جمهوری اسلامی، رعایت حقوق بشر از سوی این حکومت را شرط اکید در برقراری و نیز حد مناسبات با آن قرار دهند. ما از پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک همه سازمان‌ها، احزاب، نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و اتحادیه اروپا از مبارزه مردم ایران برای استقرار یک نظام دمکراتیک استقبال می‌کنیم و از همه نهادهای بین‌المللی و همه دولت‌ها می‌خواهیم تا از سیاست نیروی دمکراسی در ایران مبنی بر فراندوم، تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی و تعیین حکومت بر پایه قانون اساسی جدید حمایت کنند.

ما با هر گونه اقدامی که خصلت تعیین نظام جانشن و نیروی آلت‌رانیو و رهبر تراشی از سوی دولت‌های خارجی را به خود بگیرد، مخالفیم و این امور را منحصرأ حق و وظیفه مردم ایران می‌دانیم.

ما با حمله نظامی به کشور مخالفیم. جلوگیری از حمله نظامی به کشور از کانال مبارزه قاطع ما با دستگاه ولایت فقیه و مخالفت با سیاست‌های ضدملی و ماجراجویانه جمهوری اسلامی می‌گذرد؛ و در عین حال در خدمت هدف سیاسی ما یعنی پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و استقرار حکومتی دمکراتیک در کشور است. به این منظور:

الف - ما خواهان متوقف شدن برنامه‌های جمهوری اسلامی در دسترس به سلاح‌های هسته‌ای هستیم و از بازرسی غیرمحدود زمانی و مکانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از برنامه‌های هسته‌ای ایران پشتیبانی می‌کنیم. ما توقف بیدرتنگ برنامه‌های جمهوری اسلامی برای رسیدن به تسلیح هسته‌ای را به هیچوجه مشروط به خلع سلاح دولت‌های منطقه‌ای و جهانی ندانند این سلاح‌ها نمی‌کنیم، اگر چه در این خواست عموم بشری و ملی خود همچنان پیگیر هستیم.

ب - ما با تقویت بنیادگرایان اسلامی و دست‌افزار آنان تروریسم از سوی جمهوری اسلامی، قاطعانه مخالفیم و علیه مداخلات این حکومت در امور دیگر کشورها هستیم.

پیشنهادهایی بر متن باز نویسی شده پیش نویس سند سیاسی

برای استقرار یک جمهوری دمکراتیک و فدرال به جای جمهوری اسلامی

فریدون احمدی - ماشالله سلیمی

جمهوری اسلامی فراهم آورده است.

۵- تا آنجا که به رابطه مردم و حکومت بر می‌گردد، اکثریت عظیم مردم این حکومت را نمی‌خواهند و آن را پس می‌زنند. (....) اما آنجا که موضوع با امر جایگزینی و شیوه تحقق جایجایی قدرت ارتباط می‌گیرد، شعور عام جامعه هنوز در معرض انتخاب و زیر تاثیر القانات سیاسی متفاوت و متناظر قرار دارد. شعور دمکراتیک جامعه اما برعکس، ولو در حالت بی‌سازمانی، می‌رود که در کانون اپوزیسیون جمهوری خواه، دمکرات و لائیک جمهوری اسلامی متمرکز شود؛ با درکی به مراتب ژرفتر از اوایل دهه هفتاد شمسی و با کمیتی بسیار فراتر از مقطع پیش از دوم خرداد. اشکال در دیدگاه‌ها و مواضع دمکرات‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی هیچگاه تا بدین حد نبوده است. گر چه اراده برای اتحاد در بین آنها همچنان فاصله زیادی با اقتضای سیاسی روز دارد.

۶- جنبش‌های اجتماعی و تحركات مردمی مدام گسترش می‌یابند.

۷- جنبش دانشجویی دوره استقلال‌یابی از قدرت را گذر کرده و اینک به یک جنبش نیرومند نقد قدرت فرا روئیده است. جوانی و رادیکال بودن آن جنبش همراه با گستردگی جغرافیایی آن، بر زمینه پتانسیل اعتراضی وسیع در جوانان کشوری با جمعیت سنی جوان، تهدیدی جدی علیه نظام حاکم و امیدی بزرگ برای جنبش تحول‌طلبانه کشور ما است.

۸- گسترش مقاومت زنان و به ویژه دختران جوان در برابر تحمیلات ارتجاعی حکومت، به حرکت زنان که یک رکن اصلی در جنبش تحول‌طلبانه و دمکراتیک است، ابعاد تازه‌ای داده است.

۹- بر کمیت اعتراضات صنفی کارگری و توده‌های زحمتکش افزوده می‌شود. در بخش‌های پیشرو کارگری و به ویژه بخش کلیدی این طبقه یعنی کارگران نفت، نشانه‌هایی از تحولات سیاسی به چشم می‌خورد.

۱۰- ناراضی‌های وسیع در استادان دانشگاه‌ها و آموزگاران در حال تکامل و حرکات فراگیر است.

۱۱- روحیه ایستادگی و اعتراض در میان روشنفکران و هنرمندان رو به اعتلا دارد.

۱۲- جنبش‌های ملی در مناطق مختلف کشور از توان جدیدی در مبارزه برای حقوق دمکراتیک و ملی خود برخوردار می‌شوند. در میان این جنبش‌ها در مواردی گرایش‌های صنفی حامل ناسیونالیسم افراطی نیز دیده می‌شود.

۱۳- در میان نیروهای نظامی و انتظامی رژیم نشانه‌های همدردی و همبستگی با جنبش‌های اعتراضی مردم قابل تشخیص است. جنبش مدنی هم در شکل مقاومت و هم در سیاسی نافرمانی در عرض و عمق پیش می‌رود.

۱۴- روندها و چشم‌اندازهای سیاسی در کشور ما اینک با تحولات بین‌المللی سخت‌گیر خورده و در سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت بوش، ایران جایگاه حساسی یافته است. جمهوری اسلامی اکنون از نظر بین‌المللی در موقعیتی متزلزل و تحت فشار سنگین قرار دارد. (....)

مشئ سیاسی ما

۱- هدف راهبردی ما استقرار جمهوری دمکراتیک، لائیک و فدرال در ایران است که شرط ضرور برای تحقق آن، برکناری جمهوری اسلامی بشابه مانع اصلی برقراری دمکراسی در کشور است. مشئ و راه کارهای سیاسی ما با این هدف راهبردی تبیین می‌شود و در خدمت آن قرار دارد.

۲- (....)

۳- مبارزه ما برای استقرار جمهوری دمکراتیک و لائیک متوجه هر جریانی از حکومت خواهد بود که به هر شکل می‌خواهد حکومت دینی حفظ شود و از جمله بر توهم دمکراسی دینی پای می‌فشارد.

۴- ما در جبهه ۲ خرداد دین‌باورانی را که در پی خواست‌های مردم و مدافع منافع ملی هستند، به موضع نقد و نفی ولایت فقیه و پیوستن به جنبش دمکراسی و لائیسیته در ایران فرا می‌خوانیم.

۵- ما خواهان آن نوع تحول سیاسی -

توضیح: در آغاز کار کمیسیون تدوین سند سیاسی برای کنگره فوق‌العاده، سند کاملی از سوی ما به کمیسیون ارائه شد. پس از یک بار بازنویسی پیش‌نویس سند ارائه‌شده توسط رفیق محرر کمیسیون بر مبنای پیشنهادهای دریافت‌شده، کوشش شد که روی متن مزبور پیشنهادهای اصلاحی تداوم و تمرکز یابد. برای روشن‌بودن روند و نحوه پیشرفت بحث‌ها، مناسب دیدیم متن و پیشنهادهای ارائه‌شده در این مرحله از کار، برای چاپ در نشریه ارائه شود.

موارد حذف‌شده: (....)

موارد افزوده‌شده: با حروف سیاه نشانه جایجایی جمله‌ای: (++++)

نکات ما به اوضاع سیاسی کشور

۱- (++++) بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از حاکمیت جمهوری اسلامی، جامعه ایران را در آستانه از هم گسیختگی قرار داده است. راه غلبه بر این بحران‌ها و بازسازی دمکراتیک جامعه، برکناری جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دمکراتیک، لائیک و فدرال در کشور است.

۲- ادامه حیات جمهوری اسلامی کشور را پیش با بحران در همه عرصه‌های حیات اجتماعی، با کسرتش فقر، فاصله طبقاتی، فساد، ناهنجاری‌های اجتماعی و عقب‌ماندگی، با تخریب بیش از پیش اقتصاد کشور و غارت لجام‌کسیخته ثروت‌های ملی، با تداوم نقض همه‌جانبه حقوق بشر و آزادی‌های فردی و اجتماعی، با تاسیر ترشدن چشم‌انداز امیدبخش برای زنان، جوانان و اقشار تهیدست جامعه و استمرار محرومیت کشور از تاثیرگذاری مؤثر روشنفکران، نخبگان فکری، فرهنگی، تخصصی و مخالفین و منتقدین سیاسی بر حیات جامعه و با تخریب بیش از پیش محیط زیست همراه خواهد کرد.

۳- جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد، دیگر به گذشته تعلق دارد. این جنبش در آشکارکردن ضدیت ولایت فقیه با جمهوریت و دمکراسی برای توده‌های مردم و برکناندن این چالش به سطح ملی محدود ماند و همانجا هم پایان یافت. اکنون زمینه تکوین جنبشی فراهم آمده که در بیرون از حکومت و علیه حکومت با هدف استقرار نظامی مبتنی بر دمکراسی و لائیسیته بجای جمهوری اسلامی رو به شکوفایی دارد. این حرکت نوین، خصلت آلت‌رانیو حکومتی را دارا است. (....)

۴- محافظه‌کاران و نهادهای وابسته به ولایت که سیمای واقعی جمهوری اسلامی ایران را به نمایش می‌گذارند، از نظر پایگاه اجتماعی در ضعیف‌ترین وضعیت خود طی حیات این نظام قرار دارند و در موقعیت شکننده و آسیب‌پذیری بسر می‌برند (....) و مورد نفرت اکثریت بالایی از مردم ایران قرار دارند.

۵- سیاست این جریان، اعمال فشار و سرکوب مخالفان است و این در حالی است که کارایی چنین سیاستی، هم به دلیل هراس محافظه‌کاران از انفعال خشم عمومی علیه حکومت و هم عامل فشارها و تهدیدات خارجی، محدود است.

۶- نیروی اجتماعی مدافع جنبش دوم خرداد، (++++) طی روندی چند ساله و بر بستر آزمون و تجربه، از خاتمی و اصلاح‌طلبان سرخورده و ناامید شد و راه جدایی از آنها را در پیش گرفت. این روند، در دو مقطع دور دوم ریاست جمهوری و دور دوم شوراهای تبارز آشکار سیاسی یافت. برنامه اصلاح‌طلبان ۲ خرداد و اصلاح‌طلبان حکومتی، معطلوب به تحول درونی جمهوری اسلامی و اصلاح و تغییر در چارچوب حفظ نظام، با شکست مواجه شد. (....) روند تجزیه جبهه دوم خرداد گسترش یافته و در حال تعمیق است. بخش‌هایی از آن همچون بخش‌هایی از جنبش دانشجویی به نفی چارچوب جمهوری اسلامی و پذیرش جمهوری لائیک و تمام عیار انتخابی رسیده‌اند و یا خواهند رسید. بخش دیگر با پافشاری بر اصل حفظ نظام به هر قیمت، عملکرد و خصلت واپسگرایانه یافته و به تقابل با جنبش تحول‌طلبانه مردم خواهند پرداخت.

۷- جمهوری اسلامی در کلیت خود هم در داخل کشور وهم از نظر جهانی و در مناسبات بین‌المللی در انزوای کامل قرار دارد. این امر شرایط مساعدی را برای رهایی مردم و کشور ایران از چنگال حاکمیت

سند سیاسی پیشنهادی به کنگره فوق‌العاده

ائتلاف فراگیر دمکراسی برای ایران

همبستگی وسیع سیاسی برای سرنگونی رژیم اسلامی

کیانوش توکلی

کاربایه نظری و سیاسی

در رابطه با ارائه خط مشی سیاسی سعی شده است که بر مبنای واقع‌گرایی سیاسی حرکت شود؛ نه اینکه آرزوهایمان را طرح کنیم. بنابراین ما سیاستی را درست می‌دانیم که ممکن و مطلوب باشد. از این رو لازم است که کارپایه نظری - سیاسی را به شکل تازها و نتیجه‌گیری‌های سیاسی ارائه کرد؛ تا خواننده درک روشن‌تری نسبت به دیدگاه‌هایمان داشته باشد.

از سوی دیگر خط‌مشی سیاسی بایستی اولاً بصورت یک مجموعه بهم پیوسته ارائه گردد و ثانیاً وضعیت سیاسی کنونی ایران و منطقه و چشم‌اندازهای سیاسی اقتصادی آینده را در حد امکان ترسیم کند. ثالثاً جایگاه واقعی آن را در جهان و روندهای حاکم بر آن را روشن سازد. چراکه در شرایط متلاطم کنونی و در دوران چنین تغییرات سریع ژئواستراتژیک که در حال وقوع می‌باشد، هیچ جریان سیاسی، بدون در نظر داشت این واقعیات جهانی و قوانین تازه بازی که از دل آنها بر می‌آیند، قادر به ارائه برنامه‌های سازگار با دورانی که در آن بسر می‌بریم و دفاع از منافع مردم ایران، در نظم نوین جهانی نخواهد بود.

جهان و روندهای کلان

- جهانی‌شدن که برخی آن را امپراتوری جهانی می‌نامند، مرحله نوینی از تحول جغرافیایی و تاریخی سرمایه‌داری است. گلوبالیزاسیون تمدن مدرن را جهانی کرده است. در این عصر؛ هر کشوری متأثر از دو نوع ارتباطات با دنیای خارج است، یکی روابط دولتها و دیگری روابط بین مردم، جوامع مدنی و شرکت‌های چندملیتی که همه این‌ها بر دو پایه اقتصاد و فرهنگ شکل گرفته است.

- جهان در حال پوست‌اندازی است و ما با دنیایی مواجه هستیم که در آن نقش سنتی دولت - ملت هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی که پایه اصلی اقتصاد را بنا نهاده‌اند، دنیا را یک پارچه می‌بینند و نوع جدیدی از سیاست را ارائه کرده‌اند. بنابراین معنی و مفهوم استقلال دگرگون شده است و درک امروزین از استقلال کشورها چندان سختی با درک سنتی از مقوله استقلال ندارد. - برطبق نظر کارشناسان اقتصادی، برای کشورهای در حال توسعه؛ راهی بجز پیوستن به روندهای گلوبال نیست؛ اما در این روند بایستی آگاهانه و با استراتژی سنجیده گام بر داشت. ما از دمکراتیزه و عادلانه‌شدن قوانین سازمان تجارت و بانک جهانی جانبداری می‌کنیم.

- جهان درست در میانه یک تحول اساسی قرار گرفته است. امروز بیش از هر زمان دیگر بویژه در منطقه خاورمیانه، گلوبالیزاسیون با سکولاریسم پیوند خورده است. آمریکا که در رأس جهانی‌شدن قرار دارد، دشمن اصلی خود را بینادگرایی اسلامی و حکومت‌های حامی تروریسم نامیده است و قصد تغییر نقشه سیاسی منطقه خاورمیانه دارد که این استراتژی جدید آمریکا فرصت تاریخی بی‌نظیری در اختیار نیروهای دمکرات و سکولار منطقه به ویژه کشور ما قرار داده است.

- از نظر ما، منافع ملی ایران در این مقطع؛ با بخشی از اهداف آمریکا همسویی پیدا کرده است. بدون تردید بایستی از این فرصت تاریخی بسود دمکراسی در ایران بهره‌برداری نمود.

- در کشورهای در حال توسعه نظام لیبرال دمکراسی همخوانی بیشتری با روندهای گلوبال دارد. حتی کشورهای اروپایی که در آن دولت رفاه حاکم است، از سال ۱۹۸۰ بدین سو در سیاست‌های اقتصادی خود تجدیدنظر اساسی کرده‌اند. این گونه کشورها برای حفظ دولت رفاه در واقع ثروت ناشی از دوره توسعه‌یافتگی را توزیع مجدد می‌کنند. دخالت دولت تنها در عرصه توزیع مجدد درآمد و ثروت صورت می‌گیرد و اکنون در عرصه اقتصاد آزاد و رقابتی فرق چندانی مابین دولت‌های سوسیال دمکرات و نتولیرال نیست.

- ۱۱ سپتامبر خیلی از مسایل را تغییر داد و برخی برنامه را جلو انداخت؛ پروژه نظم نوین جهانی دوباره در دستور قرار گرفت و این طور عنوان شد که امنیت ملی آمریکا حکم می‌کند که جغرافیای سیاسی خاورمیانه، بسود جریان‌های دست کم با ظاهر سکولار - دمکرات و به زبان بنیادگرایی اسلامی تغییر یابد، روشن است که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به خوبی از محدودیت‌های دمکراسی در سرزمین‌هایی که هنوز در آن‌ها اسلام چیرگی دارد اطلاع دارند، کشوری مثل عراق یا عربستان را نمی‌توان با آلمان و ژاپن یکی گرفت که در آن‌ها فشار و

کسک آمریکا در راستای دمکراتیزاسیون تعیین کننده بود.

کاملاً روشن است که آمریکا علاوه بر مبارزه با تروریسم انگیزه‌های دیگری از جمله کنترل خلیج فارس و منابع سوختی آن و همچنین تحکیم سلطه آمریکا بر جهان در سر می‌پروراند؛ همچنین آمریکا برای یک خاورمیانه یکپارچه که به لحاظ اقتصادی بتواند نقش یک بازار هماهنگی را داشته باشد؛ طرح‌ها و برنامه‌هایی را ارائه کرده است که مستلزم این است که رژیم‌های منطقه سمت‌گیری لیبرال دمکراتیک بگیرند.

- آمریکا که در دوران جنگ سرد، خط سبز بینادگرایی را لازم داشت تا جلوی پیش‌روی شوروی را بگیرد.

- در دوران جنگ سرد هر دو اردوگاه از اسلام سیاسی بسود منافع استراتژیک خود سود می‌بردند و اردوگاه شرق از چپ اسلامی و رادیکال و غرب از جریانات راست اسلامی حمایت می‌کرد.

- در دوران جنگ سرد، سیاست غرب و آمریکا در خاورمیانه بر اساس «امنیت در مقابل نفت» استوار بود که پس از ۱۱ سپتامبر، این معادله دچار بحران جدی شده است. آمریکا آشکارا در جهت تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه حرکت می‌کند.

- آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی؛ مشخصاً بعد از ۱۱ سپتامبر، علیه بینادگرایی و راست اسلامی موضع گرفته و مبارزه همه جانبه‌ای علیه آن آغاز نموده‌اند.

- استراتژی آمریکا و اروپا بر سر تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه یکی است و اختلاف بر سر چگونگی و سیاست‌های آن است. بعبارتی اختلاف اصلی بر سر «تغییر قدرت سیاسی» یا «تغییر سیاست» است.

- در رابطه با ایران، فشارهای بین‌المللی - این بار با هماهنگی آمریکا، اروپا و سازمان ملل - به تدریج، روی برگزاری یک انتخابات آزاد متمرکز می‌گردد.

- دمکراسی و اقتصاد دولتی قابل جمع نیست و یکی از دلایل اصلی استبداد در ایران، اقتصاد نفتی - دولتی است که هیچ شباهتی با دولت‌های رفاه در اروپا ندارد.

- از نظر ما حق شهروندی؛ معیار دادگری و عدالت است و تنها در صورت توسعه‌یافتگی کشور می‌توان، فقر را ریشه کن ساخت.

انقلاب، اسلام سیاسی و سکولاریسم

- انقلاب؛ کشور ما را از روند جهانی‌شدن بازداشت، هر چند مظاهر فرهنگی جهانی‌شدن، علیرغم موانع متعدد مورد استقبال وسیع جوانان ایرانی قرار گرفته است؛ ما خواهان این هستیم که کشور ما به جگه جامعه جهانی باز گردد و هرچه زودتر عضو سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول گردد تا قادر شویم هرچه زودتر کشور را با روندهای سیاسی و اقتصادی گلوبال؛ هم‌گام ساخته تا بدین طریق به توسعه‌یافتگی، دست‌یافته و فقر اقتصادی را در جامعه ایران ریشه کن کنیم.

- واقعیت این است که کشور و جامعه ایران در بن‌بست قرار گرفته است. این بن‌بست با انقلابی آغاز گردید که تحت رهبری عقب‌مانده‌ترین لایه‌های اجتماعی که نظام سکولار، اما مستبد پهلوی را برانداخت و استبداد دینی را مستقر ساخت!

این تغییر رژیم از سلطنت به جمهوری تغییری از سر اندیشه و برنامه معین و در اثر رشد و آگاهی جامعه و تغییری در جهت توسعه و پیشرفت نبود و اندیشه‌های مدرن، سکولار و حقوق بشر کمتر جایی در شعارها و اهداف انقلاب داشت. از این رو انقلاب ۲۲ بهمن از نظر ما یک خطای ملی محسوب می‌شود.

- نوآندیشی دینی که در تاریخ معاصر ایران از زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی شروع شده و تا مهدی بازرگان، علی شریعتی، مطهری، سروش، آغاچاری و غیره ادامه یافته است که علیرغم اینکه آنان همواره با بنیادگرایان اسلامی اختلاف نظر داشته‌اند ولی تجربه همه این سال‌ها نشان می‌دهد که نوآندیشان دینی؛

بنیادگرایان را به سکولارها ترجیح داده‌اند. از این رو تازمانی که آنان اعتقاد خود به جدایی دین از دولت را اعلام نکنند، نمی‌توان اعتقاد آنان به حقوق بشر و آزادی‌های مصرحه در آن را جدی گرفت.

- جمهوری اسلامی ایران محصول ۷۰ سال کار پیگیر تنوریک و سیاسی به اصطلاح روشنفکران دینی بوده است.

- اشتباه استراتژیک روشنفکران چپ و ملی در ۷۰ سال گذشته این بود که آنان علت‌العلل عقب‌ماندگی را در چهره امپریالیسم دانسته و در جهت براندازی حکومت‌های مستبد متسایل به غرب؛ اقدام نموده و در این راه اسلام سیاسی را متحد استراتژیک خود می‌پنداشته است.

- در دوران قبل از انقلاب، نیروهای چپ، دمکرات و ملی، استبداد سیاسی دوران پهلوی را برجسته‌تر از آنچه در واقعیت وجود داشت برآورد کرده و این در حالی بود که آنان چشم بر استبداد دینی حاکم بر جامعه، بسته بوده‌اند.

جدایی دین و دولت به چه معناست؟

از آنجا که درک‌های متفاوتی در خصوص جدایی دین و دولت طرح شده است لازم است برداشت خود را بطور مشخص ارائه نماییم؛ - جدایی دین و دولت پایان دین نیست.

- واژه لائیتیه و یا لائیک در رابطه با کشورهای کاتولیک که دستگاه نیرومند و سلسله مراتب کلیسای حاکم بود طرح شد در حالی که مقله سکولاریسم در کشورهای پروتستان که فاقد کلیسای مقتدر بود، رواج یافت. ما در برنامه خود همه جا از واژه سکولار استفاده می‌کنیم.

- ما اعتقاد داریم که مذهب یا هر باور الهی یا غیرالهی امری فردی است. هیچ گروهی حق بهره‌برداری در جهت دسترس، تقویت یا حفظ مقام و منصب حکومتی - سیاسی را از مذهب ندارد. و این امر باید به عنوان جرم تعریف شود و مورد تنبیهات قضایی لازم قرار بگیرد. ما همچنین با افراد و احزاب دین‌ستیز مرز روشنی داریم.

- سکولاریسم نه دین‌ستیز است و نه ضد روحانیت، بلکه ضامن فعالیت ادیان در همه عرصه‌های اجتماعی است.

- سکولاریسم جدایی دین از سیاست نیست بلکه جدایی دین از قدرت سیاسی است. - استقلال دولت نسبت به ادیان و آزادی ادیان در جامعه مدنی در شرط لازم و ملزوم سکولاریسم است.

- ما به احزابی سکولار می‌گویم که رسماً در برنامه خود جدایی دین و دولت را قید کرده باشند.

- مذهب رسمی باید از قانون اساسی آینده ایران برچیده و حذف شود.

- سکولاریزم به معنی جدایی دین و ایدئولوژی از دولت است.

ائتلاف وسیع سیاسی

نیروهای تشکیل دهنده یک ائتلاف فراگیر دمکراسی خواهی عبارتند از جمهوری خواهان سوسیالیست، دمکرات، لیبرال، طرفداران مشروطه پادشاهی، نیروهای ملی - مذهبی و آن دسته از اصلاح‌طلبانی که رسماً جدایی دین از دولت را مورد تأکید قرار داده باشند. - از نظر ما، احزاب و سازمان‌هایی در این ائتلاف می‌گنجد که به انتخابات آزاد و نظام پارلمانی بر اساس آرا مردم اعتقاد داشته و در برنامه خود؛ آنرا بطور شفاف قید کرده باشند.

بخش‌های متحول و خانواده پنج

- به اعتقاد ما ۴ جریان سیاسی (سلطنت، ملیون، اسلام سیاسی و چپ ایران) در دوره‌های معینی از تاریخ معاصر ایران دچار اشتباهات استراتژیک شده‌اند. آنان در شرایط متفاوت و به نسبت‌های مختلف ضربات جبران‌ناپذیری به امر دمکراسی در ایران وارد ساخته‌اند.

با این وجود سهلاناست که درون هر چهار خانواده سیاسی ایران شکاف‌هایی ایجاد شده است. قسمت‌های متحول شده این چهار جریان سیاسی، اهداف مشترکی (اما جدا جدا) را دنبال می‌کنند.

- در حال حاضر این چهار جریان سیاسی نه

بر اساس مکتب‌های سیاسی شناخته شده بلکه همچنان تحت عناوین سنتی گذشته فعالیت می‌کنند. خانواده پنجم سیاسی در حال شکل‌گیری است، این جریان که ضمن در برداشتن عناصر مثبت از ۴ جریان سیاسی سنتی ایران؛ خود را با روندهای گلوبال دم‌ساز می‌کند. ما خود را متعلق به این خانواده می‌دانیم.

وضعیت رژیم اسلامی و روحیات مردم

- با شکست دوم خرداد، بحران مشروعیت در کنار دو بحران دیگر یعنی بحران مشارکت و بحران کارآمدی شدت گرفته است و حاکمیت توان و امکان غلبه بر بحران‌های سه‌گانه را ندارد و مدت زمانی است که فروپاشی سیاسی رژیم ولایت فقیه آغاز شده است. نبود ائتلاف فراگیر دمکراسی و تداوم حیات استبداد مذهبی؛ خطر فروپاشی اخلاقی - فرهنگی و جغرافیایی، جامعه ایرانی را تهدید می‌کند.

مردم اکثراً ناامید سرخورده‌اند و جز اقلیتی از جوانان و بخشی از طبقه متوسط جامعه، کمتر کسی به کسب پیروزی امیدوارند. خفقان پس از سالگرد ۱۸ تیر تشدید شده است. بقول گزارش‌گری «مردم اینک در میانه دالانسی تاریک و تنگ، گیر افتاده است نه راه پس دارد و نه راه پیش؛ نه شور و توان انقلاب تازه‌ای در رگ‌ها و روح خود می‌یابد و نه امیدیه به رستگاری».

- کشور ما در بن‌بست همه‌جانبه قرار گرفته است. از یک سو رژیم نمی‌تواند بشکل سابق حکومت کند و اکثریت مردم این نظام را مطلوب خود نمی‌دانند و از راه‌حل‌های داخلی ناامید شده‌اند. اپوزیسیون یک‌پارچه نیست و در خارج کشور بجای رقابت سالم سرگرم نبرد با یک‌دیگر هستند. با این وجود، کانون مبارزه در داخل کشور، همچنان بین استبداد دینی و دمکراسی متمرکز شده است.

- شرایط آمریکا برای عادی‌سازی روابط با جمهوری اسلامی بقرار زیر است: ۱ - پذیرش موجودیت اسرائیل و عدم دخالت در امور فلسطین. ۲ - عدم حمایت از گروه‌های تروریستی و تندروی اسلامی. ۳ - اعضای قراداد الحاقی مربوط به بازرسی‌های سرزده از تاسیسات هسته‌ای. ۴ - رعایت موازین حقوق بشر در ایران.

روشن است پذیرش شروط اول و دوم برای رژیم کار آسانی نیست. شرط سوم شاید مورد پذیرش رژیم قرار گیرد. شرط چهارم با ماهیت رژیم اسلامی مغایر است. - از این رو مستبدین دینی حاکم بر ایران، امیدوارند وضعیت در عراق بحرانی‌تر شده و عملیات مسلحانه علیه آمریکا گسترش یابد. آنان آرزو می‌کنند که «باتالاقی شدن عراق»؛ آمریکا را وادار به سازش و دوستی بدون قید و شرط با جمهوری اسلامی کند تا بدین طریق سرکوب در داخل را ادامه دهند.

جمهوری خواهی و سلطنت طلبی

- انقلاب اسلامی هر چه که بود، جمهوری «انتخابی» را جای سلطنت موروثی نشاند. - به لحاظ تاریخی؛ دمکراسی و جمهوری در ارتباط با هم زاده شده‌اند. امروز اکثر کشورهای جهان بشکل جمهوری اداره می‌شوند.

- اما دمکراسی هدف است و جمهوری وسیله استقرار آن (و نه بالعکس) - رفراندوم حق دمکراتیک و دانسی مردم ایران است که با آراء خود هر زمان که اراده کنند، شکل و نوع حکومت را انتخاب کنند و این حق بایستی در قانون اساسی آینده ایران گنجانده شود.

- اتحاد جمهوری خواهان هنگامی می‌تواند مثبت و سازنده باشد که به هدف ایجاد یک ائتلاف فراگیر از همه نیروهای دمکرات صورت بگیرد و نه ایجاد یک بلوک سیاسی در برابر سلطنت‌طلبان و درگیری در مبارزه فرعی جمهوری خواهی و سلطنت در شرایط فعلی حاکم بر ایران.

- هیچ نیروی سیاسی داخل کشوری تا به

حال، ندای اتحاد جمهوری خواهی را سر نداده است. بر عکس مخالفین استبداد دینی در داخل کشور جبهه فراگیر دمکراسی خواهی را طرح می‌کنند.

- ما همچنین شاهد هستیم در بسیاری از کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه جهان، جمهوری‌های موروثی و بسیار مستبد حاکمند و بر عکس در برخی کشورهای پیشرفته جهان که دارای نظام پادشاهی هستند که در آن بهترین دمکراسی‌های جهان مستقر است!

- واقعیت انکارناپذیر این است که به دلایل متعدد از جمله ناکامی رژیم اسلامی در همه عرصه داخلی و خارجی و نیز مقایسه دو نظام از دیدگاه مردم و همچنین اشتباهات و تندروی‌های نیروهای چپ و جمهوری خواهان ملی و مذهبی، عدم اعتنا و اعتقاد جدی و قلبی آنان به مبانی حقوق سیاسی اجتماعی و فرهنگی افراد و عدم توجه جدی به مبانی حقوق بشر در زمان وقوع انقلاب و پس از آن موجب شده که امروز طرفداران پادشاهی مشروطه در یک مقایسه کارنامه‌ای بتوانند نمره لازم را برای طرح مجدد خود به مثابه یک نیروی اجتماعی رو به رشد و در حد سایر نیروها بدست آورده و خود را به عنوان یکی از الترناتیوها به جامعه عرضه کنند.

- بخش بزرگی از جمهوری خواهان در جبهه اپوزیسیون؛ همچنان پسوند اسلامی را پدک می‌کشند و تکلیف خود را با جدایی دین و دولت روشن نساخته‌اند. دوگانگی در خط مشی سیاسی (سرنگونی طلبی و اصلاح‌طلبی) وجه بارز اختلافات آنان است.

- جمهوری خواهان مخالف نظام اسلامی در پراکندگی و تفرقه بسر می‌برند. سازمان‌یابی آنان در هر سطحی بسود دمکراسی و ایجاد دولت سکولار است. - علل پراکندگی و تفرقه را بایستی در مکتب‌های سیاسی و خط مشی سیاسی و استراتژی‌های متفاوت و همچنین اختلافات قدیمی و تاریخی ما بین آنان جستجو نمود. - جمهوری خواهان سکولار متشکل از کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، سوسیال دمکرات‌ها، لیبرال دمکرات‌ها و محافظه کاران که قسمت اعظم نخبگان فرهنگی، علمی و سیاسی کشور را در خود جای داده است.

- عمده‌ترین اختلاف مابین جمهوری خواهان سکولار در دوگانگی برنامه سیاسی آنان نهفته است. - بخش کوچکی از جمهوری خواهان سکولار - دمکرات (در خارج از کشور) بطور انفرادی همکاری و اتحاد عمل با مشروطه خواهان را پذیرفته‌اند. اینان عموماً افراد غیرتشکیلاتی هستند. و اتحاد عمل را مشروط به اتحاد جمهوری خواهی نمی‌کنند.

- برخی از اعضای رهبری جمهوری خواهان سکولار متشکل در احزاب؛ اصولاً همکاری و اتحاد عمل و یا حتی ائتلاف سیاسی با مشروطه خواهان را درست می‌دانند ولی آن را مسوکول به مستشکل‌شدن خود در اتحاد جمهوری خواهی می‌کنند.

- بخش کوچکی از جمهوری خواهان سکولار؛ سلطنت را خطری بالاتر از استبداد دینی حاکم بر کشور می‌پندارند و جهت عمل‌کرد و اقدامات سیاسی شان متوجه سلطنت است تا حکومت اسلامی!

- جمهوری خواهان بر خلاف سلطنت‌طلبان فاقد رهبری سیاسی و خط مشی واحدی هستند. - اکنون گروه‌های متعدد مشروطه‌خواه و سلطنت‌طلب که همگی آنان رهبری سیاسی رضا پهلوی را مورد تأکید قرار می‌دهند؛ فعالند.

- در بین طرفداران نظام پادشاهی، حزب مشروطه ایران با برنامه مشخص و با منش لیبرال - دمکراتیک که با گذشته استبداد نظام پادشاهی در ایران، خط و مرز روشنی دارد.

- سلطنت‌طلب‌ها همچون جمهوری خواهان به مکتب‌های سیاسی متفاوت (سوسیال دمکراسی، لیبرال دمکراسی، محافظه کار) تعلق دارند. در بین آنان جریاناتی دارای روحیه شویستی عظمت‌طلب و با خلق و خوی استبدادی وجود دارند.

- در این مقطع تاریخی، نقش سیاسی آقای رضا پهلوی در سمت‌گیری هواداران نظام پادشاهی تعیین‌کننده است. در این سمت‌گیری، چگونگی برخورد جمهوری خواهان بسیار با اهمیت است.

- سیاست ما ائتلافی ما با جریانات لیبرال سلطنت و مشروطه خواهان واقعی است. - راه‌حل و برنامه ما چیست؟

۱ - ما خواهان برکناری رژیم اسلامی و ادامه در صفحه ۹

ائتلاف فراگیر دموکراسی برای ایران همبستگی وسیع سیاسی

برای سرنگونی رژیم اسلامی

ادامه از صفحه ۸

جایگزینی آن با یک نظام سکولار - دموکرات در شکل جمهوری هستیم.
۲ - ساختار و محتوای نظام سیاسی ایران باید قبل از هر چیز بر دو اصل دموکراسی و سکولاریسم نهادینه شود.
۳ - ما منشور ۸۱ را بعنوان پایه برنامه‌های خود دانسته که بایستی در فرصتی دیگر تکمیل گردد.
۴ - همبستگی وسیع سیاسی شرط گذر از استبداد دینی به دموکراسی است.
۵ - ما خواهان همبستگی سیاسی همه احزاب و جریانات جمهوری خواه و مشروطه‌خواه را که بر پایه دو اصل سکولار - دموکرات باورمندند، هستیم.
۶ - ما بر این باوریم که حقوق اقلیت‌های قومی و یا ملی در ایران آینده بر پایه نظامی غیرمتمرکز و دموکراتیک بصورت خودگردانی، خودمختاری و یا اشکالی از سیستم فدرال؛ تامین شود (چگونگی و شکل دقیق چنین ایده‌آلهایی را نمی‌شود از همین امروز تعیین نمود و به عوامل متعددی از جمله کار کارشناسی، آرای مردم مناطق و سراسری، حساسیت کشورهای همسایه ایران و تاثیر روندهای گلوبال بر مسئله ملی و غیره بستگی دارد. آنچه مهم است تامین حقوق اقلیت‌های قومی کشور در حد امکان است).
۷ - جنبش آزادی‌خواهی مردم ایران و ائتلاف جهانی علیه ترور، دارای دشمن و اهداف استراتژیک مشترک می‌باشند.
۸ - ما از مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و تروریسم جهانی حمایت می‌کنیم. همچنین از طرح صلح نقشه راه دفاع می‌کنیم. اعتقاد داریم که آرامش در عراق و افغانستان به سود صلح و دموکراسی در منطقه است.
۹ - تشویق جهان آزاد و صنعتی به حمایت‌های معنوی، اخلاقی و سیاسی از مبارزات مردم ایران، امری حیاتی می‌نماید، همانطور که تشویق جامعه جهانی به قطع هرگونه حمایت اقتصادی، نظامی و سیاسی از کلیت یا بخش‌های معروف به اصلاح‌طلب از

همین رسالت برمی‌آید.
۱۰ - ما طرفدار تغییرات مسالمت‌آمیز و با شیوه‌هایی که در چارچوب نافرمانی مدنی می‌گنجد که عبارت باشند از تظاهرات خیابانی، اعتصابات، تحریم‌ها و اختلال‌های اقتصادی است. هر کاری که برای تضعیف و براندازی رژیم، بدون توسل به ضرب و شتم و یا کشتن لازم باشد. در عین حال تاکید می‌کنیم که نمی‌توان رژیم‌های شبه فاشیستی را تنها با مبارزه صرف سیاسی داخلی برانداخت و نقش عوامل خارجی را نادیده گرفت؛ در واقع ترکیبی از فشار خارجی و داخلی تحولات آینده ایران را رقم خواهد زد. فشار خارجی علیه رژیم، بطور مشخص مردم را فعال و امیدوار می‌سازد.
۱۱ - یک انتخاب آزاد و تحت نظارت سازمان ملی می‌تواند هدفی مشروع، برای همسویی نیروهای داخلی و فشارهای بین‌المللی به حساب آید. رفراندوم بعنوان یک شعار محوری می‌تواند به شعار میلیونی مردم در انتخابات پیش رو تبدیل گردد.
۱۲ - ما بر این اعتقاد هستیم که اهداف استراتژیک خاورمیانه‌ای آمریکا؛ آنجا که علیه بنیادگرایی اسلامی و دفاع از دموکراسی در ایران است، بایستی مورد استقبال آزادی‌خواهان ایرانی قرار گیرد.

کمیته‌های اساسی این مرحله و چگونگی سرنگونی رژیم!

تجربه ۵ سال جنبش دوم خرداد نشان داده است که تنها با تسخیر ارگان‌های انتخابی نمی‌توان استبداد دینی حاکم را کنار زد و اکنون نیز این تصور که تنها با مبارزه مدنی مثل تظاهرات خیابانی قادر خواهیم بود رژیم مذهبی را سرنگون ساخت، در اشتباهیم و کمیود این مرحله از مبارزه بقرار زیر می‌باشد:
- ایجاد شورای سرنگونی؛ متشکل از جمهوری خواهان و سلطنت‌طلبان. (این شورا با برنامه‌ریزی منظم که بتواند استراتژی گام به گام سرنگونی را بطور روزانه هدایت کرد. بگونه‌ای که مردم بدانند اقدام بعدیشان چه خواهد بود).

- سراسری کردن مبارز در داخل و پیوند آن با خارج از کشور.
- کمک مالی گسترده به مبارزان در داخل کشور.
- لازم است که از هرگونه تشکل موجود؛ اصلاح طلبی و یا غیر آن بود امر مبارزه سرد جست و در این مرحله نیازی نیست که این گونه تشکل‌ها عنوان سکولار و یا مخالف نظام داشته باشد.
- ایجاد هسته‌های ۳ تا ۵ نفره مخفی در پوشش‌های طبیعی و خانوادگی برای هدایت مبارزه و ارتباط با خارج کشور.
- تلفیق کار علنی و مخفی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی برون مرزی، زیر نظارت ستاد رهبری. تنها در صورت برنامه‌ریزی منظم روزانه دستگاه رهبری است که می‌تواند اولا مردم را به آینده مبارزه امیدوار ساخت. ثانياً بی‌اعتنایی به آینده رژیم را در بدنه دستگاه نظامی و اداری رژیم تقویت کرد.
- امید به پیروزی در مردم و آشننگی و تردید در بدنه دستگاه نظام!

در این بحرانی که کشورمان در آن گرفتار آمده است، طبیعتاً آلت‌رناتیوهای متعددی می‌تواند طرح شود. ولی از نظر ما آلت‌رناتیوی می‌تواند شانس پیروزی داشته باشد که بر مبنای حداکثر ائتلاف و حداقل خواسته‌ها سازمان یابد و از تضادهای موجود در سطح منطقه و جهان بسود دموکراسی در ایران بهره‌برداری نمود.
وگرنه اگر چیرانی که کشورمان در آن گرفتار آمده است، طبیعتاً آلت‌رناتیوهای متعددی می‌تواند طرح شود. ولی از نظر ما آلت‌رناتیوی می‌تواند شانس پیروزی داشته باشد که بر مبنای حداکثر ائتلاف و حداقل خواسته‌ها سازمان یابد و از تضادهای موجود در سطح منطقه و جهان بسود دموکراسی در ایران بهره‌برداری نمود.
وگرنه اگر چیرانی که کشورمان در آن گرفتار آمده است، طبیعتاً آلت‌رناتیوهای متعددی می‌تواند طرح شود. ولی از نظر ما آلت‌رناتیوی می‌تواند شانس پیروزی داشته باشد که بر مبنای حداکثر ائتلاف و حداقل خواسته‌ها سازمان یابد و از تضادهای موجود در سطح منطقه و جهان بسود دموکراسی در ایران بهره‌برداری نمود.

طریق پخش موسیقی مبتذل با صدای بلند موجبات آزار و اذیت شهروندان را فراهم می‌آورند و ایجاد مزاحمت می‌کنند و در خیابانهای اصلی نیز با زنان و دختران بدحجاب که رعایت نشوونات اخلاقی و اسلامی را نمی‌نمایند برخورد می‌شود. وی افزود: برخی از زنان و دختران با لباسهای بسیار زنده و نامناسب در شهر ظاهر می‌شوند که در شان یک شهر مذهبی نیست و آنان با حضور در جامعه به اهداف و آرمانهای شهروندی می‌کنند و موجب می‌شوند جوانان به انحراف کشیده شوند. یک مقام آگاه در فرماندهی انتظامی خراسان نیز در محل اجرای این طرح گفت: طبق قانون با مظاهر علنی فساد برخورد شدید می‌شود و این افراد بدانند که پلیس در جامعه حضور دارد. وی با ذکر این نکته که تاکنون تعدادی از دختران و پسران!! بدحجاب دستگیر شده‌اند گفت: این طرح ادامه خواهد داشت و با افرادی که اخلاق عرفی و نشوونات اسلامی جامعه را زیر سوال ببرند برخورد خواهد شد. همچنین در کلاتری سجاد شهر مشهد افراد دستگیر شده بلافاصله توسط قاضی مجتبی علیزاده مورد بازجویی و محاکمه قرار گرفتند

۳ میلیون زن ویژه

و دختر فراری

مسئول امور بانوان سازمان بهزیستی اعلام کرد که در حال حاضر ۳ میلیون زن ویژه، نابینا، و ویژه و دختر فراری در کشور وجود دارد که این مساله مسئولیت سنگینی برای بهزیستی ایجاد می‌کند. زهرا درخشنده مسئول امور بانوان سازمان بهزیستی گفت: علت وجود این همه دختر فراری در جامعه کوتاهی مسئولان و مادران است زیرا به اشتباه فکر می‌کنیم که حضور زن در جامعه ضروری تر از حضورش در خانه است.
وی افزود: ۲۰ درصد خانها در دنیا شاغل هستند و بیش از ۸۰ درصد آنها خانه‌داری

بسه نفس و کاهش روحیه غرب‌گرایی و خودباختگی اقدام نماید.
پیشنهاد دیگر این طرح، «ارتقای سطح محتوایی برنامه‌های تفریحی و سرگرمی صدا و سیما، تبیین نیازهای اعضای خانواده و تقویت حس مسئولیت‌پذیری از طریق برنامه‌های جدی، با محتوا و جذاب است».
همچنین این طرح پیشنهاد کرد: «وزارت ارشاد اسلامی با نظارت دقیق بر مطبوعات و کتب از اشاعه فرهنگ بدبینی و توهم در اذهان جوانان برای ناآکارا جلوه‌دادن دستورهای اسلام در پاسخگویی به نیازهای جوامع بشری جلوگیری کند».
پیشنهاد این شورا به سیستم تبلیغی کشور، اعم از صدا و سیما، ائمه جمعه و جماعات، سازمان تبلیغات اسلامی، رسانه‌های مکتوب و آموزش و پرورش این است که زنان و مردان جامعه را پیرامون توسعه فرهنگ عفاف و پوشش، جمعا مخاطب قرار دهند و صرفاً زنان را مسئول و مخاطب این امر یاد نکنند.
وی در طرح شورا همچنین آمده است: «ضابطان و نهادهای نظارتی موظفند بر مجتمع‌های مسکونی بزرگ، اماکن عمومی، پارک‌ها، بسوتیک‌ها، ادارات و شرکت‌های خصوصی برنامه‌ریزی و نظارت داشته باشند».

اجرای طرح عفاف

در مشهد

طرح عفاف به منظور برخورد با زنان و دختران بدحجاب و جوانان آغاز شده است. جانشین معاونت اطلاعات فرماندهی انتظامی خراسان در محل اجرای این طرح (بلوار سجاد مشهد) گفت: این طرح توسط اطلاعات فرماندهی انتظامی خراسان و ماموران فرماندهی انتظامی مشهد و با هماهنگی مقامات قضایی در حال اجرا است.
وی در توضیح چگونگی اجرای این طرح گفت: در خیابانهای فرعی با رانندگانی که از

علیه هر گونه سلطه داخلی و مداخله خارجی در جمهوری خواهی ایران

ادامه از صفحه ۷

نموده است و فعلا در مورد بخش جمهوری خواه خارج از کشور اظهار نظری نکرده است. آنچه که باز می‌گردد، پاسخ به این پرسش است که جمهوری خواهان ایران در برابر واقعیت غریب قابل انکار بشما به کشوری قدرتمند، تروتمند و برخوردار از تکنولوژی فرابیشرفته چه مشی اتخاذ می‌کند؟ آیا جمهوری خواهان و بویژه سازمان در صدد بازگشت به مشی سرشار از تب و تاب پرهیستری ضد آمریکایی است؟ یا نه در برابر سیاست مداخله گرایانه آمریکا، خوش بینی آمریکا گرایمی افراطی را پیشه می‌نمایند؟ البته در شق بازگشت به هیستری ضد آمریکایی نیازی به زحمت سازمان نیست چرا که شق اقتدارگرایان جناح محافظه کار هنوز دارای خصلت توسل به ماجراجویی و تحریک هستند. اما در مورد شق دوم هم سازمان باید از خوش بینی افراطی به آمریکا دوری جوید. چرا که هر گونه انفعال و مشاشات در برابر نظریه مداخله خارجی، امکان تکرار ۲۸ مرداد دیگری را فراهم می‌سازد که جمهوری و مطالبات به تاخیر افتاده توده‌ها را نشانه خواهد رفت. اما سازمان می‌تواند و باید از روند بهره‌برداری آمریکا از مولفه جلب حمایت بخش‌هایی از مردم، همراهی جریانات و نیروهایی از اپوزیسیون جمهوری خواه و مسالمت‌جو شدیداً پیشگیری نماید تا بتواند منافع ملی ایران و مردم میهن‌مان را با مخاطره جدی مواجه ننماید. چرا که اقدام آمریکا مبنی بر مداخله در ایران جهت جابجایی قدرت، نه در خدمت جمهوری خواهی است و نه در راستای تحقق دموکراسی در جامعه صورت می‌پذیرد. در پایان، باید تاکید داشت، طبعاً عدم وجود طرح شفاهی برای مشکل مداخله و چگونگی اعمال آمریکا نسبت به ایران نباید سازمان و اتحاد جمهوری خواهان را بدان سمت سوق دهد که دچار خوش باوری ساده‌انگاره‌ای گردیم که آمریکا دست از سر ایران برخواهد داشت.

۳- سیاست‌ها، مقاومت در برابر سلطه محافظه کاران

دوم خرداد، آزادی و حکومت قانون، که از خواسته‌های ملی و میرم مردم ایران بود را مدنظر قرار داد و ضمن بهم‌زدن توازن قوا میان جمهوریت و ولایت، اندیشه جمهوری خواهی و مردم‌سالاری را به اعماق جامعه ایران برد و اندیشه حکومت محافظه کاران را به انزوا کشانید و اصلاح‌طلبان را به هرم قدرت وارد نمود.
از آنجا که اصلاح‌طلبان حکومتی واقع‌بینی و نه آرمان‌گرایی و قربات با اصول دموکراسی را میناء و عمل خود عنوان داشته بودند. تمامی تانکتیک‌ها و روش‌های گوناگون را در خدمت همگامی و همراه کردن جناح محافظه کار یا رقابتی سیاسی خود بکار بردند.
متأسفانه آنان هر چند از تاکتیک فشار از پایین که می‌توانست در لایه اقتدارگرای محافظه کاران، بیم و هراس ایجاد نماید استفاده نکردند تا اینکه روز به روز و در هر رویداد سیاسی و پیکار پارلمنتاریستی توده‌ها را از پیرامون خود دور تر نمودند.
به هر صورت شش سال بر مدار چالش طرفداران ولایت مطلقه با منتقدان درونی آن در رژیم جمهوری اسلامی. بدون نتیجه دلخواه گذشت تا بدین جا رسیدیم که در دوران خزان اصلاح‌طلبان حکومتی، گرانیک، تحول میان مدافعان نهادهای ولایتی با هواخواهان نهادهای انتخابی قرار گیرد. بنابراین اگر اصلاح‌طلبان حکومتی تمایل به برون‌رفت از وضعیت کنونی را دارند، باید در مرحله نخست از سیر نزولی مشروعیت خود نزد مردم جلوگیری نمایند. پس باید بکوشند با ارائه عملکردی شگرف، شور و امید به تغییرات را در مردم بازسازی کنند. از زمره عملکرد شگرف آنان جدا از سازمان‌یابی توده‌ها، جلب مشارکت و همکاری اتحاد جمهوری خواهان خارج از کشور و بویژه سازمان فدائیان خلق ایران - (اکثریت) می‌باشد.

در صورت تحقق چنین امری سترگ، اصلاح‌طلبان حکومتی دژ مقاومت و ایستادگی جمهوری خواهان در سلطه داخلی را استوارتر کرده و در تحکیم سیستم‌های قانونی و انتخابی کشور کوشا تر خواهند شد. باید تصریح نمود که آلت‌رناتیو مطلوب آمریکا در ایران، رژیم جدید و سرسپرده است. آمریکا حتی جمهوری اسلامی بدون ولایت و نهادهای انتصابی را نیز بر نمی‌تابد و در صدد آنست تا نهادهای انتخابی شکل گرفته در روند شش ساله پیکارهای پارلمنتاریستی آزاد اما غیردمکراتیک را قلع و قمع نماید.
در برابر هدف آمریکا در صورت استقرار چنین وضعیت، سازمان ما با باید شریک کوچک آمریکا شود، یعنی با همه پایبندی به شعار جمهوری خواهی، در صف سلطنت‌طلبان رادیکال مدافع نظریه مداخله خارجی قرار خواهد گرفت. پس برای پیشگیری از در غلطیدن به چنین ورطه‌ای که با مشی و برنامه سازمان منافات دارد، باید روش مقاومت و ایستادگی در برابر سلطه ولایت فقیه و هر شکل دیگری داخلی و خارجی را برگزیند. از سوی دیگر نیز اصلاح‌طلبان حکومتی و جمهوری خواهان داخل کشور نیز باید با گشودن باب مذاکره و برقراری اتحاد عمل با جمهوری خواهان خارج از کشور گستره اتحاد جمهوری خواهان را بدانجا کشانید تا با مقاومت و ایستادگی در برابر تعرضات و مانع‌سازی و بحران‌سازی تمامیت‌گرایان، روند جمهوری خواهی و مردم‌سالاری را هر چه بیشتر تعمیق بخشید. در صورت کاربست همه جانبه مقاومت در مقابل نهادهای انتصابی قطعاً از بستر سازی امکان مداخله آمریکا بهر شکل ممکن پیشگیری جدی صورت داده خواهد شد. چرا که یکی از بسترهایی که امکان شکل مداخله آمریکا را در ایران تعیین مادی می‌بخشد توسل نهادهای انتصابی به روش‌های مساجراجویانه، تمایل به تداوم هیستری ضد آمریکایی و مانع‌سازی در برابر اصلاحات می‌باشد.
در پایان محورهایی چند تحت عنوان سیاست ما در خدمت به جمهوری خواهی و علیه هر شکل سلطه به قرار زیر تنظیم و ارائه گردیده است تا شاید در تدوین سند نهایی کنگره فوق‌العاده و تاثیر در مشی و برنامه سازمان مورد نظر قرار گیرد.
۱ - تشکیل جبهه‌ای از جمهوری خواهان، ملیون آزادی‌خواه و تمامی جریانات سیاسی معتقد و پایبند به آزادی و استقلال ایران.
۲ - مبارزه همه‌جانبه در راه تعصیق هر چه بیشتر جمهوری خواهی در راستای استقرار دموکراسی در ایران.
۳ - پیکار برای نفی هر شکل اعمال سلطه اعم از جمهوری ولایتی یا سلطنت از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز.
۴ - تلاش گسترده و قانونمند برای خروج آمریکا از منطقه با هدف عادی‌ساختن منطقه از امکان رشد گرایشات رادیکالیستی.
۵ - خنثی‌سازی سیاست نومحافظه کاران آمریکا از رهگذر جلوگیری از ایجاد بستر جهت مداخله آمریکا در امور داخلی ایران.
۶ - برخورداری از حمایت بین‌المللی حتی آمریکا بشما به عامل ثانوی استقرار دموکراسی، زیرا دموکراسی را نمی‌توان از خارج وارد کرد.
۷ - خنثی‌سازی گرایش لایه اقتدارگرای جناح مخالف اصلاحات ایران و تبدیل رابطه غیررسمی و مخفی مافیای قدرت کشورمان با محافظ قدرت در آمریکا به رابطه‌ای رسمی، قانونی، علنی و دیپلماتیک.
۸ - وادار سازی اصلاح‌طلبان حکومتی به موقعیت خود در بدنه اجتماعی.
۹ - تلاش برای آغاز فعالیت دوباره سازمان در داخل کشور در پرتو فعالیت علنی و قانونی در راستای مشارکت سازمان در قدرت سیاسی ایران.

همیشه در حقوق بشر از این دو قشر حرف می‌شود. درخشنده تصریح کرد: محور اصلی در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زنان هستند و به نوعی شریان مملکت در دست بانوان است.

می‌کنند و حرف ما هم این نیست که زن را از خانه بشکیم بیرون و نقش مادری او را کم رنگ کنیم.
به گفته وی زنان و جوانان خیلی زود در مظان اتهام قرار می‌گیرند و به همین دلیل

بازار فیلم و CD داغ است

روزنامه اعتماد

مسعود باستانی

قرار بود که به بهانه فصل تابستان گزارشی تهیه کنم تا دوباره به همان نتیجه تکراری گذشته برسم که در فصل تابستان نیز مطابق سایر فصول سال بازار کتاب تغییرات محسوسی نخواهد داشت و با وجود اینکه در این فصل بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به کتاب اوقات فراغت بسیاری را برای مطالعه دارند، کتابخوانی رشد چشمگیری نداشته است.

شاید همین نتیجه تکراری و پاس درونی بود که کارهای مربوط به تهیه این گزارش را دایم پشت گوش می‌انداختم تا اینکه مهلت سر رسید و من باید روز دیگر این گزارش را تحویل می‌دادم. با وجود تمام مشکلاتی که داشتم مشغول پرس‌و‌زدن و پرس‌وجو در خیابان انقلاب و حوالی دانشگاه تهران شدم. اغلب کتابفروشی‌ها خلوت و بسیاری از فروشندگان حتی انگیزه پاسخ‌گفتن به سئوالات مرا نیز نداشتند. چرا که برخی از آنها فکر می‌کردند حتی تهیه این گزارش و چنین گزارش‌هایی نیز گردهای از انبوه مشکلات ایشان باز نخواهد کرد. از در فروشگاه انتشارات خوارزمی که وارد می‌شوم تقریباً به غیر از خودم و چند فروشنده دیگر هیچ‌کس را در فروشگاه نمی‌بینم. کسی پشت میز صندوق‌دار نیست و فروشنده‌ها نیز که از گرما کلافه شده‌اند خود را با تورق کتابها سرگرم کرده‌اند. با چشمانی جست‌وجوگر به دنبال کسی می‌گردم. مردی که خود را مدیر فروشگاه معرفی می‌کند. با ناامیدی می‌گوید: چه چیز را می‌خواهی بنویسی؟ همین را بنویس که هیچ‌کس در فروشگاه نیست و صندوق‌دار از پیگیری محل کار خود را ترک کرده و به گوشه‌ای پناه برده.

او در ادامه می‌گوید: فعلاً بازار ماهواره‌ها داغ است و دیگر کسی به دنبال خرید کتاب نمی‌آید. شاید کتابفروشی‌ها حداقل در ایام تحصیل دانشجویان بتوانند در کنار آرایه کتابهای درسی بعضی از کتابهای خود را نیز بفروشند. ولی اکنون بازار کتاب خلوت خلوت شده است.

به یقین کتاب یکی از کالاهای فرهنگی است که مخاطبان خاص خود را در جامعه دارد. رشد فروش کتاب و افزایش سطح مطالعه در جامعه و نیز با میزان فرهیختگی افراد آن جامعه و علاقه‌مندی ایشان به کسب اطلاعات و دانش مورد نیاز خویش از طریق کتابهای موجود در بازار رابطه تنگاتنگی دارد. در این میان دانشجویان، فرهنگیان و کسانی که به نوعی فصل تابستان بخشی از ایام فراغت ایشان در طول مسیر زندگی محسوب می‌شود قشری هستند که بخش اعظمی از مخاطبان ویژه کتاب را تشکیل می‌دهند. بسیاری از دانشجویان در نخستین برخورد علت عدم خرید کتاب‌های مورد نیاز خویش را گرانی قیمت این کالا می‌دانند بطوری که خانم ف. ن دانشجوی رشته تربیت بدنی دانشگاه الزهراء می‌گوید: سعی می‌کنم اغلب کتابهای مورد نیاز خود را از کتابخانه‌ها تهیه کنم. چرا که کتابهای مورد نیاز رشته من که اغلب کتابهای مربوط به علم پزشکی هستند، بسیار گران‌قیمت هستند. اما در برخورداری بعد دانشجویان فکر می‌کنند که گرفتاریها و مشکلات زندگی ایام فراغتی را برای آنها باقی نگذاشته تا در این اوقات به مطالعه کتابهای مورد علاقه خود بپردازند. آقای ح. س. دانشجوی رشته گرافیک

می‌گوید: فکر می‌کنم که اوقات فراغتی برای مطالعه ندارم. چون من همزمان با تحصیل مجبور هستم که کار کنم و شاید تمام اوقات فراغتم را کار می‌کنم. تابستان و تعطیلات نیز فرصتی است تا آدم کارهای عقب‌افتاده را انجام دهد. از سوی دیگر من حتی برای تهیه کتابهای درسی خود نیز دچار مشکل هستم چرا که معمولاً این کتابها در بازار پیدا نمی‌شوند و یا نسخه‌هایی که در بازار هستند سانسور شده و یا پر از غلط هستند.

دانشجوی دیگری نیز می‌گوید: فکر می‌کنم بهتر از هر کار دیگر این است که آدم بتواند در اوقات فراغت خود مسافرت کند. ضمن اینکه واقعا هزینه خرید کتاب از عهده قشر دانشجوی خارج است. ما حتی کتابهای درسی خود را نیز نمی‌خریم و تنها به جزواتی که استادان دانشگاه به ما می‌دهند اکتفا می‌کنیم. از سوی دیگر بسیاری از جوانان فکر می‌کنند که می‌توانند با پرداخت هزینه‌هایی به مراتب کمتر اوقات فراغت مفروح و شادتری را به وسیله چیزهایی دیگر نظیر استفاده از بازی‌های سرگرم‌کننده و ارتباطات اینترنتی و یا ورزش‌هایی که امروز مورد علاقه بسیاری از آنها قرار گرفته نظیر بلیارد و... برکنند. واقعیت این است که کتاب زمانی می‌تواند به جایگاه واقعی خود در جامعه دست یابد که عطف دانستن و از سوی دیگر ارزش و اعتبار واقعی آگاهی، جایگاه واقعی خود را در یک اجتماع کسب کند.

فحقی یکی دیگر از فروشندگان کتاب در خیابان انقلاب می‌گوید: با تعطیل شدن دانشگاه‌ها بازار کتاب کاملاً کساد شده است، کتابهای شعر و داستان و ادبیات هیچ فروشی ندارند و تنها بخشی از رمانهای عامه‌پسند به فروش می‌رسد. شاید بتوان گفت بازار کتاب از مهر تا خردادماه که دانشگاه‌ها باز هستند به مراتب بهتر از بقیه ماههای سال است. از سوی دیگر مدیر انتشارات خجسته نیز معتقد است: نه تنها اسباب بلکه به نظر من دو سه سال است که بازار کتاب بسیار راکد شده است. معمولاً در تابستانهای سال‌های گذشته فروش کتابهای تاریخی، ادبی و شعر و رمان بالا می‌رفت و مردم در اوقات فراغتشان بخصوص بسیاری از جوانان فرصت داشتند که کتاب بخوانند. اما به علت گرانی و یا عدم تمایل و حتی دلایلی که برای خود من هم معلوم نیست، چند سال است که رکود عجیبی بر بازار کتاب حاکم شده است. به یاد دارم تا زمانی که روزنامه‌های دوم خردادی در طیف وسیع‌تری منتشر می‌شد و مردم از طریق روزنامه‌ها می‌توانستند از انتشار کتابهای مختلف مطلع شوند، کتاب‌ها فروش خوبی داشتند.

خانم کیان کارمند فروشگاه کتاب‌سرای نیک نیز در این باره گفت: بازار کتاب چند وقتی است که بسیار اسفناک است. حتی دانشجویان نیز دیگر کتابهایی غیر از کتابهای درسی خود را نمی‌خرند و من فکر می‌کنم علت اصلی آن گران بودن قیمت کتاب باشد. در فروشگاه ما که مورد علاقه بسیاری از جوانان است تقریباً اغلب مشتریان از افزایش نرخ کتاب شکایت دارند. متأسفانه کتاب ماه به ماه با هر چاپ تازمادی اختلاف قیمت قابل توجهی پیدا می‌کند، حتی خود من نیز که در این فروشگاه کار می‌کنم، نمی‌توانم همه کتابهای مورد علاقه‌ام را تهیه کنم.

اما از میان ناشران، حسن کیابیان، مدیر نشر چشمه که در آغاز اعلام می‌کند که چندی است دیگر تسایلی به گفتگو با مطبوعات ندارد درباره استقبال مخاطب از کتاب می‌گوید: کیفیت فروش کتاب در تابستان اسباب به مراتب بهتر از سال‌های قبل شده است و این مشکل متأسفانه گریبانگیر همه کتابها از جمله تاریخی، ادبی و... شده است. به نظر من در وهله نخست باید علت این پدیده را در کاهش اعتماد مردم به مطالب درون کتاب و دغدغه‌های دیگر ایشان مثل مسائل سیاسی و یا درگیری‌ها و گرفتاری‌های روزمره ایشان دانست. وی در مورد قیمت کتاب و گرانی این کالا افزود: به نظر من کتاب گران نیست، کتاب هم مثل خیلی از کالاهای دیگر در روند رشد تورم افزایش قیمت پیدا می‌کند، شما نمی‌توانید سرعت هر یک از چرخهای یک اتومبیل در حال حرکت را به دلخواه خود تغییر دهید. مشکل کاهش فروش کتاب، قیمت آن نیست، بلکه امروز در شرایطی بسر می‌بریم که مردم احساس می‌کنند نیاز به مطالعه و خواندن کتاب ندارند.

مدیر نشر چشمه درباره ندهاها و ارگان‌هایی که می‌توانند در حل این مشکل به ناشران کمک کنند می‌گوید: من فکر می‌کنم مسئولان، دست‌اندرکاران و همکاران ما در این بخش زحمت خود را می‌کنند و لیکن مشکل اساسی این است که تا مردم یک جامعه احساس نیاز به مطالعه نداشته باشند و به حل مسائل اساسی در آینده‌ای نزدیک امیدوار نباشند، از پرداختن به هر فعالیت فرهنگی که کتابخوانی نیز بخشی از آن است مایوس می‌شوند. به یقین رشد مطالعه در جامعه به چند فاکتور اساسی از جمله نشاط در جامعه، امیدواری به آینده و بالارفتن وزن مخصوص دانش در افراد یک جامعه بستگی دارد که متأسفانه جامعه امروز ما فاقد هر یک از این پارامترهاست.

اگرچه بررسی علل این پدیده به مشکلات مختلفی نظیر کمبودهای اقتصادی، مشغله‌های اجتماعی و افزایش و تنوع چشمگیر رسانه‌های اطلاع‌رسانی جهت آرایه اطلاعات مورد نیاز اعضای یک جامعه بستگی دارد. ولیکن بی‌ظننا می‌توان گفت که کاهش سطح مطالعه در جامعه می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بدنه دانشجویان و نخبگان جامعه وارد آورد. شاید در مهار این بحران بتوان گفت که تقویت کتابخانه‌های عمومی و فراهم‌کردن امکان دسترسی ارزان قیمت افراد به کتابها بتواند باعث کاهش مشکلات اقتصادی بر سر راه تهیه کتب مورد نیاز شهروندان شود. اما در این جا باید پرسید که براساسی چه تعداد از این کتابخانه‌های موجود در سطح کشور که اغلب به وسیله ارگانها یا نهادهای دولتی یا وابسته به دولت رانداندازی شده‌اند، توانسته‌اند پاسخی مناسب به مشتاقان مطالعه کتاب، بویژه جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان بدهند؟

باید گفت کاهش سطح مطالعه و رکود بازار فروش کتاب در فصل تابستان اسباب که به مراتب بدتر از سالهای گذشته است و جایگزین شدن رسانه‌های ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، ماهواره‌ها و اینترنت به جای کتاب خبر از بحرانی عمیق در یک جامعه می‌دهد، چرا که پیامد این بحران قطعاً سطحی‌نگری، کاهش سطح آگاهی و کم‌ارزشی باسی‌ارزش کردن دانش در جامعه جوان ما که شهروندان آینده‌ساز فردای کشور هستند خواهد بود.

خاموش کردن اعتراضات داخلی است.

تولویزیون‌ها، مرتب شاعر نقرتی هستیم که افراد جلو دوربین‌ها نسبت به مهاجمان اراده می‌دهند.

شورای حکومتی معرفی اکثریت مردم عراق نیست. این را بعضی از احزاب داخل آن معترفند و خواهان ائتلاف‌های فراگیرتر جهت انتقال قدرتند (مثل حزب کمونیست عراق). این که این شوراساسی قومی و مذهبی و متنوع دارد، به خودی خود به معنای جلوه‌ای تام و مطلوب از مردم نیست. اولاً بعضی از نیروهای داخل آن فاقد پایگاه مردمی‌اند (مثل احمد چلیبی) و بعضی دیگر نیز مثل حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق بعد از بیشتر از ده سال حکومت‌کردن و برگزاری اولین انتخابات فراگیر در سال ۹۱، به علت اتمام دوره انتخابات، رفراندم جدیدی برپا نکرده‌اند و فاقد مشروعیت قانونی هستند و بنابراین معلوم نیست که بعد از بیشتر از ده سال حکومت‌کردن و مصائبی چون جنگ داخلی و عدم سازماندهی زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم، تا چه حد دارای پایگاه مردمی هستند. و آخر این که این شورانتخابی نیست و انتصابی است و بیشتر حرکتی شتاب‌زده از طرف آمریکا جهت

بیانیه جبهه ملی ایران بمناسبت پنجاهمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد، توقف دموکراسی در ایران

آن دو دولت، بعلت وجود یک دولت ملی‌گرا و قدرت‌گرفتن حزبهای ملی‌گرا در ایران مستثنی بود. ترس دولتهای محافظه‌کار انگلستان و آمریکا از الگو شدن مصدق و گسترش موج ملی‌گرایی و دموکراسی، و به خطر افتادن منافع آنها در سراسر جهان بود، که ملی شدن کانسال سوئز توسط دولت ملی‌گرای جمال عبدالناصر در مصر آغاز آن تلقی می‌شد.

اثر مهم دیگر ملی شدن نفت در ایران و مبارزه مصدق در چارچوب قانونهای بین‌المللی، این بود که در قطعنامه ۱۹۵۴ سازمان ملل متحد «حق حاکمیت دائمی ملتها بر منابع طبیعی خود» و اینکه ملتها حق دارند به نحو مقتضی از این منابع بهره‌برداری کنند، گنجانده شد. این هدیه و خدمت یک ایران مردم‌سالار به همه ملت‌های جهان بود.

هدف جنبش ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق، هر چند که پیامدهای مثبت اقتصادی را برای ایران در برداشت، برخلاف پندار برخی صاحب‌نظران کوتاه‌اندیش که بر آن تنها تحلیل اقتصادی قابل می‌شوند، اقتصادی نبود. هدف از آن مبارزه هوسمندانانه و خردمندانه، بیدارکردن ملت ایران از خواب دوپست ساله در برابر حکومت‌های فردی فاسد و خودکامه، و رهایی از فقر ملی، و تحقیر جهانی، و برای ایجاد خودباوری دوباره و حاکمیت بر سرنوشت خویش بود. این هنر مصدق بود، و این هنر مصدق را یادآورده کرد.

اثرات جنبی جنبش ملی ایران، حتی در دوران بیست و پنج ساله حکومت کودتاچیان، آشکار بود. پیمانهای همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای خارجی دیگر مانند دوران قاجار، آن چنان تحقیرآمیز نبود. کشورهای خارجی برای فعالیت در ایران بر سر میز مذاکره می‌نشستند، و اگر آزمندی مسئولان فاسد خودمان نمی‌بود، مذاکرات می‌توانست منافع ایران را بخوبی حفظ نماید. با وجود این، قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت با ایران غالباً ۷۵٪ سهم سود ایران و ۲۵٪ سهم سود خارجی بود، و در قراردادهای خدماتی سهم ایران ۹۰٪ و سهم خارجی فقط ۱۰٪ بود.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، با بقدرت رسیدن یک حکومت خودکامه وابسته به یک صف خاص، و نفی حاکمیت ملی و نادیدندگاشتن اصل مردم‌سالاری و دموکراسی مردم برای رسیدن به آن انقلاب کرده بودند، و ستیز و طرد کارشناسان و صاحب‌نظران توانا، همه قراردادهایی که بسود ایران بود عجلولانه و با تعصبی ناپه‌درانه لغو شدند. لغو قراردادهای باعث پرداخت غرامت‌های سنگین به خارجی‌ها، که برخی از آنها چند برابر سود احتمالی آنها بود، شد و پیامدهای سیاسی منفی گسترده‌ای را برای ما به ارمغان آورد که تا به امروز گریبانگیر آن هستیم. موج بی‌اعتمادی نسبت به ایران در عرصه بین‌المللی و تداوم یک سیاست ستیزه‌جویانه ناپه‌درانه و بی‌هدف، ما را به جایی رسانده که در قراردادهایی که اکنون مواجه با آن هستیم و با تحقیر و تحویل به آنها تن در می‌دهیم، بهتر نشان ۶۰٪ برای خارجی و ۴۰٪ برای ایران منظور شده است. این کمترین هزینه‌ایست که ملت ایران بخاطر فقدان یک حکومت مردم‌سالار، آگاه و توانمند در حال پرداخت است.

حکومت درون‌نگر و جهان‌ستیز کنونی ما را با دولت مردم‌سالار و جهان‌نگر مصدق مقایسه کنید که در لایحه ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰، هدف تأمین «حقوق حقه ایران و حفظ صلح جهانی» ذکر شده است. از کجا به کجا آمدیم! جبهه ملی ایران ۲۸ مرداد ۱۳۸۲

«اگر زندگی توام با استقلال و آزادی نباشد، بقدر پیشروی ارزش نخواهد داشت» تاکنون کدام رئیس دولت یا رئیس جمهوری در ایران، بجز دکتر مصدق که جمله زرین بالا از اوست، اینگونه با پافشاری به آزادی معتقد بوده است؟ حتی رئیس جمهوری کنونی ما هم که به اعتباری بهتر نشان بوده، آزادی را در چارچوب یک قفس مکتبی تعریف می‌کند و می‌گوید که در درون این چارچوب مردم باید آزاد باشند.

ما پس از گذراندن دوره اصلاحات دوم خردادی، بیش از همیشه به بزرگی روح دکتر مصدق و به عظمت این مرد پی می‌بریم. پایداری، خردمندی و از خودگذشتگی این مرد چلایدان، که زندگی‌اش را فدای دموکراسی و آزادی و قانونمندی کرد در تاریخ معاصر ایران نمونه است. مردی که به آنچه خواست ملت بود عمل می‌کرد و به رای و اعتماد مردم تا پای جان وفادار بود.

او، پس از صد‌ها سال حکومت فردی در ایران، مردم‌سالاری را برای مردم به ارمغان آورد. او پس از دو سده خاری و توهمین و تحقیر از سوی بیگانگان، با ملی کردن صنعت نفت و بیرون راندن عوامل این تحقیر و خاری، غرور و خودباوری را به ملت ایران بازگرداند، ملت ایران را در جهان سرفراز کرد و عظمت و ژرفای فرهنگ غنی ایران زمین را به جهانیان نشان داد، چراکه همه مبارزه و تلاش‌هایش برای ملی کردن صنعت نفت، نه با زورگویی و جنگ و ترو و دروغ‌پراکنی، بلکه از راه‌های کاملاً قانونی و مدنی، با رای مردم، با احترام به قانون و دادگاههای بین‌المللی، و با مراجعه به افکار عمومی جهان و مذاکره، و با تضمین ادای خسارت و با دعوت به ادامه همکاری در شرایط برابر انجام پذیرفت. مصدق نشان داد که یک حکومت خردمند و درستکار و مبین‌پرست می‌تواند سرسخت‌ترین و مقتدرترین دشمنان خارجی را شکست دهد و در عین حال مورد احترام همه جهانیان و محبوب ملت‌های ستمدیده هم باشد.

کودتای ۲۸ مرداد که بازتاب شکست یک ابرقدرت جهانی بدست یک کشور فقیر و ناتوان، ولی دارای یک مدیریت توانا و خردمند، بود بدون همکاری عوامل خودفروش بومی و دشمنی رهبرانی که خواسته‌های شخصی خود را مقدم بر منافع ملت و کشور می‌پنداشتند، امکان‌پذیر نمی‌بود. مصدق در برابر اعمال نفوذ و زیاده‌خواهی‌ها برخی از این چهره‌ها به صراحت گفته بود:

«مردم به آزادی رای داده‌اند، نه به حفظ و حراست از قوانینی که حقوق مسلم مردم را

پنجاه سال مبارزه و تلاش ملت ایران برای بازیابی این آزادی و دموکراسی گمشده، یکبار در بهمن ۱۳۵۷ و بار دیگر در خرداد ۱۳۷۶، با شکست رویسرو شد، زیرا هنوز آن صنف قدرت‌خواه آن زمان که اکنون بر قدرت نشسته، معنای این سخن مصدق را درک نکرده است. آنچه ابرقدرتهای انگلستان و آمریکا را در آن زمان مصمم کرد که دولت مردمی مصدق و جبهه ملی را سرنگون کنند، تنها جبران ملی شدن منابع نفت ایران یا انتقام‌جویی نبود، زیرا با پیداشدن منابع نفت در دیگر سرزمینهای منطقه و نیز آمادگی ایران برای همکاری و فروش نفت، مشکلی برای تأمین انرژی وجود نداشت. خطر کمونیسم هم، به تأیید مدارک رسمی افشاشده

خواهد بود که اساساً به دلایل اقتصادی و ملزومات رشد سرمایه‌داری جهانی چنین جنگی راه انداختند. اما در شرایط کنونی به علت عدم ثبات و پراکندگی جامعه و نیروهای عراقی و نیز خطر بالقوه بازماندگان بعث، هنوز این تضاد برجسته نشده و صحنه سیاسی عراق را کاملاً اشغال نکرده است. اما این تقابلی است که به طور عمده خود را نشان خواهد داد و حوادث و شرایط موجود، تنها پیش‌درآمدهای آن است.

چنین به نظر می‌آید که نیروهای سیاسی عراقی در شرایط فعلی برای استقرار نوعی سیستم که از هرج و مرج داخلی جلوگیری کند، ناچاراناً به همکاری داده‌اند (لااقل بخش عمده آن‌ها). اما به محض استقرار این سیستم وضع کاملاً تغییر خواهد کرد و البته شدت این تقابلی بستگی به نوع سیاست‌های آمریکا در آینده نیز خواهد داشت. بنابراین واضح است که در پی استقرار وضع، شاهد تغییراتی در سطح نیروها و آرایش آن‌ها خواهیم بود.

ارکان مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی

شمال بذر گرسنگی می کارد

برگرفته از هفته نامه «دی تسایت»

نوشته: ولفگانگ اوختایوس

برگردان: محمود صالحی



می‌رسد. هر چند بوریکیا فاسو کشور کوچکی است، اما در آن مرزهای زمانی متعددی وجود دارند. در پایتخت آن اوآگادوگو از یک سو کاخ ریاست جمهوری، فستیوال فیلم‌های آفریقایی که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود و رستوران‌هایی که در آن قیمت غذا برابری رستوران‌های اروپایی است و تاجر فرانسوی با لپ‌تاب (کامپیوتر همراه) به صرف غذا مشغولند، وجود دارد.

از سوی دیگر دابوی دهقان اما در قرن ۱۹ زندگی می‌کند. در دنیای او میانگین عمر انسان ۴۶ سال است و از هر ۱۰ بچه سه‌تای آن تا قبل از پنج سالگی می‌میرند. دنیایی که در آن تمام تلاش انسان‌ها به زنده ماندن خلاصه می‌شود.

پسینه که زمانی توسط استعمارگران وارد بوریکیا فاسو شد، برخلاف چند تا تخم‌مرغ و مقداری سبزی که بچه‌ها در کنار جاده سعی به فروش آن دارند، تنها کالایی است که می‌شود آن را کیلو، کیلو و دو کیسه‌های بزرگی که توسط کامیون‌های شرکت نیمه دولتی سوفیتکس حمل می‌شوند در بازار به خوبی بفروش رساند.

کارمندان شرکت سوفیتکس پسینه را در مزارع می‌خرند و به خارج صادر می‌کنند. اگر قیمت آن در بازار جهانی خوب باشد، پول خوبی به دهقانان می‌پردازند. در حال حاضر قیمت آن خیلی نازل است. و بدین گونه رابطه بین قرن ۲۱ و قرن ۱۹ رابطه بین جرج بوش هنگامی که قانون بیل را امضا می‌کرد و به فکر آمریکا بود و دابوی دهقان که بهای نازل پسینه برایش مثل خشکالی غیر قابل فهم است برقرار می‌شود.

دابوی دهقان لاغر اندام است و چشمت کوچک دارد. او تی‌شرت زرد رنگ و یک شلوار سوراخ سوراخ لی برتن دارد که شاید از پسینه آفریقایی در آمریکای لاتین و یا آسیا دوخته شده. لباس‌های دسته‌دومی که از آمریکا و یا اروپا وارد بوریکیا فاسو می‌شوند و انسان‌هایی مثل دابوی که فامیل بزرگ ۳۰ نفره دارد و جشن ماسک برگزار می‌کنند و به اجساد درگذشته‌اش احترام می‌گذارند و در دوران ماقبل سرباپه‌داری زندگی می‌کنند اما وابستگی شدیدی به پول ندارند. این لباس‌ها را بر تن می‌کنند. از آن پولی که دابوی از طریق فروش پسینه بدست می‌آورد پس از پرداخت قرض‌هایش برای بذر و کود و سم تقریباً ۳۰۰ هزار فرانک آفریقایی برابر با روزی ۱/۲ یورو برایش باقی می‌ماند که با آن خرج خانواده و پول مدرسه و داروی بچه‌ها که از اسهال و مالاریا در رنج‌اند را می‌پردازد و اگر هم چیزی باقی بماند هر چند وقت یکبار عصرها با مردان دیگر به کافه بروند. اواسط دهه نود، هنگامی که

آن هم نسبت به پسینه آمریکایی بهتر است. ساعت ۷/۵۷ پرزیدنت بوش با خودنویس‌اش قانون را امضا و دولت هم پرداخت خواهد کرد. در کمتر از یک ثانیه جرج بوش پرده دیگری به داستان دراماتیکی که جهانی شدن نام گرفته افزود.

پس این هدایای دولتی شرکت‌های آمریکایی پیش از هر زمان و هر کشور دیگری و حتی بیشتر از احتیاج صنایع نساجی سراسر جهان، کتان صادر می‌کنند. تولید مازاد بر مصرف یک نتیجه خیلی ساده اقتصادی به همراه دارد. قیمت پسینه در سراسر جهان سقوط می‌کند. در تابستان سال ۱۹۹۵ بهای هر پوند پسینه (۵۰۰ گرم) بیش از یک دلار بود، بعد به ۹۰، ۸۰، ۶۰ و ۵۰ سنت سقوط کرد. اواخر سال ۲۰۰۱ به زیر ۴۰ سنت رسید که طی ۷۰ سال گذشته و حتی در دوران بحران اقتصادی جهانی در دهه ۲۰ بی‌سابقه بوده است. طبق تخمین (ICAC) بهای پسینه طی سالهای آینده نیز بطور میانگین بیشتر از ۷۰ سنت نخواهد شد.

این وضعیت برای تمام پسینه‌کاران جهان مثل این است که یک نیروی ناشناخته و پیاپی گولی، نسبی از درآمد آنان را بلعیده است. اما ۲۵ هزار پسینه‌کار آمریکایی هیچ نگرانی ندارند. هر چند آنان مسبب سقوط بهای پسینه هستند، دغدغه خاطری ندارند و سوبسیدشان را دریافت می‌کنند. سال ۲۰۰۲ بیش از ۳/۹ میلیارد دلار بود که میزان آن دو برابر سال ۹۲ و بیش از سه برابر تمامی کمک‌های آمریکا برای توسعه اقتصادی به ۵۰۰ میلیون آفریقایی است.

بوریکیا فاسو کشوری در مجاورت صحرای بزرگ است. از شمال‌ش‌های روان زمین‌های حاصل‌خیز را می‌بلعد و آنگاه زمان رفتن برای انسان‌ها فرا

روز ۱۳ مه سال ۲۰۰۲، صبح زود در تروتمندترین کشور جهان قوی‌ترین مرد دنیا خودنویسی را در دست می‌گیرد. جرج دبلیو بوش در اتاق ۴۵۰ ساختمان اداری ایسن‌هاور سخنانی کوتاهی ایراد می‌کند، چندتا جوک می‌گوید و «فارم بیل» قانون جدید کشاورزی ایالات متحده را امضا می‌کند. با این امضا، او ۱۸۰ میلیارد دلار بعنوان سوبسید برای کشاورزان آمریکایی هزینه می‌کند. اکنون آنان می‌توانند روی چندین میلیارد دلار سالانه حساب کنند.

در این روز بوش می‌گوید: «فارم بیل به کشاورزان آمریکا کمک می‌کند و به همین دلیل برای آمریکا خوب است» و رادیو «فارم» هم سخنان او را مستقیماً تا تکراس، جورجیا و آلاباما آنجا که مزارع پسینه آمریکا قرار دارند پخش می‌کند. آنجا که مردان با ابزار آمریکا: ماشین‌های جمع‌آوری محصول که به بزرگی تانک هستند و تراکتورهایی که با کامپیوتر هدایت می‌شوند، به مزارع می‌روند. ماشین‌آلات عجیب و غریب این احساس را تداعی می‌کنند که کشت پسینه سودآور است.

در یک بازار آزاد جهانی کشاورزان آمریکایی در مقابل کشاورزان آفریقایی هیچ شانس تولید اتومبیل و کامپیوتر آفریقایی‌ها خوب نیست، اما آنها می‌توانند پسینه بسیار ارزان تولید کنند. هنوز هم ارزان‌ترین ابزار تولید در کشاورزی نیروی کار انسان می‌باشد، انسانی که مصرف روزانه‌اش دو کاسه ذرت کوبیده است. بنابراین آریزایی «کمیته بین‌المللی پسینه» (ICAC) تولید پسینه کشاورزان بوریکیا فاسو سه‌برابر ارزانتر از کشاورزان آمریکایی است و بخاطر اینکه در بوریکیا فاسو پشه‌ها با دست چیده می‌شود، کیفیت

پسینه بوریکیا فاسو بهتر از پسینه آمریکا است و خیلی هم ارزانتر. بر بازار جهانی تسلط دارند. درسی از تاثیرات جهانی سوبسیدهای کشاورزی.

در روزهای آغازین ماه مه باران بر سرزمین ایستادگان بارید و باران سرآغاز زندگی است. هفت ماه آفتاب شیره زمین را میکشد؛ درختان برگ‌هایشان را از دست دادند و علفزارها رنگ باختند. مردها در کنار کلیه‌های کاهگلی‌شان می‌نشستند و باد سرد و غبار را بر چهره‌شان می‌راند تا اینکه بالاخره باران باریدنش گرفت و زندگی دوباره بازگشت.

با ابزار آفریقا؛ بیل سرکچ و دسته کوتاه و شخصی که با گاو لاغر اندام کشیده می‌شود، یرباتی دابوی زمین را می‌شکافت. دابو کشاورز ۲۸ ساله‌ای است که شب‌ها غذایش ذرت کوبیده است و روی زمین می‌خوابد. او روزها بر روی زمینش کار می‌کند. دابو افسار گاو را در دست دارد و برادرانش شخم را هدایت می‌کنند و زنان و بچه‌ها هم بی توجه به پشه‌های مالاریا بذر می‌افشانند.

دابو به آسمان نگاه می‌کند و می‌گوید: ابرهای خوبی هستند. امسال باران زود بارید و تا چند ماه دیگر بتدا به اندازه قد یک آدم خواهند شد و مانند برف، پسینه رنگ زمین را سفید خواهد کرد. روزها و هفته‌ها مردان، زنان و کودکان پسینه‌ها را می‌چینند، پسینه‌ای که ماده خام پیراهن، شلوار، کت، ملاقه و جوراب جهان است. محصول سال ۲۰۰۳ کشور کوچکی که نام آن بوریکیا فاسو (سرزمین ایستادگان) است، محصول خوبی خواهد بود. اما برای محصولش پولی نصیب دابو نخواهد شد.

خواستار قطع سوبسیدها شدند. این قطعنامه را یک مسیونر فرانسوی در اینترنت قرار داد که مورد پشتیبانی بین‌المللی قرار گرفت. براساس تخمین بانک جهانی اگر آمریکایی‌ها سوبسیدهایشان را قطع‌کنند بر بهای پسینه ۲۵ درصد افزوده خواهد شد.

فرانکوئیس تراوره از هم‌اکنون به دوران پس از قطع سوبسیدها می‌اندیشد و می‌پرسد: قیمت پیراهن شما چقدر است؟ شاید ۳۰ یورو.

او می‌گوید: «ببینید، وزن پیراهن شما ۲۰۰ گرم است، یعنی ۲۰۰ گرم پسینه. قیمت آن در بازار جهانی ۲۵ سنت و بدون سوبسید شاید ۳۲ سنت باشد که کمک بزرگی به دهقانان است. اما اگر بخوایم درآمد درست و حسابی داشته باشیم باید نه تنها پسینه، بلکه پیراهن را هم در بوریکیا فاسو تولید کنیم».

این راه ورود به قرن ۲۱ است. اواسط ژوئن سال ۲۰۰۳ مردی با کت و شلوار و کراوات

سوار هواپیما شد و از آفریقا به اروپا پرواز کرد. او در اروپا ناشناخته است اما در موطن‌اش هر بچه‌ای او را می‌شناسد و عکس‌اش در اتاق هر کارمند دولت اویزان است. در شهر ژنو او رئیس یک دولت آفریقایی پیش نیست که خبرنگاران قبل از ملاقات نامش را روی یک برگه کاغذ می‌نویسند: سلایس کومپاورد، رئیس جمهور بوریکیا فاسو که قبلاً ولتای اولیا نامیده می‌شد.

او در بین مردمش محبوبیت ندارد. ۲۰ سال پیش وقتی که توماس سانکارا رئیس جمهور پیشین و قهرمان مردم به‌قتل رسید، او قدرت را بدست گرفت. در بوریکیا فاسو همه می‌دانند که احتمالاً کومپاورد که قبلاً وزیر دادگستری بود فرمان قتل سانکارا را داده است.

این آدم که چترپاز دوره دیده در فرانسه است، روز ۱۰ ژوئن وارد ساختمان تجارت جهانی که ۱۴۶ عضو آن در مورد وضعیت تجارت جهانی تصمیم‌گیری می‌کنند، می‌شود. در توری همه آنها با هم هم‌نظر هستند که هر کشوری باید محصولات خود را

بهای پسینه بالا بود بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی میزان فقر در روستاها ۱۰ درصد کاهش یافت. این پول نه تنها خانواده دهقانان بلکه خرج افراد دیگری مثل نابره تارو که یک کافه دارد و کوکاکولا و غذا می‌فروشد و یا کوناته آنگر که با غرور دستگاه خودساخته بذرکارش را نشان می‌دهد تا مابین می‌کرد.

با این پول حتی یک مدرسه یا دیوار بستنی به رنگ زرد و نارنجی ساختند. دو اتاقش تمام شد و وقتی بهای پسینه سقوط کرد برای اتاق سوم پولشان کم آمد. حداقل بچه‌ها حالا دیگر برای به مدرسه رفتن نباید ساعت‌ها و کیلومترها پیاده‌روی کنند.

چند سال پیش فرانکوئیس تراوره فهمید که بازار جهانی برخلاف وضع هوا توسط انسانها ساخته شده. برای او تا قبل از آن «آمریکایی» انسانهای سفیدپوستی بودند که با لندروور به دهات می‌آمدند و به دهقانان یاد می‌دادند که چگونه بهتر پسینه بکارند. امروز او ۵۰ ساله‌است و در کنفرانس‌های واشنگتن، پاریس و برلین سخنرانی کرده است. او راننده دارد و مشاوری که اقتصاد تحصیل کرده، دفتر کارش در شهر است و هر چند لحظه یکبار تلفن همراهش به صدا درمی‌آید. فرانکوئیس تراوره ۱۵۰ سال جیش کرده است.

فرانکوئیس ۱۶ ساله بود که پدرش کور شد و او ساکن فامیل در بدست گرفت، آنقدر در صحرای ساوان گشت تا قطعه زمینی بیافت و شروع به پسینه کاری کرد. او به چشمان قرمزش اشاره می‌کند که نتیجه بی‌خوابی است. او هنوز هم کشاورز است اما نحوه صحبت‌کردن نشان می‌دهد که او می‌خواهد سیاست‌گذاری کند.

فرانکوئیس تراوره اولین رئیس اتحادیه پسینه‌کاران بوریکیا فاسو است. او که شش سال بیشتر به مدرسه نرفته برایش غیر قابل تحمل بود که در کشوری که از هر ۵ نفر یک نفر آن به پسینه کاری مشغول است پشتیبانی سیاسی نداشته باشد. او به هم‌راد پسینه‌کاران کشورهای مالی، بنین و چاد قطعنامه‌ای نوشتند و در آن

نگاهی بر تحولات جاری عراق

سیامک - ش

در روزی که می‌گذرد جامعه عراق بعد از سقوط رژیم بعث بیشتر در بحران، ناامنی و عملیات مسلحانه روزانه غرق می‌شود. تابلوی ارائه‌شده از جامعه عراقی بعد از جنگ، اصلاً تابلویی مطلوب نیست و هنوز مخاطرات زیادی در کمین نهشته است.

سؤال این است: «چرا علیرغم نفرت مردم از صدام و تشکیل یک شورای حکومتی از نیروهای عراقی، جامعه عراق به مسیر تثبیت و استقرار نیست و بر نمی‌دارد؟ به نظر من می‌توان جواب را در چند محور

دسته‌بندی کرد:
 ۱- به علت تاخیر در بازسازی تأسیسات زیربنایی و راه‌اندازی ضروریات زندگی روزانه
 ۲- به علت حضور نیروهای بیگانه و اشغالگر
 ۳- با بالاخره به این علت که شورای حکومتی تشکیل شده علیرغم تنوع بافت خود هنوز معرف اکثریت مردم عراق نیست و نتوانسته است به نوعی تمثیل اعتراض داخلی باشد.
 که به نظر من باید مود دوم و سوم در مرحله کنونی از اهمیت و الویت بیشتری برخوردار گردند، ادامه در صفحه ۱۱

بدون محدودیت صادر نماید. اما در عمل و پس از سالها مذاکره و چانه‌زنی، هنوز هم کشورهای جهان سوم با تعرفه‌های گمرکی بسیار بالایی در کشورهای صنعتی روبرو هستند. کشورهای صنعتی سالانه ۳۲۰ میلیارد دلار سوبسید برای بخش کشاورزی خود می‌پردازند. آمریکایی‌ها به پنبه، ذرت و سویا، اروپائیان به شیر و شکر و ژاپن به برنج خود سوبسید می‌دهد. طی ۲۰ سال گذشته و در نتیجه تسلط کشورهای صنعتی بر سازمان تجارت جهانی کشورهای در مقابل خبرنگاران خواستار لغو همه سوبسیدهای پنبه در سراسر جهان است. چند کشور آفریقایی و جهان سومی نیز از این خواست حمایت می‌کنند و حتی یک ماه بعد وزیر امور توسعه آلمان، خانم ویچورک زویل، نیز از آن حمایت کرد.

بسر اساس گمانه‌زنی دیپلمات‌های تجاری در کنفرانس سازمان تجارت جهانی که در ماه سپتامبر در کان‌کوم برگزار می‌شود، پنبه نقش مهمی را بازی خواهد کرد. احتمالاً آمریکایی‌ها قدری عقب‌نشینی خواهند کرد که البته این نیز وابسته به میزان اعمال فشار کشورهای دیگر است.

روزنامه‌های اوآگادوگو پایتخت بوریکیا فاسو پر است از گزارش‌های مسافرت رئیس جمهور به مقر سازمان تجارت جهانی. بر مقبولیت کومپاورد بخاطر سخنرانی‌اش در سازمان تجارت جهانی همانند مقبولیت جرج بوش بخاطر امضای قانون بیل افزوده شده. هم در کشورهای قدرتمند و هم در کشورهای جهان سوم سیاست قوانین مشابه دارد. فقط ابزارها متفاوت هستند. رئیس جمهور آمریکا پول روی میز می‌گذارد و بقیه دنیا هم نمی‌توانند جلوی او را بگیرند. رئیس جمهور یک کشور آفریقایی هم قطعنامه صادر می‌کند و به این امید است که بقیه دنیا هم از او پشتیبانی کند. این مقاله اندکی خلاصه شده است.